



نقاشی از مرتضی کاتوزیان

Global Rug Specialist

شستشو، ترمیم، خرید، فروش و ارزیابی انواع فرش



825 W El Camino Real, Mountain View

(650) 965-7847 + (408) 892-7847

Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،
از معتبرترین شرکت ها

+ سلامتی و دندانپزشکی + مسکن + اتومبیل، قایق و
موتورسیکلت + محل کسب + عمر و هزینه فوت

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلاحی

فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



♦ آموزش فارسی ♦ تمامی سازهای موسیقی ایرانی ♦ آواز و تصنیف خوانی ♦ آرف ♦ رقص ایرانی
♦ کامپیوتر ♦ نقاشی ♦ کار دستی ♦ سلفژ و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

* کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی

* دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان

* ارائه کلاس های فارسی با روش جدید آموزشی و تلفیقی، همراه با استفاده از کامپیوتر لب،

فعالیت های آموزشی و سرگرم کننده و بازدیدهای آموزشی تحت نظر معلمین با تجربه

* روزهای دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، کلاس و برنامه های آموزشی برای

دانش آموزان، بعد از تعطیلی مدارس After School Program

برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید!

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند

زمان: جمعه ۵ دسامبر ساعت: ۶:۳۰ عصر ورودیه: ۴ دلار

با صرف چای، قهوه و شیرینی



ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

www.raziacademy.com

info@raziacademy.com

(408) 828-8494



4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ حمله حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408)777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925)777-0432

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

تروریست هایی که با «اسید» زنان را ترور می کنند و پلیسی که ناتوان از شناسایی آنهاست

فهیمة تفسیری

این روزها دو اتفاق تلخ جامعه زنان و کل خانواده ها را دستخوش نگرانی شدید کرده است: یکی اسیدپاشی بر چهره ی زنان اصفهانی است و دیگری انواع و اقسام

طبعاً می تواند دغدغه ای ملی باشد و بیش از همه مسئولان مملکت را برای مهار این نوع از خشونت ها به تکاپو وادارد. از این رو در ادامه مقاله، سه گروه از لایحه های قدرت سیاسی کشور یعنی تئوریسین های حاکمیت، نمایندگان مجلس، و نیروی انتظامی مورد خطاب قرار گرفته اند با این تاکید که حوادث تلخی که این روزها بر سر زنان آوار می شود صرفاً زنان و خانواده های ایرانی را هدف قرار نداده بلکه آغازگر خشونت هایی است که می تواند در آینده به همگان آسیب برساند.



طرح هایی که از سوی برخی از مجلسیان به بهانه «حجاب» و «بدحجابی»، حقوق حداقلی و زندگی روزمره زنان را هدف تاخت و تاز قرار داده است.

بسیاری از ناظران، این دو حرکت را که یکی از درون جامعه و دیگری از درون مجلس شورای اسلامی فرارویدیده، در یک راستا و آن هم در جهت گسترش افراط گرایی در ایران می دانند.

این اتفاق ها در شرایطی در جامعه ما رخ می دهد که همگان با توجه به رخدادهای اخیر در منطقه خاورمیانه، به راحتی نتایج فاجعه بار افراطی گرایی مذهبی را توسط نیروهای خلافت اسلامی (داعش) می توانند با گوشت و پوست خود لمس کنند. قدرت گیری فزاینده ی نیروهای افراطی مذهبی که مانند همیشه زنان را بیش از بقیه اقشار هدف قرار می دهند

داعش از درون مجلس

ممله کرده، نه از بیرون مرزها

امیر محیبیان به تازگی در روزنامه رسالت مطلبی با عنوان «پدیده داعش و رویکردهای ضروری ما» نوشته است: «فراموش نکنیم پروژه داعش دو رو دارد؛ آنها برای توجیه سیاست های تکفیری تحت نام سنی محتاج جریان های تکفیری و افراطی شیعی هستند».

ایشان در انتهای مطلب خود یادآور می شود که: «سیاست خارجی ایران باید پوشش لازم را برای ایجاد، تقویت و تثبیت تصویر عقلانی از ایران در برابر تصویر تروریسم و افراط در جهان ایجاد نماید».

بی شک نمی توان سخنان ایشان را تایید نکرد، ولی در عین حال باید از ایشان پرسید: آیا این فقط «سیاست خارجی» ایران است که باید در برابر تصویر تروریسم و افراط، تصویری عقلانی از خود ارائه کند؟ و آیا بدون اصلاح سیاست داخلی، اساساً ممکن است که ایران بتواند تصویری عقلانی و «زیبا و غیرافراطی» در سطح بین المللی از خود ارائه کند؟ متأسفانه امروز تروریسم و افراطی گری درون مرزهای ایران سر از اصفهان درآورده است، همانجا که برخی افراطیون شیعه مذهب، مانند همتایان سنی شان، سلاح به دست گرفته اند و با عقاید افراطی گرایانه شان به خود حق می دهند که با اسلحه ی مخربی به نام «اسید»، زنان اصفهانی را ترور کنند! از سوی دیگر افراط گرایان مجلس شورای اسلامی هم دست به کار شده اند و با طرح هایی مانند «طرح حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر» یا طرح «صیانت از حریم حجاب و عفاف»، به نوعی به حمایت از اقداماتی که قرار است خودسرانه توسط «مردم بر مردم» اجرا شود، به پا خواسته اند. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

فهرست مطالب

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	اخبار
صفحه ۹	با هادی خرسندی-داستان
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	رزم موفقیّت (شهلا صمصامی)
صفحه ۱۲	فردوسی خالق بزرگ تراژدی (هما گرامی-فره وش)
صفحه ۱۳	مروری بر قراردادهای... (کاوه میرشقیعی)
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	اخبار ورزشی
صفحه ۱۶	«گس» و مشکلات (سعید شفا)-اخبار
صفحه ۱۷	آشنا داند زبان آشنا (منصور محمدزاده)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی)
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از در گوشه ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	بزرگترین طراح لباس هالیوود (فرسیا اعتمادزاده)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)-داستان
صفحه ۲۵	حق قانونی نگهداری... (کاملیا محمودی)
صفحه ۲۶	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	نکات مهم برای داشتن دندان سالم (میشل حق پناه)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریانا کدخدایان)-اخبار
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	سبک ساحلی (نسرین حسینی)
صفحه ۳۱	اصل تضاد و اصالت... (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	نعل وارونه (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	تاریخچه ساز تمبک (وحید باقری)
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	یادی از قربانیان... (نعیمه دوستدار)
صفحه ۳۷	خیلی قدیم های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	تبلیغ
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	بازی با کلمات (الی نژاد)-اخبار
صفحه ۴۲	تعطیلات فرا میرسد! (سحر صلاهی)-دنباله اخبار
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	اخبار
صفحه ۴۵	تبلیغ
صفحه ۴۶	دنباله مطلب
صفحه ۴۷	اخبار
صفحه ۴۸	تبلیغ
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی



در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار خارج از آمریکا: یکساله ۱۴۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک (ارسال فرمایید).

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱۱ (۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia cannot guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.



را داد، آن شب شوم
میبايد من کشته
میشدم، جسد در
گوشه ای از شهر می
افتاد و بعد از چند
روز نگرانی، پلیس
شما را برای شناسایی
ام به پزشکی قانونی
می برد و تازه آنجا
می فهمیدید که به من
تجاوز هم شده!
قاتل هرگز پیدا نمیشد

شدم آموزش کمکی به من نکرد. رفتار آرامم در دادگاه مرا به خونسردی در قتل و جنایت کار بی رحم بودن متهم کرد. آشک نریختم، التماس نکردم و کولی وار هوار نردم. چون به حمایت قانون اطمینان داشتم اما متهم شدم به بی تفاوتی در برابر جنایت. می بینی! من که حتی پشه ها را نمی کشتم و سوسک را با شاخکش بیرون می انداختم، شدم جانی، آن هم با قصد قبلی! رفتارم با حیوانات تمایل به پسر بودن تعبیر شد و قاضی حتی به خودش زحمت نداد که توجه کند هنگام حادثه ناخن های بلند و سوحان کشیده بود و بی توجه به این گفت که من بوکسر بوده ام. چه خوش خیال بودیم که از قضات توقع عدل و داد داشتیم. او هرگز از خود نپرسید که آیا دست هایم ضمختی ورزشکاران به خصوص ورزشی مثل بوکس را ندارد. در این کشور که تو عشقتش را در دلم کاشتی هیچ کس مرا نخواست و هیچ کس حمایت نکرد. وقتی زیر ضربه های بازجو فریاد میزد و رکیک ترین الفاظ را می شنیدم. وقتی آخرین نشانه ی زیبایی را از خودم دور کردم و مو هایم را تراشیدم جایزه گرفتم، یازده روز انفرادی!

زیرا ما زر و زور آن ها را نداریم و همه ی شما رنجور و شرمزده به زندگیتان ادامه میدادید، چند ماه یا چند سال بعد هم دق میکردید و تمام!
اما با آن ضربه ی لعنتی قصه عوض شد، جسد من در بیابان ها که در گور زندان اوین و بند های بالا و پایین و انفرادی و حالا در زندان گور مانند شهر ری رسیده است. اما تسلیم سرنوشت باش و هرگز گلابه نکن! تو بهتر از من می دانی مرگ پایان زندگی نیست! تو یادم دادی هر انسانی به دنیا می آید تا تجربه ای کسب کند و درسی یاد بگیرد و با هر تولد رسالتی بر دوش انسان گذاشته می شود. من یاد گرفتم که گاهی باید جنگید.
یادت هست داستان نیچه ی فیلسوف را بر ایمن میگفتی که به مرد گاری چی که به اسبش شلاق میزد اعتراض کرد و صاحب اسب شلاق را به سر و صورت نیچه کوبید و در نهایت به مرد سنجابی. تو میگفتی او به همه یاد داد که در راه خلق یک ارزش باید ایستاد، حتی اگر بمیری! تو به ما یاد داد دادی که درگیر دار مدرسه، دعاها و چقولی های کودکانه باید خانم بود. یادت هست چقدر روی رفتار ما تاکید داشتی! تجربه ات غلط بود! وقتی به حادثه پرت

ریحانه جباری را نیز اعدام کردند!

ریحانه جباری (زاده ۱۳۶۶ - درگذشته ۳ آبان ۱۳۹۳) دختر جوانی که در سن ۱۹ سالگی مرتکب قتل شد و در ۳ آبان ۱۳۹۳ بعد از ۷ سال زندانی، به جرم قتل اعدام شد. وی به اتهام قتل مرتضی عبدالعلی سربندی، ۴۷ ساله، بازداشت و محاکمه شد. جباری اتهام قتل را پذیرفت، اما مدعی شد مقتول قصد تجاوز داشته و او از خود دفاع کرده است. جباری طراح دکوراسیون داخلی یک شرکت تبلیغاتی و دکوراسیون بود که ادعا می کند برای طراحی دکوراسیون مطب مقتول به آنجا رفته بوده است. مرتضی عبدالعلی سربندی، پزشک عمومی، کارمند سابق وزارت اطلاعات و در کار تجارت لوازم پزشکی بود. سربندی و جباری، در یک مکالمه تلفنی در یک بستنی فروشی با هم آشنا شده بودند. در دیداری که پس از این مکالمه بین آن دو رخ می دهد، سربندی به قتل می رسد. بر اساس گزارش هایی که از سوی دادگاه رسیدگی به پرونده ارائه شده است، جباری سوار بر خودروی سربندی می شود و سربندی بین راه در یک داروخانه توقف می کند تا مقداری خرید کند که بعداً مشخص می شود آن اجناس، کاندوم بوده است. همچنین بر روی میز محل، دو لیوان آب میوه قرار داشته که یکی از آنها حاوی داروی خواب آور بوده است. وکیل ریحانه جباری، عبدالصمد خرمشاهی، این موارد را دلایلی می داند که نشان می دهد مقتول قصد تجاوز به متهم را داشته است. جباری پس از رسیدن به محل، متوجه می شود که سربندی او را به آپارتمانی مسکونی اما خالی از سکنه برده است که بنا بر ادعای سربندی، قرار بوده تبدیل به مطب سربندی بشود و قصد داشته جباری را به عنوان طراح دکوراسیون آن ساختمان بکار بگیرد. دادگاه رسیدگی به پرونده گزارش می کند که بنا بر اظهارات متهم، سربندی پس از حمله به جباری به قصد تجاوز به او، از سوی جباری مورد اصابت چاقو در ناحیه کتف راست قرار می گیرد و جباری نیز بلافاصله از محل فرار می کند، اما بعد از آن آمبولانس خبر می کند. سربندی پس از خونریزی زیاد از دنیا می رود و دادگاه جباری را «به قتل عمد با قصد قبلی» متهم می کند و حکم اعدام را برای او صادر می کند. جباری قتل سربندی را «برای دفاع از خود» خوانده است. بنا به اظهارات وکیل ریحانه جباری در دادگاه و یادداشتی که او پس از صدور حکم نوشت، نه قتل عمدی بوده و نه ضربه وارده مرکبار.

متن وصیت نامه ریحانه:

رسیده ام. به نظر تو این حق من نبود که بدانم؟! تو که میدانی چقدر از غمگین بودنت شرم زده ام، چرا فرصت عذر خواهی و یا بوسیدن دست خودت و بابا را بر ایمن کوتاه تر کردی؟! دنیا به من اجازه ی نوزده سال زندگی

شعله جان، امروز فهمیدم که چه اتفاقی افتاده؛ فهمیدم حالا دیگر در نوبت اجرای حکم قصاص قرار گرفته ام. از تو گله دارم که چرا خودت به من نگفتی که به آخرین صفحه ی کتاب زندگی ام

Threading & Hair Design by Haleh



سالن آرایش هاله
(650)242-6477



*کوتاه کردن مو *رنگ *های لایت *بند ابرو *آرایش صورت
*براق و شفاف کردن رنگ مو *صاف کردن مو به روش کراتن
*Hair Cut *Hair Color *Highlights
*Threading *Make Up *High Gloss *Keratin

\$20 OFF
on Partial Highlights
FREE Eyebrow Threading with Haircut

Exp. 8/2014

www.halekhairdesign.com

4060 S. El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA

Let us build your custom dream home



Ali's
Construction & Remodeling
Fine Custom Homes, Design & Build • Kitchen & Bathroom Specialist

(408)-898-6474

با مدیریت علی زمانی

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

◆ New Custom Home ◆ Room Additions ◆ Bathroom ◆ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

www.alisconstruction.com

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

عقد ۲۱۹ دختر ربوده شده توسط بوکو حرام

گروه بوکو حرام، انعقاد هرگونه توافق آتش بس با دولت نیجریه را تکذیب و اعلام کرده ۲۱۹ دانش آموز دختری را که در سال جاری توسط پیکارجویان این گروه ربوده شده‌اند، به عقد مردان خود درآورده است.

آزادسازی احتمالی دختران ربوده شده تکذیب کرده است. ربوده شدن ۲۷۶ دانش آموز دختر در مدرسه‌ای در شهر «چیوک» استان «بورنو» در نیجریه در ماه آوریل سال جاری، دولت این کشور را با انتقادات شدید بین‌المللی به خاطر عدم اقدام فوری برای آزادی ربوده شدگان مواجه کرد.

عدم توافق بر سر آتش بس و پیشروی بوکو حرام با جنگجویان این گروه که در زندان به سر می‌برند، مبادله کند، اما چنین مبادله‌ای را دولت نیجریه و بستگان دختران قبول نکردند.

شمال نیجریه است. آنها بخشی از این منطقه را که نفت خیز است در دست دارند و از سال ۲۰۰۹ تاکنون هزاران نفر را یا ربوده و یا در بمب‌گذاری‌ها کشته‌اند. در حملات بوکو حرام به روستاهای نیجریه تنها در سال جاری ۳۰۰۰ نفر کشته شده‌اند.

ارتش نیجریه در نیمه ماه اکتبر با بوکو حرام آتش بس اعلام کرده و گفته بود که دختران ربوده شده به زودی آزاد خواهند شد. ابوبکر شکائو، رهبر گروه اسلام‌گرایان تندروی بوکو حرام، در یک نوار ویدئویی که شامگاه جمعه ۳۱ اکتبر منتشر شده، اعلام کرده که «موضوع ۲۱۹ دختر دانش آموز که حدود هفت ماه پیش توسط افراد بوکو حرام ربوده شدند»، «بیرزمانی است که فراموش شده» و آنان خیلی وقت است که مسلمان شده‌اند و به عقد مردان این گروه درآمده‌اند.

شکائو در این پیام ویدئویی همچنین ادعای دولت نیجریه را مبنی بر

آدم‌ربایی، اخاذی و ترور می‌کند. بوکو حرام که با آموزش به شیوه غربی مخالف است، دختران دانش‌آموز را می‌رباید و آزادی آن‌ها را منوط به آزاد کردن اسلام‌گرایانی می‌کند که در زندان‌های حکومت مرکزی هستند. بوکو حرام در صدد ایجاد دولتی اسلامی در

بوکو حرام ۳۰ دختر دیگر را ربود

روزنامه «پرمیوم تایمز» گزارش داده است که اسلام‌گرایان تندرو بوکو حرام آتش بس با دولت نیجریه را نقض کردند. به روستاهایی در استان بورنو حمله کردند. خانه‌های روستائیان را غارت کردند. ۱۷ نفر را به قتل رساندند و دختران نوجوان را ربودند.

است. در این گزارش آمده که دختران ربوده شده را به زور وادار به ازدواج می‌کنند و در مواردی حتی این گمان وجود دارد که از آن‌ها در عملیات انتحاری استفاده می‌شود. گودلاک جانانان، رئیس جمهور نیجریه

اعلام کرده بود که در تاریخ ۱۷ اکتبر سال جاری با بوکو حرام قرارداد آتش بس منعقد کرده و با آنها در مذاکراتی به این توافق دست یافته که اسلام‌گرایان ۲۰۰ دختر دانش‌آموزی را که شش ماه پیش ربوده بودند، آزاد کنند.

با وجود کمک‌های جامعه جهانی هنوز هیچ‌گونه نشانی از دختران ربوده شده به دست نیامده است. اکثر مردم شمال نیجریه مسلمان و فقیر هستند. بوکو حرام با استفاده از شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی بین جنوب با اکثریت جمعیت مسیحی و شمال این کشور، با روش‌های تروریستی و خشونت فزاینده اقدام به

یکی از مقامات امنیتی دولت نیجریه به روزنامه «پرمیوم تایمز» گفته است: «به ما گزارش‌هایی رسیده مبنی بر اینکه بوکو حرام پسران نوباغ و دختران نوجوان را در روستاهای اطراف شهر مافا ربوده است.»



شاهدان عینی همچنین گزارش داده‌اند که اسلام‌گرایان تندرو احشام و آذوقه روستائیان را نیز به غارت برده‌اند. دیدبان حقوق بشر با ۳۰ زن و دختری که طی یک سال و نیم گذشته توسط اسلام‌گرایان تندرو بوکو حرام ربوده شده و در این میان آزاد شده‌اند، گفت‌وگو کرده و بر آن اساس گزارشی درباره دختران ربوده‌شده نیجریایی پرداخته



دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services

✓ Integrity ✓ Respect
✓ Commitment ✓ Expertise
Advisor You Can Count On!



با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

♦ Accounting & Auditing

♦ Tax Consulting

♦ Tax Preparation

♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

♦ حسابداری و حسابرسی

♦ برنامه ریزی مالیاتی

♦ مالیات بر درآمد

♦ کلیه امور حسابرسی

Work: (209)835-9655 (408)440-9622
Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com
504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

تعمیر انواع موبایل و کامپیوتر

قیمت استثنائی برای هموطنان عزیز



LG

MOTOROLA

SONY

APPLE

SAMSUNG





✳ Cracked Screen Repair :

Iphone 4/4s	\$45
Iphone 5	\$70
Iphone 5c/5s	\$85
Ipad 2	\$60
Ipad 3/4	\$70
Ipad Mini	\$85
Ipad Air	\$95

✳ Unlock Factory

✳ Pc Repair \$50+Part

✳ Mac Repair \$80+Part

(408)459-0107

393 E Hamilton Ave., Suite 200, Campbell, CA 95008
www.baycotechgroup.com Info@baycotechgroup.com

سپاه پاسداران: برای خروج آمریکا از خلیج فارس برنامه داریم

علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، در یک برنامه تلویزیونی، خروج نیروهای آمریکایی از خلیج فارس را از برنامه‌های سپاه پاسداران اعلام کرد.

همچنین نوشت که اگر چه ناوهای هواپیمابر آمریکایی برای تردد در آب‌های آزاد، حریم چند کیلومتری را برای خود قائل هستند، اما این حریم

خبرگزاری فارس در گزارشی نوشت که طی روزهای اخیر مستندی با عنوان «رو در رو با شیطان» با موضوع توانمندی‌های دریایی سپاه پاسداران در برنامه تلویزیونی تریا پخش شده است.

در این مستند تلویزیونی علی فدوی، فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران، با اشاره به «استراتژی حفظ



تنها در خلیج فارس و آن هم توسط شناورهای تندروی گشت دریایی سپاه «شکسته» شده و شناورهای سپاه در فاصله «چند متری» ناوهای هواپیمابر آمریکا حرکت می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری فارس بر پایه ادعای فرماندهان نیروی دریایی سپاه «اگرچه یگان‌های خارجی در طول مسیر ورود، تردد و خروج از خلیج فارس توسط سامانه‌های شنود و راداری کنترل می‌شوند، اما این اصرار وجود دارد تا یگان‌های فرماندهی‌های -ویژه آمریکایی‌ها- با چشم خود شناورهای سپاه را در نزدیکی‌شان مشاهده کنند.»

دنیاله مطلب در صفحه ۵۰

و حراست از امنیت خلیج فارس و تنگه هرمز» گفته است: «ما برنامه داریم که آمریکایی‌ها باید از خلیج فارس بروند.» فرمانده نیروی دریایی سپاه ۱۶ اردیبهشت نیز در مصاحبه‌ای با خبرگزاری فارس گفته بود که نیروهای سپاه پاسداران برای غرق ناوهای غول‌پیکر آمریکایی تمرین‌های زیادی کرده‌اند و می‌توانند یک ناو این کشور را ظرف ۵۰ ثانیه غرق کنند. شناورهای گشت ساحلی آمریکا از سال ۲۰۰۳ با هدف «اجرای قوانین بین‌المللی دریایی» در خلیج فارس به گشت‌زنی مشغول‌اند. خبرگزاری فارس در گزارش خود

شده در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد هیچ کشوری را مجبور به اجرا نمی‌کند. در حقیقت یک کشور می‌تواند تمام پیشنهادات را رد و قبول نکند و این پیشنهادات ضمانت اجرایی ندارند.

کارهای مثبت و تاثیرگذاری در زمینه حقوق زنان و اقلیت‌ها داشته و ما می‌دانیم که تحریم‌های بین‌المللی برای این کشور مشکل درست کرده است. لازم به یادآوری است که پیشنهادهای ارائه

انتقادهای تند جامعه جهانی از وضعیت حقوق بشر در ایران

۱۰۸ کشور عضو سازمان ملل پیشنهادهای خود برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران را در اجلاس بررسی ادواری حقوق بشر به ژنو ارائه کردند.

همه کشورهای عضو سازمان ملل درباره بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران پیشنهادهای خود را ارائه کردند. از جمله اسپانیا درباره اعدام کودکان و همجنس‌گرایان و همچنین لغو مجازات سنگسار پیشنهاد داد.

جنسی و اقلیت‌های مذهبی اشاره کرد و خواستار بازنگری در این زمینه شد. استرالیا خواهان توقف اعدام کودکان، آزادی بیان و تجمع و آزادی زندانیان سیاسی، رعایت حقوق بهائیان، کردها و دراویش شد. بحرین نیز از وضعیت حقوق اقلیت‌ها در ایران انتقاد کرد. کانادا اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را زیر سؤال برد. چک از ایران خواست آزادی مطبوعات را اجرا کند. آزادی در حق دسترسی آزاد به



اینترنت، توقف اعدام دست کم برای افراد زیر ۱۸ سال، رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی از جمله بهائیان از دیگر خواسته‌های این کشور بود. دانمارک خواهان توقف شکنجه، آزادی اقلیت‌های جنسی، آزادی اقلیت‌های مذهبی چون بهائیان و توقف برنامه‌های رسانه رسمی برای تخطئه اقلیت‌ها شد.

فنلاند با لحن تند از ایران خواست که اعدام را لغو کند. نماینده این کشور گفت که اعدام ریحانه جباری آنها را ناراحت کرده است. این کشور خواستار مبارزه با خشونت خانگی و جنسی شد. فرانسه اعلام کرد که کشورش نگران برخورد با اقلیت‌های مذهبی است و خواهان حق وکیل زندانیان، آزادی اینترنت و آزادی روزنامه نگاران شد. در این میان تنها چین گفت که ایران

سوئد گفت که وضعیت حقوق بشر همچنان در ایران بد است و این کشور باید در زمینه حقوق بهائیان، آزادی اینترنت، رفع سانسور مطبوعات و گسترش آزادی بیان تلاش کند. در مقابل تاجیکستان خواهان بهبود وضعیت زنان و بهتر شدن میزان حضور آنها در اجتماع شد.

بریتانیا بر حقوق زندانیان و حق آنان در داشتن وکیل تاکید کرد و با اشاره به افزایش نگران‌کننده اعدام‌ها و وضعیت زندان‌ها. اعترافات اجباری را از نمادهای شکنجه دانست.

آمریکا با اشاره به وضعیت جیسون رضاییان، عابدیان و دیگر روزنامه‌نگاران زندانی، خواهان رعایت آزادی بیان شد و از منع ورود احمد شهید به داخل ایران انتقاد کرد. آرژانتین از وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی کرد و به وضعیت حقوق‌ها در گریبان

دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش‌های پیشگیری * رژیم غذایی * درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش و یا تحت بیهوشی کامل * بیماری‌های لثه کودکان * درمان‌های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com



به بیان دیگر، غم نان و مسکن و پوشاک فرصت پرداختن به تفریح و امور فرهنگی و ارتباطات را از آنها گرفته است.

نقش تولید ناخالص داخلی

با توجه به همه این داده‌ها، به همراه مشاهدات عینی که بازتاب آن در رسانه‌های تهران فراوان دیده می‌شود، با اطمینان می‌توان گفت که سفره ایرانیان واقعا کوچک‌تر شده است. با همان اطمینان می‌توان افزود که بخش اصلی فرایند کوچک شدن سفره ایرانیان، کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران و سپس منفی شدن این شاخص به ویژه زیر فشار تحریم اقتصادی بین‌المللی است.

تولید ناخالص داخلی، به زبان ساده، ارزش مجموعه کالاها و خدماتی است که طی مدت زمانی مشخص (معمولا یک سال) در یک کشور به وجود می‌آید. به تغییر این شاخص از سالی به سال دیگر، نرخ رشد اقتصادی گفته می‌شود.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی نرخ رشد اقتصادی ایران را در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب منهای ۶٫۸ درصد و منهای ۱۰٫۹ درصد اعلام کرده است. این سقوط بزرگ به گونه‌ای تکان‌دهنده‌تر در آمار سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی بازتاب یافته است. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

بودجه خانوارهای ایرانی است.

در واقع یکی از مهم‌ترین و ملموس‌ترین نتایج تحول اقتصادی و اجتماعی یک کشور، تغییری است که در سید مصرف خانوارهای آن دیده می‌شود. در یک جامعه فقیر، سهم اصلی در این سید متعلق به اقلام خوراکی است و سپس نوبت به دیگر اقلام ضروری به ویژه مسکن و پوشاک می‌رسد. هر چه جامعه‌ای ثروتمندتر می‌شود، سهم اقلام ضروری در سید مصرفی خانوارهای آن کاهش می‌یابد و اینان به هزینه‌های تازه از جمله فرهنگ، تفریح، تحصیل فرزندان و غیره رو می‌آورند. جامعه‌ای که فکر و ذکرش «سیر کردن شکم» باشد، طبعا هزینه تفریح و فرهنگ را «غیر ضروری» تشخیص می‌دهد.

همچنین خانواری که در آمدش کاهش می‌یابد، زودتر از همه هزینه‌های «غیر ضروری» را حذف می‌کند. با تکیه بر داده‌های منتشر شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، بررسی‌های «دنیای اقتصاد» درباره وضعیت خانوار نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، سهم اقلام «ضروری» در سید مصرفی خانوارهای ایرانی از ۶۱ درصد به ۷۱ درصد افزایش یافته و، در مقابل، سهم اقلام «غیر ضروری» آنها از ۳۹ درصد به ۲۹ درصد سقوط کرده است.

چگونه سفره ایرانی‌ها کوچک‌تر شد؟

فریدون خاوند (تحلیلگر اقتصادی)

جمله «سفره مردم کوچک‌تر شده است» این روزها به گونه‌های مختلف در رسانه‌های تهران تکرار می‌شود. در اینجا و آنجا می‌خوانیم که شمار حاشیه‌نشینان شهرها رو به افزایش می‌رود. کسری بودجه خانوارها بیشتر می‌شود و بخشی از طبقه متوسط ایران به جمع فقیران می‌پیوندند.

داده‌های مغشوش درباره فقر

در ایران بررسی‌های دقیق آماری درباره فقر انگشت‌شمارند. ماده ۹۵ قانون برنامه پنجساله چهارم، که سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ را زیر پوشش داشت، دولت را مکلف می‌کرد به منظور اجرای برنامه فقرزدایی، خط فقر را تعریف کند و حتی کلیه خانوارهای زیر خط فقر مطلق را حداکثر تا سال ۱۳۸۶ شناسایی کند و زیر پوشش قرار دهد. خط فقر تعریف نشد و خانواده‌های زیر خط فقر مطلق نیز به ناچار شناسایی نشدند.

در تعریف پدیده فقر، هم مفهوم مطلق آنرا در نظر می‌گیرند و هم مفهوم نسبی آن. «فقر مطلق» با توجه به ملموس‌ترین و بدیهی‌ترین سطح نیاز مادی انسان‌ها تعریف می‌شود که مهم‌ترین آن دست‌یابی به دست‌کم ۲۲۰۰ کالری غذای روزانه است. بر پایه ارزیابی سازمان ملل متحد، «فقیر مطلق» کسی است که کمتر از یک دلار و بیست و پنج سنت در روز در آمد داشته باشد. طبعا این رقم بر اساس برابری قدرت خرید همه جا یک اندازه نیست و بنابراین بر حسب کشورها تعدیل می‌شود.

هر کشوری باید، با تکیه بر ملاک تعیین شده از سوی سازمان ملل متحد، ولی با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتصادی خود، خط فقر را در محدوده مرزهای ملی‌اش تعریف کند؛ و اما فقر نسبی، در رابطه با زمان و مکان، بر پایه شرایط حاکم بر یک جامعه معین در زمان معین، تعریف می‌شود. داده‌هایی هم که در این زمینه از سوی شماری از مسئولان ارشد جمهوری اسلامی می‌شود، فاقد تکیه‌گاه‌های قابل اعتماد آماری است. علی‌رغم وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی به تازگی گفت هفت میلیون ایرانی در «فقر شدید» به سر می‌برند و افزود که شمار اینان در آینده نزدیک به ده میلیون نفر خواهد رسید. با این همه او نگفت که «فقر شدید» در شرایط امروزی ایران چه مشخصاتی دارد. به‌رغم نبود آمار مشخص درباره فقر و دامنه آن در جامعه ایران، شماری از بررسی‌های تازه انجام گرفته از سوی نهادهای کارشناسی جمهوری اسلامی به روشنی نشان می‌دهند که طی چند سال گذشته سطح زندگی ایرانیان واقعا پایین آمده است. یکی از مهم‌ترین نشانه‌ها این کاهش، تغییر در



دکتر تینا نفاعی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.
We partner with our patient.*

معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی، دستگاه‌های ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafaei.com

اکثر بیمه‌های درمانی پذیرفته می‌شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923
1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538

FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه

از موقعیت استثنایی پائین
بودن نرخ بهره و وام‌های بدون
کارمزد استفاده نمائید



(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com ♦ DRE#01183647 ♦ NMLS#332989

4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130



ابراز نگرانی بریتانیا درباره صدور حکم یک سال زندان برای غنچه قوامی

به گزارش خبرگزاری فرانسه، وزارت امور خارجه بریتانیا در بیانیه ای اعلام کرده است: «ما نگران گزارش ها در خصوص صدور حکم ۱۲ ماه زندان برای غنچه قوامی به اتهام تبلیغ علیه نظام هستیم.»

بود، به دلیل اعتراض به راه ندادن زنان به ورزشگاه از سوی نیروهای امنیتی



دستگیر و ساعاتی بعد آزاد شد. او چند روز بعد برای پس گرفتن لوازم شخصی خود اقدام کرد که دوباره بازداشت شد.

انتقاد عفو بین الملل

عفو بین الملل نیز از صدور حکم زندان برای غنچه قوامی انتقاد کرده و خواهان آزادی فوری وی شده است. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

راديو فردا: وزارت امور خارجه بریتانیا در ادامه همچنین نسبت به نحوه پیگرد، رعایت دادرسی عادلانه و چگونگی درمان و رفتار با غنچه قوامی در زندان ابراز نگرانی کرده است.

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل غنچه قوامی، شهروند ۲۵ ساله ایرانی- بریتانیایی زندانی در اوین گفته بود: رئیس دادگاه حکم صادر شده را به بنده نشان داد که طبق آن موکلم به یک سال حبس محکوم شده بود. اما این حکم هنوز به ما ابلاغ نشده است.

محاکمه غنچه قوامی به اتهام تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران روز ۲۲ مهر به صورت غیر علنی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب برگزار شد.

غنچه قوامی که سی ام خرداد امسال برای تماشای مسابقات والیبال به ورزشگاه دوازده هزار نفری آزادی تهران رفته

حاشیه های انتخاب نخستین سفیر ایرانی-آمریکایی ایالات متحده

«آزیتا راجی»، سفیر باراک اوباما در سوئد، از سوی روزنامه «تایمز» چاپ هندوستان به عنوان فردی «هندی-آمریکایی» مورد تقدیر قرار گرفت.

در حالیکه معرفی راجی در وبسایت کاخ سفید اشاره ای به هندوستان نمی کند، روزنامه تایمز هندوستان و نیز روزنامه های پاکستانی از او به عنوان یک هندی-آمریکایی نام برده اند. در همین حال، گروه ها و سازمان های ایرانی در آمریکا نیز وارد جنجال رسانه ای شده اند تا از خاستگاه او به عنوان «ایرانی» دفاع کنند.

اگرچه شاید این انتخاب با حواشی چالش مرزی ایران و پاکستان در هم آمیخته باشد، اما هیچ یک از این منابع خبرگزاری به سوابق وی اشاره ای نکرده اند و تنها به سخن گفتن درباره ملیت او پرداخته اند. در حالیکه آزیتا راجی پیش از این معاون رئیس کمیته مالی ملی کنگره آمریکا، و یکی از اصلی ترین مهره های جذب کمک های مالی برای کمیته انتخاباتی اوباما در سال ۲۰۱۲ بوده است.

در همین حال، دبیر شورای ملی ایرانی آمریکایی ها در حساب توئیتر خود انتصاب نخستین «ایرانی-آمریکایی» به عنوان سفیر آمریکا را تبریک گفت.



این در حالی است که در وبسایت «کاخ سفید»، آزیتا راجی متولد تهران معرفی شده است که تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایران و سپس لوزان سوئیس گذرانده است و در آمریکا تحصیلات دانشگاهی خود را ادامه داده است. او با زبان های متعددی آشنایی دارد.

Ali Driving & Traffic School

کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor
Residential, Commercial,
Property Management



Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478

- ♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343 Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020 Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

برای آنها که فکر می کنند حتما باید مادر باشی تا بفهمی!

شادی بیضایی

قبول دارم که مادر یا پدر شدن اتفاق خیلی بزرگ و تجربه ای منحصر به فرد در زندگی هر آدمی است. قبول دارم که یک جور دوباره متولد شدن است و تپیدن قلب در بدنی دیگر و از این حرف ها. من دانم خیلی خوب است و شیرین. اما این حرف که خیلی هم این طرف و آن طرف، به خصوص برای خلع سلاح کردن طرف موقع آوردن استدلال های معمولاً مسخره می شنوم، حرصم را در می آورد که «باید مادر باشی تا بفهمی!»

دروغ چرند، یک بزرگ نمایی جعلی و یک تقدس ساختگی است.

آدم لازم نیست زاییده باشد تا بفهمد که بچه را نباید زد و خواباند و با گرفتن بینی اش، غذا را فرو کرد توی حلقش. لازم نیست کسی زاییده باشد تا بفهمد که نباید بچه را با کتک از خانه بیرون کرد و به پارک فرستاد تا بشود محیط مناسبی برای مواد کشیدن فراهم کرد. برای این که بفهمیم کشته شدن بچه ها در جنگ دردناک است، لازم نیست کسی را زاییده باشیم. بچه دار شدن اگر آدم را «مادر» می کرد، اخبار پر نبود از ماجراهای کودک آزاری خانگی. آدم های زیادی را هم می شناسم که بچه نزیاده اند اما مادر هستند چون حتماً نباید کسی مادر باشد تا روابط عاطفی و عشق بین انسان ها را درک کند. حتماً نباید کسی مادر باشد تا صلاحیت داشته باشد درباره تربیت و بزرگ کردن بچه ها نظر بدهد.

در بحث ها، زیر لینک ها، پشت تلفن و پشت سر آدم ها از این حرف بی ارزش برای اثبات خودمان استفاده نکنیم. بچه دار شدن اتفاق بزرگ و درخشانی است در زندگی اما نه لزوماً می تواند ما را پدر و مادر یا آدم بهتر و فهمیده تری کند و نه اگر اتفاق نیفتد، باعث می شود نتوانیم احساس مادر و پدر بودن را بفهمیم یا درک کنیم. هرکدام از ما اگر به دور و برمان نگاه کنیم، مثال های زیادی برای پذیرفتن این واقعیت پیدا می کنیم. برای من، «آباجی» ستاره روشنی که هزاران کیلومتر دورتر، هنوز زیر خروارها خاک با خاطره هایش می درخشند، یکی از آنها است.

آباجی، زن دایی بابام بود. مثل پیش تر خانواده پدری، خیلی سال پیش از «آران» که آن وقت ها دهی بود دور و بر «کاشان»، مهاجرت کرده بود به تهران و با مادر و برادرش در خانه کوچک و قدیمی در خیابان آذربایجان زندگی می کرد. شوهرش سال های سال قبل مرده بود؛ وقتی خیلی جوان بود. سرطان گرفته بود.

آباجی و شوهرش که دایی بابای من بود، هیچ وقت بچه دار نشدند. آباجی خوشگل

چرا آدم باید مادر باشد تا چیزی را درباره بچه ها بفهمد؟ به نظرم حامله شدن، فرورفتن «بیبی چک» در ادرار و پیدا شدن دو خط آبی روی نوار سفید، جنبیدن ماهی کوچک توی شکم موقع خواب، عَق زدن، درد زایمان و پاره و دوخته شدن هیچ کدام



معجزه ای در قلب آدم به وجود نمی آورد. دست کم، در من که به وجود نیامرد. حتی یادم هست که اولین روزهای زندگی پسر، بالای سرش که بوی شیر و شامپو بچه می داد، می نشستم و با احساس گناه، توی دلم فکر می کردم: «یعنی می شه من این بچه را مادرانه دوست داشته باشم؟»

هنوز حس خودم را نمی فهمیدم؛ دست پاچه بودم و نمی توانستم به عشق مادری فکر کنم. دلم درد می کرد، بیوست و خونریزی داشتم و شب ها بد می خوابیدم و روزها درمانده بودم. عکس های مادر و کودک را گوگل می کردم و فکر می کردم چه طوری زنی که این طوری پاره پوره شده، می تواند عاشق شود؟ کم کم که از دستپاچگی در آمد، فهمیدم که حس مادری خیلی چیز عجیب و غریبی نیست و اشتباه می کردم که منتظر معجزه بودم. تازه فهمیدم که برای خیلی ها بدون این که بدانم، مادر بوده ام و یا دست کم حس مادری داشته ام. به نظرم این که می گویند باید مادر باشی تا بفهمی، یک

یادم نمانده. خوش بختانه از رفتارش چیز خاصی نمی شد فهمید. فقط می شد فهمید که هرچه هست، خوب و درستش است. لباس های تیره می پوشید و خیلی تمیز بود. دست هایش استخوانی و پر از رگ بود؛ سفید و تمیز. ما خیلی آن جا می رفتیم؛ وقت و بی وقت؛ با خبر و بی خبر. اما آباجی همیشه همان شکلی مرتب بود؛ مثل مادر بزرگ ها. انگار همیشه منتظر ما باشد. انگار هیچ وقت نامرتب نباشد. من روزهای نامرتبی خیلی دارم. ربطی به کارمند و مادر بودنم ندارد، همیشه این طوری بوده ام. روزهایی که حمام نمی روم، شانه نمی زنم، ریملم می ریزد پایین و زیر چشم هایم سیاه است. روی لباسم لکه غذا است و به همه می پریم. آباجی از این روزها نداشت گویا. همیشه یک شکل بود؛ مرتب، خندان، تمیز و آماده پذیرایی از ما بچه ها. آباجی بچه دار نشده بود. اما بابا تعریف می کند که تمام سال های بچگی او، در خانه بزرگ و پر اثاث قدیمی «آران» که تمام خانواده را در خودش جا داده بود، وقتی مادرها قالی می بافتند و تمام روز مشغول کار بودند، آباجی وسط کار قالی بافی بلند می شده و بچه ها را تر و خشک می کرده و به آن ها می رسیده؛ با میل خودش، با خوش رویی؛ با عشق. دنباله مطلب در صفحه ۴۲

بود. از خیلی ها شنیدم جوان تر که بوده، خیلی خیلی هم خوشگل تر بوده. آدم فکر می کرد با این پوست خوب و کشیده، میز توالتی دارد پر از کرم های روز و شب و دور چشم و ضد آفتاب. ولی در واقع، آباجی اصلاً میز توالتی نداشت. یک آینه ساده معمولی بود روی یک میز چوبی. صورتش همیشه برق می زد؛ یک جوری که انگار الان کرم مرطوب کننده «دور» را با دقت و با نوک انگشت اشاره، نقطه نقطه زده باشد به همه جای صورتش و با حوصله آن را پخش کرده باشد همه جا تا پایین گردن. انگار پای چشمش را با محلول «لانکوم» پاک کرده باشد که این طور تمیز بود و مرطوب.

من البته هیچ وقت همه موهایش را جز در یک عکس مات قدیمی ندیدم. آباجی روسری سر می کرد و تنها چیزی که از موهایش می دانم این است که همیشه برق می زد، مرتب بود و فرکش باز شده از وسط. برق تازه و خوبی که از شامپوی سه دلاری «هداندشولدز» تا ۲۸ دلاری «ردکن» هیچ کدام نتوانستند به موهای من ببخشند. نمی دانم مثل برادرش بهایی بود یا مثل مادرش، مسلمان. هیچ وقت درباره اش از کسی نپرسیدم و کسی هم برایم توضیحی نداد. اگر هم توضیح داده اند،

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرنگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916) 483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

ملا و شراب فروش



سرمایه داری در نزدیکی مسجد قلعه فتح الله کابل رستورانی ساخت که در آن موسیقی و رقص بود و برای مشتریان مشروب هم سرو می شد. ملای مسجد هر روز در پایان موعظه دعا می کرد تا

خدا صاحب رستوران را به قهر و غضب خود گرفتار کند و بلای آسمانی بر این رستوران نازل! یک ماه از فعالیت رستوران نگذشته بود که رعد و برق و توفان شدید شد و رستوران به خاکستر تبدیل گردید. ملا روز بعد با غرور و افتخار نخست حمد خدا را بجا آورد و بعد خراب شدن آن خانه فساد را به مردم تبریک گفت و اضافه کرد: اگر مومن از ته دل از خداوند چیزی بخواهد، از درگاه خدا ناامید نمی شود. اما خوشحالی مومنان و ملای مسجد دیری نپایید. صاحب رستوران به محکمه شکایت برد و از ملای مسجد خسارت خواست! ملا و مومنان چنین ادعایی را نپذیرفتند! قاضی دو طرف را به محکمه خواست و بعد از این که سخنان دو جانب دعوا را شنید، گلوبی صاف کرد و گفت: نمی دانم چه بگویم؟! سخن هر دو را شنیدم: یک سو ملا و مومنانی هستند که به تاثیر دعا و ثنا ایمان ندارند! و سوی دیگر مرد شراب فروشی که به تاثیر دعا ایمان دارد!...

پیرزن افتاد و خون درجا به خنجر گفت و رفت
روی منبر قاتلی عمامه بر سر، خون به لب
شرحی از سفاکی شمر ستمگر گفت و رفت
راه و رسم قتل کافر را و کافر بچه را
حجت الاسلام از قول پیمبر گفت و رفت
شعر تلخت هادیا آئینه‌ی ایام شد
طنز شیرینت خداحافظ به شکر گفت و رفت



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

رقص پر در باد

رقص پر در باد از قتل کبوتر گفت و رفت
قصه‌ی تلخ کبوتر بچه را بر گفت و رفت
«قامت آزاده و سرسبزی ما جرم ماست»
این سخن را سرو در گوش صنوبر گفت و رفت
پر تو شمعی به رخسار پسر افتاده بود
بر لب بام آمد و الله اکبر گفت و رفت
دست بیجان و جوانی با کبودی‌های خویش
داستان‌ها از نبردی نابرابر گفت و رفت
«شام دارم میکشم» مادر به دختر گفت و ماند
دختر یک «زود می‌آیم» به مادر گفت و رفت
«من تجاوز را حریفم تا فراسوهای مرگ»
خواهر این دلخوشکنک را با برادر گفت و رفت
«بیشمارانیم در این باغ ای دست خزان»
در گلستان غنچه‌ای نشکفته پرپر گفت و رفت
«قدرت ما وامدار عشق پوتین و علی‌ست!»
در خیابان ظفر، باتوم با سر گفت و رفت
«باش برآن تا به زودی غرق زنگارت کنیم»

حمید رئیس‌یه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reisi
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه‌ای

Cell: (408)234-5793
Office: (408)298-2591



DRE#01326116+NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreisi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

♦ درمان بیماری‌های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت‌های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
♦ درمان بیماری‌های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
♦ Foot related diseases ♦ Bunion, Callus, Corn ♦ Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦ Sports Medicine & Injuries ♦ Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦ Ankle Arthroscopy ♦ Pediatric Foot Conditions ♦ Flat Feet & Orthotics ♦ Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه‌ها پذیرفته می‌شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

بانوی اول افغانستان: با منع نقاب در فرانسه موافقم

رولا غنی، بانوی اول افغانستان در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرانسه گفته است که با سیاست دولت فرانسه مبنی بر ممنوع کردن استفاده از برقع و نقاب برای زنان، "کاملاً موافق" است.

خانم غنی، لبنانی الاصل است و حدود یک ماه پیش و پس از اینکه همسرش، محمد اشرف غنی، پیروز انتخابات ریاست جمهوری افغانستان اعلام شد، عنوان بانوی



رولا غنی، بانوی اول افغانستان

اولی این کشور را به دست آورد. او برخلاف زینت کزری، بانوی اول پیشین افغانستان که در سیزده سال حکومت همسرش، کمتر در انتظار عمومی ظاهر شد، رابطه خوبی با رسانه‌ها دارد و در چند مراسم رسمی شرکت کرده است. او گفته است که می‌خواهد به زنان افغان کمک کند تا به جایگاه واقعی خود در جامعه افغانستان دست پیدا کنند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

بی بی سی: دولت فرانسه در سال ۲۰۱۱، پوشیدن روبنده کامل را برای زنان در اماکن عمومی ممنوع اعلام کرد که این تصمیم بحث‌های زیادی را در ارتباط با آزادی‌های مذهبی و انطباق یا مغایرت آن با همبستگی اجتماعی به راه انداخت. خانم غنی به خبرگزاری فرانسه گفته که این نقاب‌ها مانند پرده‌ای است که قدرت دید زنان را محدود می‌کند.

خبرگزاری فرانس پرس به نقل از بانوی اول افغانستان نوشته است: "این روبنده‌ها یا نقاب‌ها و برقع‌ها مانند پرده هستند و جلوی دید زنان را می‌گیرند و رفت و آمدشان را با مشکل مواجه می‌سازند." استفاده از پوشش برقع در افغانستان نیز معمول است و بسیاری از زنان افغان، حتی در شهرهای بزرگی چون کابل از آن استفاده می‌کنند. خانم غنی در مصاحبه خود اشاره‌ای به این موضوع نکرده است.

سوئد، فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخت

شناسایی فلسطین به عنوان یک دولت مستقل از نخستین وعده‌های دولت جدید سوئد بود. اکنون دولت چپ میانه سوئد به رهبری استفان لوفون، به‌طور رسمی اعلام کرد که فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت می‌شناسد. با این تصمیم، دولت سوئد نخستین کشور غربی و عضو اتحادیه اروپاست که فلسطین را به رسمیت می‌شناسد.

یکی از روزنامه‌های سوئد نوشت: «سوئد امروز تصمیم گرفت که دولت فلسطین را به رسمیت بشناسد.»

با این تصمیم، دولت سوئد نخستین کشور غربی و عضو اتحادیه اروپاست که فلسطین را به رسمیت می‌شناسد. دولت جدید سوئد از ائتلاف سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها تشکیل شده و فعالیت خود را از ۳۳ اکتبر ۲۰۱۴ آغاز کرده است. استفان لوفون، رئیس دولت جدید سوئد در تبلیغات انتخاباتی خود وعده شناسایی فلسطین را داده بود. او گفته بود، شناسایی متقابل و علاقه به هم‌زیستی از سوی دو طرف اسرائیلی و فلسطینی، پیش‌شرط "راه‌حل دو دولت" برای مناقشه خاور نزدیک است. استفان لوفون همچنین خواستار تحقیق درباره "جنایات جنگی اسرائیل" و "برچیدن محاصره غزه" شده بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

دوچپه وله: شناسایی فلسطین به عنوان یک دولت مستقل از نخستین وعده‌های دولت جدید سوئد بود. اکنون دولت



چپ میانه سوئد به رهبری استفان لوفون، به‌طور رسمی اعلام کرد که فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت می‌شناسد. دولت جدید سوئد به وعده خود در تبلیغات انتخاباتی و نیز در نخستین روزهای آغاز کار خود عمل کرد و فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخت. "مارگوت وال‌استروم" وزیر امور خارجه سوئد در یادداشتی در



هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس‌های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com



خودمان را دوست
داشتم. سالها بعد
فهمیدم که پدر
بزرگم از اینکه ما
در خانه ی اجاره
ای زندگی می
کردیم ناراحت بود

و قابل لمس است. دستم را بگرمی فشرد و گفت: برای یک لحظه دوباره به آن اطاق بازگشتم و خود را در آنجا دیدم. گفتم: نکته ای را که از حرف های شما متوجه شدم اینست که تصمیم و اراده ی پدرتان برای استقلال مالی به شکل مخالفت و یا لجبازی با پدرش نبود، بلکه واقعا می خواست با سعی و کوشش خودش خانه ای بخرد و آنهمه احساس هیجان شادی و غرور که شما توصیف کردید تنها از این راه امکان پذیر بود.

گفت: جالب است من هرگز به این شکل به این موضوع نگاه نکرده بودم، ولی چقدر درست می گوئید. شاید پدر بزرگم کمی به غرورش بر خورده بود که سپرش کمک او را قبول نکرد، ولی پدرم واقعا می خواست بخودش، مادرم و بچه هایش و شاید هم پدرش ثابت کند که آدم قابلی است. پدرم با این کارش بزرگترین درس زندگی را به ما داد.

و بارها از پدرم خواسته بود برایمان خانه ای بخرد ولی پدرم قبول نکرده و گفته بود خودش باید بتواند خانه بخرد. بخاطر دارم سال آخر دبستان بودم که در خانه مان هیجان زیادی بوجود آمده بود. همه ما خوشحال بودیم چون پدرم بالاخره توانسته بود یک خانه کوچک خریداری کند. وقتی ما به این خانه رقتیم بهترین روز زندگی من بود. پدر و مادرم با چنان هیجان و افتخاری اسباب ها را در خانه می چیدند که بنظر من مثل این بود که به یک قصر آمده ایم. من و خواهرم یک اطاق برای خودمان داشتیم. یادم است اولین شبی که در این اطاق خوابیدم از شدت هیجان شاید تا نزدیکی های صبح خوابم نبرد و همینطور به سقف و در و دیوار نگاه می کردم.

کمی سکوت کرد. چشمانش را برای چند لحظه بست و نفس عمیقی کشید. گفتم: بنظر می رسد هنوز خاطره آن شب برایتان زنده

رمز موفقیت

شهلا مصمصامی

چندی پیش در جمعی بودم و صحبت از اوضاع بد اقتصادی بود. هر کس به نحوی از کم شدن درآمد، از دست رفتن کار و یا ترس از آینده شکایت داشت. خانم خوش رو و خوش لباسی پس از گوش کردن به سخنان دیگران گفت: می دانم که همه ی این مشکلاتی که شماها مطرح می کنید واقعیت دارد، ولی من شکایت زیادی ندارم و وضع بیزنس من خوشبختانه خوب است. یک لحظه سکوت برقرار شد و یکی از کسانی که شکایت زیادی کرده بود موضوع صحبت را عوض کرد. من کمی کنجکاو شدم و در موقعیت مناسبی با این خانم به گفتگو پرداختم.

کار آزاد داشت. صاحب بیزنس کوچکی بود. باوجودی که پدر بزرگم خیلی ثروتمند بود، ولی پدرم مصمم بود که خودش به تنهایی زندگیش را اداره کند و صاحب ثروت شود. از کودکی بخاطر دارم پدرم می گفت با اراده و تصمیم هر مشکلی قابل حل است. هیچگاه از پدر و یا مادرم نشنیدم که از «نداشتن» و یا «سختی» شکایت کنند. در ابتدا ما در یک خانه ی کوچک اجاره ای زندگی می کردیم. ولی محیط خانه پر از محبت و آرامش بود. پدر بزرگ و مادر بزرگم خانه ی نسبتا مجللی داشتند. از رفتن به آنجا و به ویژه بازی کردن در حیاط بزرگ خانه شان لذت می بردم، ولی هرگز یادم نمی آید که بخوادم در آنجا زندگی کنم، چون خانه کوچک

به او گفتم: برای من جالب بود که همه از بدی وضع اقتصادی و اوضاع مالی خودشان شکایت داشتند و شما گفتید حتی در این شرایط موفق هستید. خیلی علاقمند بودم که بدانم رمز موفقیت شما چیست؟ گفت: از توجه شما متشکرم. راستش تعجب کردم که با همه شکایت ها کسی علاقمند نبود بداند چرا من در کارم موفق هستم. وبعد با لبخند گفت: می دانم که شما می نویسید. شاید این گفتگو بتواند موضوع مقاله ای بشود. گفتم: با کمال میل اینکار را خواهم کرد. گفت پس بگذارید کمی به گذشته برگردم، و بعد چنین ادامه داد:

(اراده و تصمیم)

من در خانواده ای بزرگ شدم که فکر می کنم درس های مهمی از پدر و مادر و نحوه ی زندگی آنها گرفتم. پدرم به اصطلاح



بابک رحیم زاده

Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



**Personal & Business
Federal & State Tax Return Filing**

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

1900 Camden Ave, Suite 204
San Jose, CA 95124

www.BandRaccounting.com

(408)247-5626

(408)899-8727

است ولی چون شاه بر او خشم گرفته بگذارد که او را دست بسته نزد شاه برود و پس از آن شاه را راضی کند که خشم از او فرو شوید و گناهی بر او ننویسد. رستم در حالیکه از دیدن شاهزاده ایرانی خشنود است و خرم با شنیدن پیام اسفندیار به اندیشه می رود و گرچه می پذیرد که همراه با اسفندیار به نزد شاه گشتاسب رود ولیکن خدماتی را که بر شاهان ایران انجام داده است بر می شمارد و می گوید هرآنچه که بخواهی انجام می دهم ولی:

ندیدست کس بند بر پای من

نه بگرفت پیل زبان جای من

به مردی ز دل دور کن خشم و کین

جهان را به چشم جوانی مبین

رستم به دیدن اسفندیار می رود، او را در آغوش می کشد و مجلس بزم برایش می آراید باهم می می خورند و به شادمانی می پردازند. رستم شاهزاده جوان را ارج می نهد و محترم می دارد، او پهلوان حامی و پشتیبان شاهان ایران است، او قادر نیست که با شاهزاده بجنگد و آسیبی به او رساند. به هزار زبان از او می خواهد که از این دشمنی روی بپوشد و آن را نیاغزد از خدمات خویش به شاهان ایران سخن می گوید و از دور نگهداشتن شاهان از آسیب زمان، می گوید: دنباله مطلب در صفحه ۵۶

اسفندیار که پذیرای سخنان مادر است و همه را موافق است می گوید:

همانست رستم که دانی همی

هنرهاش چون زند خوانی همی

نکوکارتر زو به ایران کسی

نیایی و گر چند پویی بسی

چو او را به بستن نباشد روا

چنین بدنه خوب آید از پادشا

ضمناً مادر را می گوید که:

چگونه کشم سر ز فرمان شاه

چگونه گذارم چنین دستگاه

و بعد از آن نگران و پراندوه از مادر جدا می شود و راه سیستان در پیش می گیرد و چون به آنجا می رسد پسرش بهمن را به نزد رستم می فرستد. رستم با دیدن او، وی را در بر می گیرد و از دیر آمدن خویش پوزش می طلبد. آنگاه بهمن پیام شاه گشتاسب و اسفندیار را به او می رساند و از خشم شاه او را آگاه می کند و به او می گوید که:

دریغ است ایران که ویران شود

کُنام پلنگان و شیران شود

چو بسته ترا نزد شاه آورم

بدو بر فراوان گناه آورم

نمانم که بادی به تو بر وزد

بران سان که از گوهر من سزد

و از او می خواهد که هرچند که بی گناه



فردوسی خالق بزرگ تراژدی

هگل فیلسوف آلمانی معتقد است که تراژدی عبارتست از منازعه ای که هر دو طرف نزاع در آن صاحب حق هستند. تماشاگر صحنه حق را به جانب هر دو طرف می بیند و نمی تواند یکی را فدای دیگری کند. در شاهنامه فردوسی گاهی در برخورد قهرمانان با یکدیگر به آنچه آن ها تراژدی بر خورد می کنیم که خواننده سردر گم می ماند که کدام قهرمان را برگزیند. رستم و اسفندیار. فرود پسر سیاوش و برادر کیخسرو پادشاه ایران در برابر لشکریان توس سپهسالار ایران. داستان خشم کسری انوشیروان بر وزیر خردمندش بوذرجمهر و زندانی کردن او و بسا داستان های دیگر از این قبیل. در داستان رستم و اسفندیار خواننده شاهد جنگ و ستیز دوتن از بزرگترین قهرمانان شاهنامه است «نلدو که» دانشمند آلمانی در کتاب معروف حماسه ملی ایران جنگ این دو پهلوان را یکی از بزرگترین حماسه های دنیا می داند که در ادبیات جهان بی نظیر است در اینجا گشتاسب پدر اسفندیار به او می گوید که رستم مدت هاست که به دیدار وی به درگاه نیامده است و این نشان نافرمانی اوست. اسفندیار باید به سیستان برود و او را بند بر پای نهد و دست بسته به درگاه آورد، اسفندیار به پدر پاسخ می دهد که این راه درست نیست. رستم پهلوانی است که همیشه نگهبان تاج و تخت ایران بوده است یلی است پاک سیرت و وفادار به پادشاهان ایران و اهانت و تندی به این چنین بزرگمردی سزاوار و روا نیست:

چه جویی نبرد یکی مرد بیر

که کاووس خواندی ورا شیرگیر

ز گاه منوچهر تا کیقباد

همه شهریاران بدو بود شاد

نه اندر جهان نامداری نوست

بزرگست و با عهد کیخسروست

گشتاسب که دیده خرد را فرو بسته بر گفته خود پای می افشارد و می گوید:

چو آن جارسی دست رستم ببند

بیارش به بازو فکنده کمند

به دادار گیتی که او داد زور

فروزنده اختر و ماه و هور

سپارم تو را گنج و تخت و سپاه
نشانت با تاج، در پیشگاه

اسفندیار به نزد مادرش کتابی می رود و در این تنگنا از او راه چاره می جوید مادر که رستم رابلی برومند و نگهبان خاندان شاهان می بیند پسر را اندرز می دهد که از این ستیزه روی گرداند و می گوید:

ز گیتی همی پند مادر نبوش

به بد تیز مشتاب و بر بد مکوش

مده از پی تاج سر را به باد

که با تاج شاهی ز مادر نژاد

سپه یکسره بر تو دارند چشم

میفکن تن اندر بلاها به خشم

مرا خاکسار دو گیتی مکن

از این مهربان مام بشنو سخن

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

منطقه
منطقه
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!

Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070

دفتر خدمات حقوقی ایران وکیل

با مدیریت رامین کرم ویسی

وکیل پایه یک دادگستری ایران

♦ انجام کلیه خدمات کنسولی و امور حقوقی در
دادگاههای ایران ♦ اخذ شناسنامه، کارت ملی، گذرنامه
و ویزای آمریکا ♦ تنظیم انواع قرارداد و وکالتنامه

♦ حقوق بازنشستگی، امور خانوادگی، طلاق، مهریه ♦ انحصار وراثت
و مطالبه سهم الارث ♦ رفع تصرف و تخلیه املاک و فروش ملک در ایران
www.govakil.com + Raminkaramveysi@yahoo.com

دفتر تهران: ۰۲۱-۶۶۹۰-۷۰۷۸

Office: (408)664-8375 + Cell: (408)831-8057

1604 Blossom Hill Rd., Suite D, San Jose CA 95124

Marsden مقدار دارایی مشترک خانه محاسبه می شود و میان دو زوج تقسیم می گردد. هدف از توضیح موارد فوق این بود که نشان داده شود که برخلاف باور غلط برخی از افراد، پس از ازدواج تمامی دارایی های زوجین مشترک نمی باشد. بسیاری از افراد، براساس این باور اشتباه که همسر آینده آنها بر دارایی های که از قبل داشته اند حق پیدا می کند و می تواند در صورت جدایی یا طلاق پس از مدت کوتاهی از ازدواج نیمی از دارایی های آنها را از آنها بگیرد، تصمیم به نوشتن قرارداد پیش از ازدواج می گیرند.

البته، هستند افرادی که از قوانین مربوط به تقسیم دارایی ها پس از پایان ازدواج اطلاعات کلی دارند اما می خواهند که با داشتن یک قرارداد پیش از ازدواج مسائل مالی فردی خود را از همدیگر تفکیک کنند. به باور اینجانب، در چنین مواردی، تاجائیکه یکی از زوجین که از شرایط مالی بسیار بهتری از دیگری برخوردار است با نوشتن قرارداد پیش از ازدواج به صورت ناعادلانه دیگری را از حقوق خود محروم نکند، نوشتن قرارداد پیش از ازدواج می تواند توجیح منطقی و اخلاقی داشته باشد.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

پرداخت نمی شود، می باشد. از طرف دیگر، دارایی هایی که هریک از زوجین پیش از ازدواج کسب کرده اند یا اینکه پس از ازدواج به عنوان هدیه یا ارث به آنها داده شده است، دارایی های مجزا (Separate Property) می باشند که زوج دیگر از لحاظ قانونی حق مالکیت بر آنها را ندارد. البته به این دلیل که برخی از دارایی ها نه در یک لحظه مشخص بلکه در طول زمان به دست می آیند، بخشی از دارایی های زوجین مخلوطی از مشترک و مجزا می باشند. مثلاً فرض کنید که یکی از زوجین پیش از ازدواج با سپرده های خود هزینه پیش پرداخت (Down Payment) یک خانه را می دهد و برای پرداخت هزینه مابقی خرید خانه وام می گیرد. طبق آنچه که توضیح داده شد، این خانه دارایی مجزای این زوج می باشد. البته، اگر این زوج پس از ازدواج حتی از درآمد شخصی خود، اقساط ماهانه وام خانه را بپردازد، بخشی از خانه دارایی مشترک می شود. این به این دلیلی است که درآمد حاصل از اشتغال یا کسب و کار هریک از زوجین دارایی مشترک می باشد.

به این ترتیب، پس از پایان ازدواج با استفاده از فرمولی به نام Moore



کاوه میر شفیعی
وکیل رسمی
دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
KM@headwaylegal.com

مروری بر قراردادهای پیش از ازدواج در کالیفرنیا

قرارداد پیش از ازدواج (Premarital Agreement) یک قرارداد کتبی میان دونفر که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند می باشد که موارد و شرایط مالکیت بر دارایی ها و بدهی ها، حق زوجین بر درآمدهای یکدیگر، چگونگی کنترل بر دارایی های یکدیگر، و برخی دیگر از موارد را معین می کند. به طور کلی، موضوع اصلی قراردادهای پیش از ازدواج مسائل مالی میان زوجین می باشد. به این ترتیب، یک قرارداد پیش از ازدواج از لحاظ قانونی نمی تواند در مورد مسائل مربوط به فرزندان از جمله وظیفه پرداخت کمک هزینه مالی فرزندان (Child Support) یا مسائل مربوط به وظایف و امور روزانه زوجین تعیین تکلیف کند. قراردادهای پیش از ازدواج از این جهت

دارای اهمیت بسیار بالا می باشند که در صورت نبود آنها، مسائل مالی زوجین هنگام جدایی براساس قوانین ایالت کالیفرنیا تعیین می شود. همانطور که در یکی از مقالات پیشین توضیح داده ام، در ایالت کالیفرنیا پس از ازدواج درآمد و دارایی های زوجین از لحاظ قانونی دارایی مشترک (Community Property) محسوب می شود. به این ترتیب در هنگام طلاق یا جدایی قانونی هرآنچه که زوجین در طول ازدواج کسب کرده اند، به طور مشترک میان آنها تقسیم می شود. چنین دارایی هایی نه تنها شامل مواردی چون ملک، حسابهای بانکی، و مسائل زندگی بلکه موارد دیگری چون حقوق بازنشستگی هریک از زوجین که هنوز به آنها تا زمانی که بازنشسته نشده اند



نسرین حسینی

طراح و مشاور دکوراسیون داخلی

عضو انجمن طراحان داخلی آمریکا

Interior Designer-ASID Member
Home, Staging, Remodeling, Interior Design



من با در اختیار داشتن کادری مجرب و متخصص و با استفاده از جدیدترین متدها و استانداردهای روز دنیا و با هدف ارائه خدمات حرفه ای در زمینه مشاوره، طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی، موفق شده گامی مؤثر در راستای صرفه جویی در هزینه و زمان برداشته تا آنچه را که در رویاهایتان بدنمایش هستید در کمترین زمان و مناسب ترین قیمت در محیط کار و منزل شما اجرا نمایم.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با من تماس حاصل فرمایید!

www.Luxorinterior.com Nasrininteriors@gmail.com

(408) 800-2151



دکتر فتانه هوشداران

کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

Fataneh Hooshdaran, D.C.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

سر درد + رماتیسم + دیسک + شانه و زانو درد + دردهای عصبی + دردهای گردن + دردهای کمر + دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و

ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود Serving: San Jose & Santa Clara

(408) 712-3788

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677

2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

گرفت. عکس این کودک در کتابی بنام «هرچیزی ممکن است» چاپ خواهد شد.



این کتاب مجموعه داستان هایی از کودکان مبتلا به سرطان و آرزوهای آنها است.



بعد از جام جهانی فوتبال در برزیل، هنوز خیلی ها برگزارکنندگان این جام را نمی بخشند. آیا آنها در مدت زمانی بسیار کوتاه و به شفافیت همه چیز را دریافتند؟! اکنون زمان حقیقت، عدالت و صراحت است و زمان واقع بین بودن و عمل کردن. خانم رئیس جمهور حتی ممکن است دوباره انتخاب نشود. او حالا واقعیت را می بیند و نه آنچه را که احتمالا دلش می خواهد بشنود. هنوز هم می توان این کاریکاتور را که در پشت دیوار یک مدرسه نقاشی شده است دید که تصویر یک بچه دبستانی را نشان می دهد که در پشت میز شکسته ای نشسته است. در روی میز رنگ و رو رفته در یک بشقاب برای صبحانه فقط یک توپ فوتبال را می بیند. آیا حالا همه از اینکه بازی ها را برگزار کرده اند پشیمانند؟! و آیا پایه های باور تماشاگران به خانم رئیس جمهور ترک بر میدارد.

هنوز هم مردم باخت تیم ملی شان را در برابر آلمان ها بیاد دارند وقتی که بازیکنانشان در انتهای بازی شرمناک و سرافکننده از زمین خارج شدند. آیا این پایان آرزوهای برزیلی ها بود، آیا همیشه باید چیزی را تشویق کرد که درست باشد یا باید به دنبال حقیقت دوید و با دروغ گوها جنگید؟! حتی اگر رئیس جمهور باشد. می گویند بهترین مذهب حقیقت است و حالا فقر، گرسنگی و نرفتن به مدرسه میلیون کودک فقیر حتی خانم رئیس جمهور شاید پشیمان باشد و بخاطر درس های گران بهائی که اشتباه برگزاری این بازی ها به او و دولتش آموخت باید مدال بزرگ دلخوری را به گردن او آویخت و شاید هم هیچ کس باندازه کسی که نخواهد ببیند نابینا نیست و توطئه برای بدنام کردن او و دولتش هنوز هم ادامه دارد. اگرچه شاید تلاش بی ثمری باشد و حتی می توان دریافت در پس دیوار نفوذ ناپذیر عقاید او واقعیت عمیق تری ممکن است در کار باشد. ظاهرا از سخنان خانم رئیس جمهور باید دریافت که مدال دلخوری باید گردن آویز او شود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۴

اشتباه بزرگ علی دائی کنار گذاشتن علی کریمی از پرسپولیس بود. دائی با هر تر و معیاری موفق ترین فوتبالیست تاریخ فوتبال ایران است. با ویتترینی از افتخارات و انبوهی از تجربه های بین المللی، اما دنیای مربیگری علی دائی در مقایسه با دنیای فوتبالش قابل قیاس نیست. اکنون کریمی، نکونام و مجیدی و حتی هاشمیان که بسیار از آنها جلوتر است و کلاس های مربی گری را در آلمان تجربه می کند، در راهی قدم گذاشته اند که نمونه آشکار آن سرنوشت علی دائی است. اگر ستاره های این چنینی نخواهند با خرج کردن اعتبارشان پای به میدان مربیگری بگذارند، آیا سرنوشتی بهتر از دائی بزرگ خواهند داشت؟

باید پذیرفت این ستاره ها با توجه به تجربه و کارآئی گذشته شان این پتانسیل را دارند که به چهره جدیدی در دنیای مربیگری ایران تبدیل شوند و دروازه های جدیدی را رو به فوتبال ما بکشانند، اما درگیر این بازی های امثال کی روش نگردند که عمر مربیگری آنها زیاد نخواهد بود. شاید بهترین آنها در این میان هاشمیان باشد بازیکن باشخصیتی که بدور از حاشیه ها و بازی های آقای کفاشیان و فدراسیون عزمش را جزم کرد تا در آلمان کلاس های مربیگری را بگذرانند. شاید آینده او روشن تر از دیگران باشد. او که در دوران بازیگریش نیز اسیر هیاهوهای سکوها نشد. حضور ستاره های جاودانی چون کریمی در قامت مربی گری البته رویداد خوشایندی است چرا که تماشاگر را مجذوب می کند و لذت به تماشا رفتن را بیشتر. اما فراموش نکنیم که هیچ چیزی بزرگ تر از خود فوتبال نیست.



باشگاه بسکتبال آمریکائی Utah Jazz که در لیگ حرفه ای آمریکا فعالیت می کند جهت برآورد آرزوهای یک پسر پنج ساله مبتلا به بیماری سرطان، در ضمن کمک به این پسر بچه، با او قراردادی برای بازیهای پیش فصل خود منعقد کرده است. این کودک که مبتلا به سرطان خون است با حضور در دفتر رئیس باشگاه ضمن قرار یک روزه خود پیراهن شماره یک باشگاه را تحویل گرفت تا در یک بازی پیش فصل برای دقایقی به رویای خود رسیده باشد. او در شروع یک بازی بازیکن حریف را دریبل کرد و سپس روی دست «رودی گوبرت» بازیکن یوتا قرار گرفت و او کودک را بلند کرد تا توپ را داخل سبد کند. این لحظه ای بود که ورزشگاه منفجر شد و همه به احترام او بپا خاستند. او سپس با بازیکنان یوتا عکس یادگاری

ورزش از نگاه من

دکتر احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



بود «جادو در دام پرتغالی مکار». منتقدین بر این باورند که کارلوس کی روش می خواهد با به کارگیری ستاره محبوبی چون علی کریمی بار مسئولیت شکست احتمالی در جام ملت ها را تماما به دوش نکشد، اما وقتی پای فرهاد مجیدی و جواد نکونام نیز به لیست مربیان جدید فوتبال ایران، آنها در رده ملی کشیده می شود، خیلی خبرها بهم می ریزد. آنها تا همین چندی پیش ستاره های لیگ برتر ایران بودند و اکنون دندان تیز کرده شان را برای مربیگری نشان می دهند. بی گمان آنچه آنها را خیلی زود به نیمکت های داغ مربیگری می رساند، شهرت و محبوبیت و اعتباری است که دارند، آنها از نوع مرغوبش در میان سرخ و آبی های تهرانی. بهرحال پائیز آمده است با هزاران رنگ و هزاران اندوه و شاید آنها هم در کنار جنازه تیم ملی اشک بریزند. باید از آنها پرسید آیا تنها شهرت و محبوبیت و ستاره بودن برای سرمربی گری بودن کافی است. شاید

در میان خبرهای ریز و درشت آمده بود که علی کریمی دستیار مربی ملی آقای کی روش شده است. علی کریمی آدمی است که هیچ ایرانی نمی تواند دوستش نداشته باشد، او در شمال، جنوب، شرق و غرب کشور محبوب همه است. او با پیراهن تراکتور پرسپولیس، و یا هر رنگ پیراهن دیگری ورزشگاه را تسخیر می کند و حالا آقای کی روش که نشان می دهد از همه ما باهوش تر است در کنار او وارد ورزشگاه می شود. به شدت مورد تشویق قرار می گیرد. زیرکی آقای کی روش را باید تحسین کرد. آقای کفاشیان حتی پا را فراتر از این می نهد و می گوید: جواد نکونام و مجیدی هم بزودی دستیار تیم ملی خواهند شد. نکونام آن را رد می کند و می گوید او برای دو سال دیگر با باشگاه اسپانیایی اوسامونا قرارداد دارد. آقای کی روش افزایش محبوبیت و گرفتن ضربه های احتمالی شکست در استرالیا را بررسی می کند یکی از روزنامه های تهران تیتیر زده



لیلی و شاهین
مشاوران املاک
DOMINE GROUP
Residential & Commercials



*We charge only 4.5%
total commission to sell your
house including complimentary
Staging & Videography*

دست خود را در دستان ما بگذارید و با اطمینان کامل قدم به عرصه خرید و فروش ملک بنمائید. ما معاملات «آس» مارکت را یافته و در اختیاران قرار می دهیم. ما شما را از آخرین وضعیت املاک در مارکت کنونی مطلع می نمائیم.

تنها با یک تماس تلفنی می توانید از آنها آگاه شوید!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665
BRE#01506610 BRE# 01952057
Email: lillyyazrealty@gmail.com
3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

واکنش علی دایی به شکایت وزیر ورزش

علی دایی در مورد شکایت وزیر ورزش از وی گفت: برای تمام صحبت‌هایم مدرک ارائه می‌کنم و شک نکنید که به ایشان ثابت می‌کنم که حق با من است.



به گزارش مشرق، علی دایی بعد از شکایت وزیر ورزش از وی به دادگاه، گفت: چند روز پیش به همراه علیرضا رحیمی در دادگاه حاضر شدیم و درباره اینکه اظهاراتی مبنی بر اینکه

جلسه بعد برای گفته‌هایم مدارک و دلایل قانونی ارائه کنم. ایشان مطمئن باشند که من یک کلام دروغ به زبان نیاوردم و زمان همه چیز را نشان خواهد داد. لازم به ذکر است، محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان از علی دایی و علیرضا رحیمی سرمربی و مدیرعامل سابق باشگاه پرسپولیس به دلیل نشر اکاذیب شکایت کرده است.

برای ورزش است. درخشان اگر فوتبال را می‌فهمید، پیکان و شاهین بوشهر را به فلاکت نمی‌کشاند.» دایی حاضر به ترک محل تمرین نشد و وعده داد که روزهای بعد هم به تمرینات می‌آید، مگر اینکه حکم برکناری‌اش را دریافت کند. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

جناب گودرزی موجبات برکناری من را از پیش طراحی کرده است توضیحاتی دادم. وی افزود: برای تمام صحبت‌هایم مدرک دارم. پای حرف‌هایم خواهم ماند. شک نکنید که با دلیل و مدرک ثابت می‌کنم که حق با من است.

سرمربی سابق پرسپولیس اظهار داشت: جلسه خوبی با قاضی داشتیم و قرار شد در

هیات مدیره پرسپولیس بود که به تازگی، حضورش در اسپانیا برای مذاکره با سران باشگاه رئال مادرید نیز خبرساز شده است.

دایی درباره او گفت: «نمی‌دانم چرا کسی که در کار تراکم است آمده و راجع به من صحبت می‌کند. این زنگ خطری

شکایت وزیر ورزش از علی دایی

محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان از علی دایی و علیرضا رحیمی سرمربی و مدیرعامل پیشین باشگاه پرسپولیس به دلیل «نشر اکاذیب» شکایت کرد. دایی و رحیمی هم برای ادای توضیحات در دادسرای فرهنگ و رسانه حضور یافتند.

مصاحبه کند. دلیل شکایت وزیر ورزش از دایی، اظهارات سرمربی پیشین تیم ملی ایران درباره دخالت وزیر در برکناری‌اش از سمت سرمربی‌گری پرسپولیس است. نوزدهم شهریور امسال، علی دایی و رحیمی جای خود را به حمید درخشان و بهروز منتقمی دادند. این جابه‌جایی پر تنش بود و طی دو روز، تمرینات پرسپولیس واقع در ورزشگاه درفشی‌فر را به جنجال کشید.

دایی که همزمان با حمید درخشان در محل تمرین حضور یافته و حاضر به ترک آنجا نبود، به خبرنگاران گفت: «زمانی سرمربی تیم ملی بودم و توسط احمدی‌نژاد از کار برکنار شدم. امروز هم وزیر ورزش مرا برکنار کرد. کسی که معلوم نیست از کجا آمده و فقط به خاطر اینکه پول دارد، برای پرسپولیس تصمیم‌گیری می‌کند. دلم برای ورزش ایران می‌سوزد.»

اشاره او به حمیدرضا سیاسی عضو پرنفوذ

رادیو فردا: پرونده شکایت وزیر ورزش از علی دایی در حالی به جریان افتاده که وکیل دایی در خصوص رأی دادگاه تجدیدنظر محمد مایلی‌کهن گفته: رأی دادگاه که نام‌برده را به ۴ ماه حبس تعزیری محکوم کرده بود تأیید شد و این رأی به دادگاه شعبه ۱۰۵۷ ارسال شده تا مایلی‌کهن برای اجرای حکم فراخوانده شود.

او درباره شکایت دایی از نادر فریادشیران هم گفته: «ایشان به ۴ ماه حبس تعلیقی و یک میلیون ریال محکوم شده و اگر یک بار دیگر ادعاهایش علیه علی دایی را مطرح کند دوباره پرونده فریادشیران به جریان خواهد افتاد و او هم محکوم خواهد شد.»

غیر از شکایت وزیر ورزش از علی دایی و شکایت دایی از مایلی‌کهن و فریادشیران، ماه گذشته او در دادگاه انقلاب نیز حضور داشته اما حاضر نشد با خبرنگاران تلویزیونی که همزمان برای پوشش اخبار دادگاه مهدی هاشمی به محل رفته بودند،



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴(۴۰۸)

شرکت ساعی

مشکل گشای شهر شما

کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت‌ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com



(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

حضور پررنگ سینماگران ایرانی در جوایز سینمایی آسیا-اقیانوسیه

فهرست نامزدهای هشتمین دوره جوایز سینمایی آسیا-اقیانوسیه اعلام شد که در آن نام تعدادی از سینماگرا و فیلم‌های ایرانی دیده می‌شود. شورای انتخاب این دوره از میان ۳۶ فیلم از ۲۱ کشور، نامزدهای بخش‌های مختلف را معرفی کرده است.

اعتماد برای فیلم قصه‌ها (برنده بهترین فیلمنامه جشنواره فیلم ونیز) نامزد شده است. قصه‌ها در سال ۹۰ ساخته شد؛ در این فیلم کارگردان به سراغ شخصیت‌های آشنای فیلم‌های قبلی خود مانند روسری آبی، زیر پوست شهر، گیلانه و خون بازی می‌رود و به بهانه نمایش برشی از زندگی آنها، تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رخ داده در جامعه طی دهه‌های اخیر را به تصویر می‌کشد و نقد می‌کند. نیما جاویدی نیز برای فیلم ملبورن نامزد جایزه بهترین فیلمنامه شده است. در این فیلم که خود او کارگردانی کرده، نگار جواهریان، پیمان معادی و مانی حقیقی بازی می‌کنند. در بخش بهترین بازیگر زن هم مریلا زارعی برای فیلم شیار ۱۴۳ نامزد شده است. هزار و یک سیب، عنوان فیلم مستندی محصول کردستان عراق است که در بخش بهترین مستند بلند نامزد است. **دنیاه مطلب در صفحه ۵۰**

راديو فردا؛ در بخش بهترین فیلم بلند، عصبانی نیستم به کارگردانی رضا درمیشیان به عنوان یکی از نامزدها انتخاب شده است. نوید محمدزاده، بازیگر این فیلم نیز برای جایزه بهترین بازیگر مرد نامزد شده است. دومین ساخته درمیشیان که طی جشنواره فجر از طرف برخی افراد و رسانه‌های اصولگرا به عنوان "حامی فتنه" به شدت مورد حمله قرار گرفته بود، پس از کشمکش‌های بسیار در نهایت با "مصلحت‌اندیشی" برگزارکنندگان جشنواره، علیرغم آنکه در پنج رشته کاندیدای دریافت سیمرغ شده بود و آدار به انصراف از بخش مسابقه شد. عصبانی نیستم در بخش بهترین فیلم رقیابی چون لویاتان (برنده جایزه اصلی جشنواره فیلم لندن) و خواب زمستانی (برنده نخل طلای کن) را پیش رو دارد. در بخش بهترین کارگردانی، رخشان بنی

«گس» و مشکلات جامعه امروز ایران

سعید شفا



طبقه خاص منحصر نمی‌کند. آن را میان طبقه مرفه (دکتر و همسرش)، متوسط (استاد دانشگاه) و پائین اجتماع (منشی و شوهرش) تقسیم می‌کند تا نشان دهد این مسایل مختص طبقه خاصی نیست. «اسدی زاده» کارش را با فیلم‌های کوتاه آغاز کرد، برای تلویزیون فیلم‌های تجارتي بسیاری ساخته که همین بهترین

معمولاً فیلمهایی که به مسایل خانوادگی می‌پردازند به ملودرام یا چیزی شبیه آن تبدیل می‌شوند. اما در نخستین فیلم بلند «کیارش اسدی زاده» به اسم «گس» او این فرمول کهنه را در هم می‌ریزد و فیلمش را سواي جنبه‌های احساساتی و خانوادگی به یک معضل اجتماعی تبدیل میکند که جامعه امروز ایران درگیر آن است.



داستان فیلم او روی مسایل خانوادگی آدم‌ها بدون قضاوت و یا نتیجه‌گیری برای حل مشکلات آنها دور می‌زند. زوج نخست، زن و شوهری هستند که دخترشان در آمل به دانشگاه می‌رود. مرد دکتر زنان است و با منشی خود سر و سری دارد. زن متصدی شبانه یک بیمارستان است که وقتی به خانه می‌آید مرد آماده رفتن به سرکارش است.

ایندو زمانی را با هم نمی‌گذرانند، در نتیجه خلاء عظیمی میانشان ایجاد می‌شود. زوج بعدی که زن برای شغل منشی‌گری همین دکتر مراجعه می‌کند، شوهرش با زنی که استاد دانشگاه است و می‌خواهد رانندگی را از شوهر او فرا بگیرد رابطه دارد. زن استاد دانشگاه برای تدریس به شمال می‌رود و آنجا یکی از شاگردانش دختر همان دکتر ابتدای فیلم است که در می‌یابد دوست پسرش با همکلاسی او رابطه دارد.

در ابتدا این روابط نامشروع تقیل به نظر می‌رسند اما وقتی داستان گسترش پیدا می‌کند، با جامعه‌ی روبرو می‌شویم که در عین تبلیغ مذهب، مشکلات عدیده‌ی را در زیر پوست خود دارد. «اسدی زاده» این مشکلات را به یک تمرین برای ساختن فیلم بلندش محسوب می‌شود. داستان را به خوبی آغاز، گسترش و ادامه می‌دهد بی آنکه مغلوب جنبه‌های احساساتی شخصیت قهرمانانش بشود. فیلمبرداری فیلم که توسط «مجید گرجیان» و تقریباً تماماً روی دست انجام شده، روان و در تاکید آنچه کارگردان می‌خواهد هماهنگ است. بازی‌ها گرچه اکثراً توسط بازیگران تازه انجام شده، اما روان و قابل پذیرش است.

«گس» از زمره فیلم‌هایی است که می‌تواند سبک نویی را در سینمای ایران احیاء کند. زبان و دیدش تازه است، مسایل اجتماعی را بی آنکه نتیجه‌گیری کند و پیش روی تماشاگر قرار دهد، صرفاً مطرح می‌کند و برداشت‌هایی و نتیجه‌ها به عهده تماشاگر می‌گذارد تا او براساس دید و تجربه‌هایش برداشت شخصی خود را از آن رقم بزند. برای نخستین فیلم یک فیلمساز، گس، پوئن خوبی در کارنامه «اسدی زاده» محسوب می‌شود. باید دید در آینده او چگونه مسایل اجتماعی دیگر را مطرح خواهد کرد.

داستان فیلم او روی مسایل خانوادگی آدم‌ها بدون قضاوت و یا نتیجه‌گیری برای حل مشکلات آنها دور می‌زند. زوج نخست، زن و شوهری هستند که دخترشان در آمل به دانشگاه می‌رود. مرد دکتر زنان است و با منشی خود سر و سری دارد. زن متصدی شبانه یک بیمارستان است که وقتی به خانه می‌آید مرد آماده رفتن به سرکارش است. ایندو زمانی را با هم نمی‌گذرانند، در نتیجه خلاء عظیمی میانشان ایجاد می‌شود. زوج بعدی که زن برای شغل منشی‌گری همین دکتر مراجعه می‌کند، شوهرش با زنی که استاد دانشگاه است و می‌خواهد رانندگی را از شوهر او فرا بگیرد رابطه دارد. زن استاد دانشگاه برای تدریس به شمال می‌رود و آنجا یکی از شاگردانش دختر همان دکتر ابتدای فیلم است که در می‌یابد دوست پسرش با همکلاسی او رابطه دارد. در ابتدا این روابط نامشروع تقیل به نظر می‌رسند اما وقتی داستان گسترش پیدا می‌کند، با جامعه‌ی روبرو می‌شویم که در عین تبلیغ مذهب، مشکلات عدیده‌ی را در زیر پوست خود دارد. «اسدی زاده» این مشکلات را به یک

اردشیر وثوقی

کارشناس و مشاور در امور فرید و فروش سافتمان‌های مسکونی و تجارتي

Find Your Happy Home



Ardeshir Vosoughi
Realtor

حجت مشاوره رایگان لطفاً با من تماس بگیرید!

(408) 342-3160

rdvhomes.com ♦ avosoughi@interorealestate.com

10275 N. De Anza Boulevard, Cupertino, CA 95014

'Your neighborhood is my neighborhood'



می شد به حافظه سپرد بایگانی می کردن که بعدا تا به ماه خوراک حرف های بی انتهای پای بساط سبزی پاک کنی یا غوره و باقالی دون کنی داشته باشن. نصرت خانم هم که با صورت سرخ و سفید و لمبرهای فربه و سوراخ دماغ گشاد بی شباهت به یه خوک پرواری نبود عین کسی که فتح و ظفر کرده باشه با غرور جلوی مهمون ها چای می گذاشت و با هر استکانی که می گذاشت چرینگ چرینگ انگوهای طلاشو که تا آرنج رسیده بود در می آورد.

ملیحه که هنوز از بابت آش پشت پا زخمی بود با نجوا گفت: افاده ها طبق طبق، سگ ها به دورش وق و وق. خدا می دونه بابت هر کدوم از این انگوها چند شب بچه ها شو گرسنه خوابونده! فلور که سر خوش بود زیرگوش ملیحه وزوز کرد: بچه ها شو که حتما! از این حمدالله بدون استخون دوسیر گوشت آبگوشتی درنمید، اونم بی دنبه! اما خودش که تخت کونش قد به بقیچه است! وسط شور و شام زنانه یه هو در باز شد و حمدالله مثل یابو علفی سرشو انداخت پایین و اومد تو. زن ها همه دستپاچه خودشونو جمع و جور کردن و نه چندان ناراضی عشو ای هم تحویل دادن.

دنیاله مطلب در صفحه ۵۵

بریم ببینیم چه خبره. قبل از این که ملیحه از لای در بیرون بره، رو به هنگامه گفت: مواظب جلال و جمال باش. نذار برن سر حوض. توی کوچه هم نذار برن تا من بیام. هنگامه گفت: چی کارشون کنم؟ تو بری بهانه می گیری. چه جوری نگهشون دارم؟ ملیحه یاد هسته هلوها افتاد و گفت: مواظب باش خونه رو روی سرشون نذارن. یه پیت هسته هلو کنار آب انبار گذاشتم که بعدا لب لبو درست کنم. بریز جلوشون بازی کنن تا من برگردم. آبگوشتم بیا! سبب زمینی شو پوست بگیر، نیم ساعت دیگه بریز توش و آ نره. شاید خودم زودتر اومدم. و تق! در رو چفت کرد و رفت. محض اطمینان در رو از پشت کلید کرد. هنگامه که هنوز نفهمیده بود چه طور می شه یه خونه رو روی سر گذاشت پیت هسته هلوها رو جلوی دوقلوها کنار هاون سنگی دمر کرد و رفت توی آشپزخونه زیر راه پله گوشه حیاط تا به آبگوشت برسه.

◆◆◆◆

نه فقط چهارتا، که دوازده تا زن جمع شده بودن توی حیاط خلوت نصرت خانم و چق و چق تخمه آفتاب گردون می شکستن و در و دیوار خونه رو با نگاه متر می کردن. هر چیزی رو که با دیدن



منصور محمدزاده

آشنا داند زبان آشنا

mansoor_mz@yahoo.com

لب لبو

فلور یه خنده پر نمک تحویل داد و بال لب های غنچه ای گفت: ملیح باور نمی کنی. خواستم اول خودت ببینی اما طاقت ندارم. آگه نگم دلم آشوب می شه نصرت رو می شناسی؟ - نصرت پسر ماست بندی؟

- نه بابا توهم! نصرت خانومو می گم. - چی کار کنم فلور جان. نصرت هم از اون اسم های بلا تکلیفه. معلوم نیست گیس داره یا سبیل! اسم قحطه؟ خوب بذارن ممد یا فاطی. فلور دنبال حرفشو گرفت و گفت: اینارو نمی دونم خواهر. پسر نصرت خانومو دیده بودی؟ حمدالله. مثل نردبوم دزدا لنگاش درازه. الان یه ساله رفته اجباری. افتاده بندرعباس. دیروز اومده مرخصی. ملیحه دلخور گفت: حالا ما اینو کجای دلمون بذاریم؟ آش پشت پای سربازی شو به ما که ندانن. آدم گدا چه یه چیز ازش بگیره چه یه چیز بهش بدی! - ملیح، تو که به کرم خدا سفره ات همیشه رنگ داره. در خونتم چهار و چهار طاق به روی همه بازه. اینارو ول کن. نمی ذاری که حرفمو بزنم. می گن حمدالله یه چیزی آورده که خودش ریش مردها رو می تراشه!

- و! یعنی چی خودش می تراشه. به حق چیزای نشنیده. مگه می شه؟! فلور ته دلش قند آب شد که یه پله از ملیحه چلوتره و در حالی که صورت خوشگلش گلی شده بود با ناز گفت: د همین دیگه. همین عجیبه. مثل این که یه جور ماشینه. - ماشین؟! مگه با ماشین به اون گندگی می شه ریش زد؟ آب و صابونشو چی کار می کنن!؟

فلور ریسه رفت: نه ملیح، تو که خنگ نبود. می گن یه ماشین کوچیکه. توی جیب جا می گیره. با قوه کار می کنه. - من که تا نبینم باور نمی کنم. حرف های نصرت با چاقو توی جیب سگ یکیه. لابد می خواد پسرشو توی چشم بیاره که پس فردا سربازیش تموم شد یکی رو براش شیرینی بخورن. قدرت خدا چه قدرم زشته! آگه آخرین مرد دنیا هم بود من بهش دختر نمی دادم. خدا به دور، با اون دندون های اسبیش!

فلور که طاقتش طاق شده بود گفت: حالا خواهر میای یا نه؟ بیا یه توک پا بریم تماشا. مریم و رباب هم میان. چهارنفره

- هنگامه، مامانت خونه است؟ - داره رخت می شوره. الان صدش می کنم. چند لحظه بعد مامان هنگامه با دست کفی اومد توی راهرو و یه هو گفت: اوا فلور جان، چرا دم در وایسادی؟ اینجا که بده. و پشت بندش یه تشر به هنگامه که به فلور خانم تعارف نکرده بیاد تو؟ فلور به قصد لاپوشانی با یه دروغ مصلحت آمیز سر رو خوابوند و گفت: چرا ملیح جان، تعارف کرد. ما که چهار فصل سال پاشنه در این جارو در آوردیم. دیگه این حرف ها چیه. - حالا بیا تو فلور جان. این جا خوب نیست. مردها رد می شن، یه چیزی می گن، به گوش شوهرت می رسه، شر به پا می شه. - شر چی ملیح جان؟ مردها بلا نسبت گه خوردن. کی محل سگ به اونا می ذاره؟ - خدا حرف راستو از دلت بشنوه. اما تو حالت نیست. جوونی. دل می بری. این خوشگلی تو، جمع کردنش مکافاتنه. چادر هم که نداری. حیا میا روهم که درست و حسابی خوردی رفته! والله آگه منم زن نبودم از راه به درم کرده بودی!

فلور که خوش خوشانش شده بود یه خنده سی و دو دندونه تحویل داد و با عشو کرشمه و فروتنی ساختگی گفت: و! ملیح جان، یه جوری می گی جون، انگار خودت دست دندون گذاشتی. ابجی بزرگم از تو بزرگتره. تازه شم کدوم خوشگلی؟ دلت خوشه ها! با این دوتا کره که زاییدم هم گیس کم پشت شده، هم واریس گرفتم. کی دیگه به ما نگاه می کنه.

فلور با گفتن این حرف که خودش هم اون رو باور نداشت به انتظار این که ملیحه حرفشو انکار کنه از لای در به داخل راهرو خزید و با پاشنه بلند و پر سروصداش در رو پیش کرد. ملیحه دست کفی شو با چادر پاک کرد و داد زد: هنگامه! مامان، آب جوش بذار فلور خانم یه استکان چای تلخ...

فلور نگذاشت ملیحه حرفشو تموم کنه و مثل دیزی که آتیش زیرش زیاد باشه حرف دلش سر رفت: گوش کن ملیح جان، مهمونی نیومدم. اومدم یه توک پا بیرمت بیرون. همین جور با دمپایی بیا. ملیحه که به فلور شک کرده بود گفت: خبریه؟ امروز مشکوکی. آگه نمی خندیدی نگران می شدم.

Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی

لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی

♦ دریافت حقوق پرستاری

♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط

♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج

♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی

♦ اخذ ویزای نامزدی

♦ مدیکر و مدیکل، SSI

♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی

♦ اخذ پاسپورت سفید

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

دیوانه صفت شده بهر کوی
لیلی لیلی زنان بهر سوی
احرام دریده سر گشاده
در کوی ملامت او فتاده
می خواند نشید مهربانی
بر شوق ستاره یمانی
حیران شده هر کسی در آن بی
می دید و همی گریست بروی
چون داستان عشق و جنون قیس عامری
در جهان پیچید پدر و مادر و بستگاه راه
نجاتی جز این ندیدند که او را به زیارت
مکه برند و از خداوند برایش آسایش و
رستگاری طلب کنند.

پس وقت حج که فرا رسید کاروان فراهم
کردند و پدر فرزند دلشکسته را در میان
گرفت و به آستان خانه خدا برد و روی نیاز
به درگاه ایزد چاره ساز نهاد «که خداوند،
فرزند گمراه من را نجات بده و به طریق
صواب هدایت کن!»

و آنگاه از فرزند خواست: «بیا بیا
فرزدم، دست در حلقه کعبه کن و از
خدا بخواه که عشق لیلی را در دل تو
بکشد!» اما مجنون شوریده دل، ناله و
زاری سرداد که «ای خداوند، عشق لیلی
را در من بیشتر کن!»
گویند ز عشق کن جدائی

کاینست طریق آشنائی
من قوت ز عشق می پذیرم
گر میرد عشق شد سر شستم
جز عشق مباد سر نوشتم
آندل که بود ز عشق خالی
سیلاب غمش براد حالی
یارب به خدائی خدائیت

وانگه به کمال پادشائیت
کز عشق بغایتی رسانم
کو ماند اگر چه من نمانم
از چشمه عشق ده مرا نور
وین سرمه مکن ز چشم من دور
گرچه ز شراب عشق مستم
عاشق تر از این کنم که هستم

یارب تو مرا بروی لیلی
هر لحظه بده زیاده میلی
از عمر من آنچه هست باقی
بستان و به عمر لیلی افزای
چون قیس در کوه نجد که مقام قبیله
لیلی بود مسکن گزیده بود، پدر آزرده
خاطر که فرزند را اندرز بسیار داده
بود و سودی نبخشیده بود چاره اندیشی
کرد: سالخوردگان قبیله را به گرد خویش
فراخواند و از آنها نظر خواست. همه
متفق القول توصیه کردند که پدر رسماً
به قبیله لیلی رود و دختر را برای پسرش
خواستگاری کند. پدر پذیرفت و همراه
گروهی از یاران به سوی منزل لیلی به راه
افتادند. خانواده لیلی مقدمشان را گرمی
داشتند.

کرد: سالخوردگان قبیله را به گرد خویش
فراخواند و از آنها نظر خواست. همه متفق
القول توصیه کردند که پدر رسماً به قبیله
لیلی رود و دختر را برای پسرش خواستگاری
کند. پدر پذیرفت و همراه گروهی از یاران
به سوی منزل لیلی به راه افتادند. خانواده
لیلی مقدمشان را گرمی داشتند. پدر رو به
خانواده لیلی کرد و چنین گفت:
خواهم بطریق مهر و پیوند

فرزند ترا ز بهر فرزند
کین تشنه جگر که ریگزاده است
بر چشمه تو نظر نهاده است
هر چشمه که آب لطف دارد

چون تشنه خورد به جان گوارد
معروف ترین در این زمانه
دانی که منم در این میانه
هم حشمت و هم خزینه دارم
هم آلت مهر و کینه دارم

من در خرم و تو در فروشی
بفروش متاع اگر بهوشی
چندان که بها کنی پدیدار
هستم به زیادتی خریدار

پدر لیلی داستان را به گوش شنید ولی روی
موافق نشان نداد زیرا آوازه جنون قیس را
بسیار شنیده بود و بیم آن داشت که مورد
ملامت خویشان و بستگان قرار گیرد. روی
به پدر مجنون کرد و چنین پاسخ داد:
گرچه سخن آبدار بینم
با آتش تیز کی نشینم

گر دوستی در این شمار است
دشمن کامیش صد هزار است
فرزند تو گرچه هست پدرام
فرخ نبود چو هست خودکام
دیوانگی همی نمایم

دیوانه حریف ما نشاید
اول به دعا عنایتی کن
وانگه ز وفا حکایتی کن
تا او نشود درست گوهر
این قصه نگفتنی است دیگر
دانی که عرب چه عیب جویند

این کار کنم مرا چه گویند؟
خواستگاران چون این پاسخ شنیدند،
ناامید و اندوهگین بازگشتند و ماقع
به عاشق دلشکسته باز گفتند. آنگاه
پدر نصیحت آغاز کرد و گفت که در
این دیار لعبتان عاشق کش بسیارند و
صنمان وفادار بسیار. جائی که صد آشنا
هست، بیگانه چرا می پرستی؟ بگذار تا
گلی دیگر از بستان برای تو برگزینیم و
لیلای دیگری برای تو آوریم اما:

مجنون چو شنید بند خویشان
از تلخی پند شد پریشان
زد دست و درید پیرهن را
کاین مرده چه می کند کفن را
چون وامق از آرزوی عذرا
گه کوه گرفت و گاه صحرا
می گشت ز دور چون غربان
دامن به دریده تا غربان

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:
مهندس پرویز نظامی



عشاق نامدار جهان (۲) لیلی و مجنون

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد
به تماشاگاه زلفش دل حافظ روزی
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
که حدیث اش همه جا در در و دیوار بماند
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند

بشنوید تا نام شش زوج دلدادگان نامدار دوران کهن را در یاد خود بسپارید. نام زال و رودابه
را که با کشش عشق روی بهم آوردند. نام یوسف و زلیخا را که ناشناسانه از دو دیار دور دست
بهم پیوستند؛ نام فرهاد و شیرین را که یکی در آتش عشق می سوخت و دیگری سربیوفانی
داشت؛ نام مجنون و لیلی را که جز به خاطر هم نزیستند و چیزی به جز یکدیگر از جهان ندیدند؛
و نام وامق و عذرا که روزگاری دل به مهر هم دادند و عشق ورزیدند و جز به خاطر عشق نمی
زیستند. اگر کتاب عشق را بخوانید آن را شگفت انگیزترین کتاب جهان خواهید یافت؛ در آن
چند صفحه کوچک کوتاه و وصف شادی و چندین دفتر بزرگ داستان غم خواهید دید؛ فصل
هجرانش فصلی دراز و بحث و صالاش بحثی کوتاه است و آنجا که سخن از رنج عشق می رود
گفتگو چندان است که شرح و حواشی خود از چندین مجلد فزون می گردد.

چون قیس در کوه نجد که مقام قبیله
لیلی بود مسکن گزیده بود، پدر آزرده و سودی نبخشیده بود چاره اندیشی

دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of
Camelia Mahmoudi

طلاق، لیوینگ تراست، وصیت نامه، مالیات

دعای خانوادگی:
♦ Divorce (Litigation & Mediation)
♦ Prenuptial Agreements

Estate Planning:
♦ Wills & Living Trust

Taxation:
♦ IRS & State Tax problems

♦ مشاوره مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.
Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi
Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

منطقه فضول آباد

نوکرتم، خیلی معطل کردی

بعضی ها اهل سرعت نیستند. منظورم در رانندگی نیست. میخوان به کاری که قراره انجام بدن از هر جهت خوب و بی نقص دربیاد. میرن تو خط مطالعه. بالا و پایین کارو نگاه می کنند. از این و اون می پرسند. حتی شاید فال هم بگیرند. خیلی از این جور کارا خوبه و ضرر نداره. اما به وقت می بینی معطل کردیم. فرصت از دست رفت و خلاصه شانس که به ما رو کرده با اون موقعیت طلایی ممکنه از دست بره و میره. اون وقت چی میشه، ما اون شانس یا امتیاز را از دست میدیم. مثلا به پست اداری خوبی به ما پیشنهاد میشه یا به شرایط خوبی جور میشه، باز درسی بخوانیم و یا دوره ای ببینیم. اگر همچنان به بررسی های خود ادامه بدیم. خیلی وقتا یکی دیگه زود می جنبه، زیاد معطل نمی کنه و آن موقعیت خوب نصیب او میشه. بعد ما یک عمر می نشینیم افسوس می خوریم. توی این زمینه هزاران مثال دیگه هم دارم که پیش میاد ولی ما باز اسیر همان مطالعات و تردیدهای طولانی می شویم. بقولی می بایزم. ماهی خوش خوراک و درجه یک تو چنگمون درست عمل نمی کنیم. از چنگمون درمیره. تمام حرف این دفعه من همینه نه بیشتر و نه کمتر. البته در هیچ کاری عجله و بی حساب و کتاب عمل کردن هم غالباً مصیبت ها به دنبال داره. پس بهتره خیلی جاها زیاد معطل نکنیم و قضیه را کش ندیم. حالا ببینم استاد سعدی، بچه شیراز، چه می فرماید: **عاقل به کنار بوی تا پل می بست، دیوانه پا برهنه از آب گذشت.** پس خیلی جاها تقصیر خودماست. زیاد معطل می کنیم. کار یا شانس از دست میره. بهتره عاقلانه تر عمل کنیم. روز خوبی داشته باشید.

پشت آن گوه،
وسط دشت خدا،
گوشه خشک کویر،
یا لب جنگل سبز،
که کجا باید ساخت،
و چرا؟ و چه سان؟
گر تو همت بکنی و ما باشیم
و فرو ریزیم هر ویرانی

و بسازیم هر جا که نامش آبادیست،
اما آبادانی نیست
روزی نه چندان دور می بینیم که خانه مان آباد است
لبمان پر خنده
و دلمان باغچه ایست که عطر عالم دارد
تو بیا، دیدن دارد
تو بیا
حسینعلی مکنونی، تهران- ۱۳۵۶
دنباله مطلب در صفحه ۵۲

مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکنونی

فریمان- کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



کژدم غربت آدرس ما را نمی داند

هم نمی گه موهاشو چه رنگی بکنه و یا چی بپوشه و یا چه آرایشی بکنه. اینجا هرکی را که می بینی بیشتر با زبان مادری خودش حرف میزنه مگر آنکه لازم باشه انگلیسی حرف بزنه. بعضی ایرانیها هم فارسی و انگلیسی قاطی می کنند. اشکالی در فارسی حرف زدن هم ندارند، اما اینجوری حرف می زنند، دوست دارند پدر زبان فارسی را از این طریق دربیاورند. آنها که هوشیارند، البته بهشون میگن این کارو نکنین اما گوش نمیدن.

اینجا فضول خیل کمه. کسی نمی پرسه دختر همسایه تان شوهر کرد! خونه مال خودتونه یا اجارهس! ماهانه چقدر حقوق می گیرین! دخترت بچه دار شد!

روزا فقط میگن روز خوبی داشته باشید، پلیسشان خطا کنی جریمه ات می کنه چون همیشه بهش گفت: سرکار به کاریش بکن. بیشتر قهوه می خورند و زیاد اهل چایی نیستند، خب نباشند. مگه اشکالی داره! به وقت هم ممکنه صبح که بری سرکارت

بخت بگن از فردا تشریف نیارید. به وقت نگین بیخود کردین! مگه می تونین! پهرحال اینجاها بسیار کم ممکنه برق یا آب قطع بشه. قطع هم بشه معطل نمی کنند و سریع درست میشه. اینجا سنت هایشان را دوست دارند و خوب هم برآش خرج می کنند. اینجا مرتباً خیلی چیزها را ارزونتر می فروشنند. تو هم زرتنگ باش پرو ارزون بخر. خلاصه اینجا به جای دیگس. همه چیزش با ما فرق داره. سخت نگیر. عادت کن. ببخش خیلی حرف زدیم. گرچه خیلی ها

رو میدونین و میدانم بی خبر نیستین. بیشتر برای اونایی گفتم که نیومدن و یا تازه وارد هستن. وگرنه اوتا که اینجا نشین شدن همه را از سیر تا پیاز میدونن. آدم هرچی بدونه برآش بهتره.

خاک خوبی داریم
تو که می دانی،
خاک خوبی داریم،
همه از جنس طلا،
دست می خواهد پر از پینه کار،
و دو پای که صلابت دارد،
و دو چشمی همه در حد چراغ،
تا ببینند، همه جا.

به کسی به وقت برنخوره. بما گفته بودند: «آنجا که وطن نیست سرد است»، خدائیش من که تا حالا تو فریمان سردم نشده. بما گفته بودند: غربت کژدم دارد می آید شوخی هم ندارد به جگرتان نیش می زند. ناصر خسرو هم از این کژدم یاد کرده. باز خدائیش تا ساعت اکنون این کژدم یا کج دم آدرس خانه ما را نمی داند یا گشته گیج بازی درآورده پیدا نکرده. بما گفته بودند توی غربت آدم دلسوز اصلا و ابدا نیست. ده روز هم هیشکی شما را پیش خودشان نگه نمیداره. این حرف هم برای ما تو زرد درآمد. فقط یک قلم یکی از عزیزان چهارماه ما را در خانه اش نگه داشت. حتی اتاق پسر بزرگش را هم داد به ما. یکی از مهرورزان دیگر خودش و زنش ما را بردند لس آنجلس که قسم بخورم. ما که نه ماشین داشتیم نه زبان بلد بودیم.

خلاصه بقیه هم کوتاهی نکردند تا ما بتوانیم همه جور مدرک محکم و کارت ها بگیریم و از خیلی از چه کنیم ما گذشتیم. خیلی ها هم شنیدم حال و روز ما را در این آمدن ها به غربت نداشتند. کژدمه سراغشون رفته.

پهرحال حالا چند سال است غربت نشینیم و می دانیم خیلی ها مثل ما شبها اینچاه تا چراغ بی دلیل روشن نمی کنند، دیر نمی خوابند، زود شام می خورند، یقه بچه ها را نمی گیرند و به آنها اجبار نمی کنند که برو دکتر شو یا مهندس. بچه هاشون خودشون شوهر پیدا می کنند یا زن. هر کی از هر جای دنیا اومه اینجا غذای خودشو می خوره و کاری به غذاهای اینجا نیت نداره مگر آنکه از غذای آنها خوشش بیاد. توهم می تونی بری غذای ایرانی بقولی بزنی تو رگ، موسیقی خودتو گوش کنی. دوست

داری خود آزاری کنی برو ترانه بردی از یادم بزار و مثل باران های جنوب ایران اشک بریز. اینجا ممکنه یا حتما از سنگشون تعریف می کنند. خب بکنند، یا زیاد برن سفر، خب برن، مگه بده.

اینجا کسی به سالمندی نمی گه چرا لباس سنگین نمی پوشی یا به هیچ زن سالمندی

آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز،
زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملاً آرام و بهداشتی

*Permanent Makeup Specialist

*Non-Surgical Facelift *Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

سر می کشیدم و دیگر هیچ نمی خوردم تا مزه کارامل توی دهانم بماند. هنوز مزه کارامل مرا یاد آن شبها می اندازد.

پنجاه سال بعد

دوستی از فرنگ آمده بود و نوستالژی کافه نادری را داشت. ناهار رقتیم کافه نادری. ورودی را کرده بودند رستوران با همان بو، همان ماهیتابه های جلز و ولزی و همان گارسنها با پشتهای خمیده و موهای سیید و حرکاتی کند. قلبم گرفت. بغض کردم. نتوانستم ناهار بخورم. به بهانه هواخوری رقتیم طرف حیاط. روی پله ها

و شلوار سفید و دستهایی پر از دیسهای غذا در رفت و آمد بودند. میزی را انتخاب می کردم که اغلب نزدیک به ارکستر بود و می نشستیم. کوچک بودم. چهار، پنج ساله؛ اگر خودم را حسابی بالا می کشیدم، تازه چانه ام به لب میز می رسید. از این بالاتر نمی شد. همیشه دستی از پشت سرم می آمد. مرا بالا می کشید و یک بالشتک زیرم می گذاشت. سرم را ناز می کرد و می رفت. حالا بهتر شده بود. همیشه تا می نشستیم لیموناد نارنجی می خواستم. بعد نوبت غذا می شد. بیفتک جلز و ولزی توی ماهیتابه و تا دلت بخواهد سبب زمینی سرخ کرده. گارسن ماهیتابه را روی میز می گذاشت. این هم یک جور فر بود که غذا را با ماهیتابه می آوردند. بیفتک را برابم خرد می کردند و خودم می خوردم. اجازه داشتم سبب زمینی ها را با دست بخورم که داغ داغ بودند و چه کیفی داشت. بعد از شام نوبت مامان و بابا می شد. من را می گذاشتند و می رفتند سمت پیست.

پیست حسابی شلوغ می شد و من می نشستم به تماشا. سعی می کردم در آن میانه شلوغی پدر و مادرم را ببینم و گمشان نکنم. بعد حوصله ام سر می رفت. از صندلی پایین می آمدم و می رفتم



ایستادم و حیاط را تماشا کردم. درختهای تکیده، بوته های زردشده، تک و توکی گل ویران و ویران. جای صحنه را پیدا کردم. پیست را جلوش گذاشتم. موسیقی را راه انداختم. اوجی چورنیا را شنیدم. صدایش را بلندتر کردم. بلندتر. بلندتر و مامان و بابا را دست در دست وسط پیست گذاشتم. صدای موسیقی بلندتر شد. بلندتر، بلندتر. اشکهای صورتم را پاک کردم و برگشتم به سالن.

برای خودم میان میز و صندلی ها گردش می کردم. باغ کافه نادری گربه زیاد داشت. با یکی از گربه ها دوست می شدم و می رقتیم زیر یکی از میزها، روی شنها می نشستم و سرگرم بازی با گربه می شدم. هوای خوش، باغ سرسبز، موسیقی اوجی چورنیا، بیفتک جلز و ولزی و این همه سیب زمینی سرخ کرده و مامان و بابا. بعد حتما کرم کارامل بود با کارامل زیاد. وقتی همه را می خوردم، کاسه را هورت

انده، ناشی از آنچه به سر ما می آید نیست، بلکه از آنچه در درون ما روی می دهد بوجود می آید. جی پی واسوانی

ماهنامه پژواک نشریه خبری، فرهنگی، ادبی و اجتماعی

با درج آگهی در
ماهنامه پژواک،
بیزنس خود را به جامعه
ایرانی معرفی کنید!



۸۶۲۴-۲۲۱-۲۲۱ (۶۰۸)

یادداشتهای با تاریخ

صدرالدین الهی



سال ها پیش در یکی از مجله های شعروند که به دست من رسید خبری بود مبنی بر این که کافه نادری پاتوق صبح های از روزنامه گریختن ما و مأمین شهبای عاشقانه روزگار ما، دارد تعطیل می شود. عده ای در این باره مطالبی داشتند خواندنی و جالب اما چشم من روی مطلبی ماند که لیلی گلستان دختر ابراهیم گلستان و برادرزاده عزیز من و مترجم خوب آن را نوشته بود. او مثل پدر پشت دوربین رفته و با عنوان «کافه نادری در دو قاب» دو برش از کافه نادری به دست داده، شیرین و چشم نواز و خاطره برانگیز. من لیلی را در سالهایی که از برش اول حرف می زند دیده ام و دیگر هرگز نه. اما وقتی مطلبش را خواندم بی اختیار با خود گفتم «از این پدر چنین فرزند باید». شما هم آن را بخوانید و اگر کافه نادری را به یاد دارید، پاراگراف آخر آن را که خواندید مثل لیلی، مثل من و مثل همه آدمهای آن روز، اشک صورتتان را پاک کنید.

کافه نادری در دو قاب

لیلی گلستان

و پیراشکی فروشی ها. بوی قهوه را خیلی دوست داشتم. به اینجا که می رسیدم، چند نفس عمیق می کشیدم و بابا می خندید.

و بعد می رسیدیم به مغازه پارکر. همیشه پشت و بترین آن می ایستادم. قدم نمی رسید که قلمها را ببینم اما می دانستم که کلی قلم آن بالا هست. می پریدم بالا که آنها را ببینم و درست و حسابی نمی دیدم. بعد که می رسیدیم به کافه نادری، اول وارد یک ورودی بزرگ می شدیم. هنوز بوی آن ورودی یادم هست. و بعد یک ردیف پله بود به حیاط.

یک حیاط، پر درخت با زمینی شنی. میان درختها میزهایی گذاشته بودند با سفره های سفید. انتهای حیاط، یک پله بالاتر صحنه بود. ارکستر روی صحنه بود. هنوز صورت آن ویولون زن با سیبلیهای کلارک گیلیلی یادم هست. با موهای بریانتین زده و ابروهای نازک. خیلی با ادا و اطوار ویولون می زد. گارسن ها با کت

سر چهارراه مخبرالدوله از اتوبوس پیاده می شوم. من با دو گیس بافته و کفش ورنی سیاه یک دستم را بابا گرفته بود و یک دستم را مامان. تا به پیاده رو می رسیدیم هوشی هوشی شروع می شد. هوشی هوشی یعنی دستهایت را محکم می گرفتند و تو را می کشاندند بالا و تاب می خوردی و غش غش می خندیدی. کیف داشت.

از چهارراه مخبرالدوله از کنار بازار ماهی فروشها می گذشتیم. خونابه ماهی ها پیاده رو را گرفته بود و بوی زهم ماهی خیابان را انباشته بود. همیشه به اینجا که می رسیدیم دماغم را می گرفتم. از کنار بساط گردو فروشها با چراغهای زنبوری و لنگ های قرمزی که تکان می دادند می گذشتیم. بعد می رسیدیم به مغازه های اسباب بازی فروشی. عروسکهای چشم آبی با لباسهای توری پفی و چراغهای کوچک و بزرگ که روشن و خاموش می شدند. بعد می رسیدیم به قهوه فروشیها

لادن الهی

مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!



فرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi, Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ ladan@ladanhomes.us

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526



سوپر مارکت اطمینان



عرضه محصولات گوشتی در سوپرمارکت اطمینان:
کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و ماهی دودی



عرضه کننده مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123
(408) 226-5992

از درگوشی‌ها

به قلم: پیرایه

دنیا را آب می‌برد و ما را خواب

قراول یساول استخدام کرد مورد تنفیذ همه جانبه قرار گرفت ولی عجالتاً جز رسیدگی به احوالات بازیکن های کتک زن و از خود راضی پول پارو کن مسئله و خبر و مطلب مهم و حائز اهمیت قابل عرض وجود ندارد. توپ را دریابید که ارزشمندترین صحنه نمایش آمریکاست. دنیا را آب می‌برد به ما چه. یکشنبه آینده «توپ بازی» شمالی یا جنوبی است باید بود و دید و خبر داد که آمریکاست و توپش و دلارش اصل ماجرا در پس دیوارهای بسته سران ذینفع دور از چشم تماشاگران و توپ بازیهای پولدار تقریر می‌گردد. عجالتاً مرزها گرفتار ورود هزاران درمانده و گرسنه و بیکاره کشورهای لاتین است. اینکه خرابکاران خونخوار عرب نژاد و چه بسا خودی همدوش بیگانگان پناهنده اذن دخول می‌یابند. چه باک. توپ بازی و مسائل بازیکنان سرلوحه دفتر معانی است.

ببینیم مسابقه بعدی کدام خواهد بود که سرنوشت ساز است!! فقط می‌دانم و افسوس می‌خورم که دریغ و درد و حیف و صد حیف از ایران ما که ناحق و ناروا پیشمرگ خاورمیانه عربی شد. و چه ناگوار است ایرانی را به چشم عرب دیدن. و اما... گرفتاری و نگرانی عجالتاً ورود درد و مرض مرگباری است که آنهم بی‌توجهی و اهمال در تامین سلامت مرزهای هوایی و زمینی خاور و باختر و شمال و جنوب این جنگل بی‌در و پیکر است عیبی ندارد. سرگرم توپ بازی و توپ بازیها مردم سطحی نگر را از فکر و خیال، بازخواست و سؤال باز می‌دارد و دوران صدارت باری به هر جهت برحسب دلخواه می‌گذرد.

که «توپ» در این هنگامه فراگیر چه نقشی را بازی می‌کند؟ و با جیب و عقل این مردم چه دست درازی؟ و اما بگذارید مرزهای آزاد به استقبال مساکین و مرضا و فراریان کشورهای دیگر گشاده باشد زیرا این کشور مأمور و پناه پناهندگان بوده و هست و خواهد بود. چه بهتر غول پیکرهای چندین میلیونی در میدان های بازی با توپ مردم را از فکر بازنگری سیاست های غلط بازدارد. بعلاوه حرف و حکایت و اعمال بازیکن ها خوراک پولساز رسانه ها است چه باک که دشمن از درون درهای باز سرازیر است و تظاهر به ادعای خبرخواهانه بشر دوستی و انسانیت و همسایه پروری نازکدلان دستگاه حاکم جنبه سیاسی دارد. خطر مرزهای باز و هجوم جماعت پناهنده. امراض مهلک مسری و مامور و معذور تحت الشعاع چندین توپ باز و همقطاران بزبویه قرار گرفته.

قبلاً نوشته ام که حدود سی و چند سال پیش کارتر از کاخ سفید رسماً اعلام کرد «که شما مردم آمریکا باید دست ها و قلب هایتان را بروی مردم کوبا باز کنید.» و کردند و البته فیدل کاسترو هم نامردی نکرد و درهای زندان ها، تیمارستان ها و بیمارستان ها را باز کرد و روانه آغوش باز و مهربان کارتر و دموکرات های خوش قلب و خیر آمریکا نمود. اینبار هم همان روش در مورد مکزیکی ادامه دارد که کالیفرنیا را «مکزیک دوم» نامیده و از در و دیوار سرازیرند. کسی هم به کسی نیست و صدالبته رسانه ها هم سخت گرفتار توپ بازیها یک رأس از همین فرمانروایان که برای جلوگیری از تهاجم بیکاره های کشورهای همجوار چند صد

را اکثراً باسواد فقط خواندن و نوشتن ابتدائی تا سطح دانشگاه بالا می‌برند با همه گونه امتیاز و قراردادهای چند صد میلیونی. بنابراین روال نامعقول چه انتظاری. طرف را هوا برمی‌دارد. امر به خودش مشتبه می‌شود و می‌افتد به دلنگاری. چرا که ظرفیت موقعیت مفت و مسلم اهدائی را ندارد و نخواهد داشت. توقع سلامت نفس از این رده جوانان توپ باز چه بسا محال ممکن باشد. استثناء قبول در عین حال نادر که آدمیزاده را فرهنگ و دانش می‌سازد و می‌پروراند نه دلار و توپ.

ایکاش یک صدم این باج و خراج به حرفه توپ بازی و امکانات توپ بازیها به مصرف نگهداری مرزهای باز و بی‌در و پیکر این مکان بی‌سامان می‌رسید که امنیت و تمامیت بودن و زندگی کردن این ملت را دربر می‌گیرد و تامین می‌کند. توپ بازی سرگرمی است نه دین و آئین. شما غافلید

اوضاع احوال کنونی این عالم خاکی را مدنظر قرار دهید تا متوجه شوید چه دست ها در پس پرده غیب سرنوشت ها را رقم می‌زند. مرض، قحطی، جنگ، آشوب، آوارگی، گردن زدن، دار کشیدن و چندین و چند بلایا و مصائب دیگر. و آنوقت اینجا در این دیار از همه جا رانده و از همه کس وامانده دوهفته آزرگار است که از صبح تا شام فقط و فقط گفتگو و خبر درباره چند بازیکن میدان های توپ بازی است. یکی همبازی اش را کشته، یکی دیگر زنش را لگدمال کرده و سومی بچه اش را به ترکه ادب فرموده و همینطور مصرف مشروب و مواد مخدر و زنبارگی و کثافتکاری های ناهنجار دیگر.

بگذریم که اینجا «توپ بازی» با سر یا پا و یا دست مهمترین، بزرگترین و محترم ترین مقام اجتماعی به حساب می‌آید. چرا! نمی‌دانم ولی میدانم که این حضرات

ما در عمر خود نگران دشواریها و سختیهای زیادی هستیم که بیشتر آنها هرگز روی نمیدهد. مارک تواین



به مدیریت دکتر منصور سپهر

با بیش از ۲۰ سال تجربه در تمیز کردن آب و خاک در خشکسویی ها و پمپ بنزین هایی که آلودگی مواد شیمیایی دارند!

- ♦Phase I & II Environmental Site Assessment
- ♦Regulatory Compliance Monitoring
- ♦Soil & Groundwater Remediation
- ♦Site Closure

Tel: (925) 734-6400 Cell: (925) 381-3247

6620 Owens Drive, Suite A, Pleasanton, CA 94588



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن، قیمت مناسب، توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

- ☛ Tax Planning
- ☛ Tax Return Preparation
- ☛ Business Bookkeeping
- ☛ Tax Problem Resolution



☛ Responsive to Your Needs

☛ Reliable Service ☛ Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408) 236-2444 Fax: (408) 236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117



Delilah - کارگردان: سیسیل
دومیل ۱۹۵۱
♦ همه چیز درباره ایو All
about Eve - کارگردان:
جوزف منکیدویچ ۱۹۵۱
♦ مکانی در آفتاب A place
in the sun - کارگردان: برج
استیونس ۱۹۵۲
♦ تعطیلات رومی Roman
Holiday - کارگردان بیلی
وایلدر ۱۹۵۴
♦ سابرینا Sabrina -
کارگردان: بیلی وایلدر ۱۹۵۷
♦ Rear window

آثار اشاره کرد:
♦ نیش Sting - کارگردان: جرج روی پابی ۱۹۳۶ - ارواح دریا ۱۹۳۷ - کلید
شیشه ای ۱۹۴۲ - نامه
های عاشقانه ۱۹۴۵ - طناب
شخصی ۱۹۴۹ - شین
۱۹۵۳ - جنگل برهنه
۱۹۵۴ - سرگیجه ۱۹۵۸ -
تله ۱۹۵۹ - ۳۶ ساعت
۱۹۶۵ - هتل ۱۹۶۷ - چشم
گربه ۱۹۶۷ - فرودگاه
۱۹۷۰ - خانه عروسک ۱۹۷۳ - زمین لرزه
هیل ۱۹۷۴
از دیگر فیلمهای معروف او می توان به این ۱۹۷۴



ادیت هد متولد ۲۸ اکتبر ۱۸۹۷ در سن برناردینو کالیفرنیا. او در دانشگاههای برکلی و استنفورد تحصیل کرد و فامیل هد را از شوهر اولش چارلز هد انتخاب برگزید. این بانوی طراح برای ۴۴۴ فیلم لباس

به کمپانی یونیورسال ترک کرد. بسیاری این کار را دوستی صمیمانه او با آلفرد هیچکاک می دانند. او در سال ۱۹۸۱ در سن ۸۳ سالگی در لس آنجلس فوت کرد. ادیت هد ۸ بار موفق به دریافت جایزه اسکار بهترین طراحی لباس شد.
♦ وارثه The Heiress - کارگردان: ویلیام وایلر ۱۹۵۰
♦ سامسون و دلیله Samson and Delilah

طراحی کرد و با اکثر هنرپیشگان هالیوود نیز دوست بود.
او به عنوان طراح از اواسط دهه ۲۰ میلادی کارش را در کمپانی پارامونت



KHOBSURAT

THREADING SALON

سالن آرایش و زیبایی خوب صورت

Full Service Salon

30 years of Experience. Serving Bay Area

بند ابرو ۱۰ دلار

♦ بند ابرو و صورت ♦ واکس ♦ آرایش عروس ♦ آرایش ♦ رنگ مو و های لایت ♦ حنا ♦ کوتاه کردن مو ♦ فیشال








♦ Threading ♦ Waxing ♦ Bridal ♦ Makeover ♦ Full Hair Service ♦ Facials ♦ Hair Color ♦ Henna...and much more!

All our facials are herbal & chemical FREE

www.khoobsuratsalon.com

(408)588-1215

3956 Rivermark Plaza
Santa Clara, CA 95054
Tues-Sat: 10am-8pm Sun. 10am-6pm
Closed Mondays

Serving in Two Locations

Now Hiring

Threaders, Cosmetologist,
Estheticians, Full Time &
Part Time Receptionist

(408)774-1214

1014 East El Camino Real
Sunnyvale, CA 94087
Mon- Sun: 11:am to 8:pm
Closed Mondays



اسب حضرت صاحب الزمان!

دود شد و بهوا پرید!! اصلا آقا! سنگول و سر حال و تر دماغ شدیم. حیف است که شما چنین کتابی را نخوانید. عمر تان فناست آقا!! احتمالا این کتاب را بخوانید. میدانید کدام کتاب را میگوییم؟

حلیه المتقین را آقا!! کتاب گرانقدری است؛ هزار مرتبه از شاهنامه فردوسی ارج و بهایش بیشتر است!! شاهنامه فردوسی سر و ته اش؛ داستان جنگ و بزن و بکش است آقا! اما این کتاب حلیه المتقین؛ داروی همه درد هاست آقا!! مخصوصا داروی همه درد های شیعیان مرتضی علی است آقا!!

ببخشید که حاشیه رفتیم. داشتیم داستان اسب خریدن مان را می گفتیم که یکپهو پریدیم توی عالم ناسوت... آقا! ما توی این عمر کوتاه مان؛ هزار جور گناه و معصیت کرده ایم. دروغ گفته ایم. کلک زده ایم. سر مردم شیره مالیده ایم. کلی از آن زهر ماری های ام الخیثائت خورده ایم. شب های تاسوعا و عاشورا؛ بجای آنکه برویم سینه بزیم و قمه بزیم و برای اسیری زینب و ناکامی قاسم گریه بکنیم؛ رفته ایم الواتی!!

خلاصه اینکه یک پرونده پر و پیمان برای خودمان ساخته ایم که اگر همین فردا پس فردا کپه مرگ مان را بگذاریم؛ نمیدانیم چطور باید جواب نکیر و منکر را بدهیم. میدانیم که کنده نیمسوز آتشین توی ما تحت ما خواهند چپاند.

میدانیم که از روی پل صراط؛ یگراست به قعر جهنم پرتاب مان خواهند کرد. میدانیم که قیر مذاب توی حلقوم مان خواهند ریخت!!

خیلی چیز های دیگر را هم میدانیم. اما تا همین امروز نمیدانستیم که چطوری میتوانیم از زیر بار اینهمه گناه صغیره و کبیره شانه خالی کنیم و سر حضرت باریتعالی کلاه بگذاریم.

حالا که کتاب مستطاب حلیه المتقین را که خوانده ایم فهمیده ایم که اگر یکدانه اسب بخریم و توی خانه مان نگهداریم تا بهنگام ظهور آقا امام زمان؛ در رکاب ایشان شمشیر بزیم و کفار را به درک

آقا! از خدا که پنهان نیست؛ از شما چه پنهان؛ ما توی تمام عمرمان سوار اسب نشده ایم!! اصلا نمیدانیم چرا از این حیوان زبان بسته می ترسیم. میگویند اسب حیوان نجیبی است؛ ما هم اقرار می کنیم که اسب حیوان نجیبی است؛ اما؛ بینی و بین الله؛ ما تا امروز سوار اسب نشده ایم و نمیدانیم اسب سواری چه لذتی دارد.

ما یک رفیقی داریم که توی مزرعه اش هفت هشت تا اسب دارد. گاهگداری به دیدنش میرویم. می بینیم دارد توی مزرعه اش اسب سواری میکند. خودش میگوید دارم اسبم را تعلیم میدهم. ما را که می بیند پیاده می شود و افسار اسبش را به دست ما میدهد و میگوید: بفرمایید!! سوار بشوید!!

ما افسار را بر میگردانیم و با لکنت زبان میگوییم: خیر قربان! ما اهل اینجور بی ناموسی ها نیستیم!! ما اگر چه توی عمرمان سوار هیچ اسبی و الاغی و مادایانی و قاطری نشده ایم؛ اما اگر خدا بخواهد همین امروز فردا می خواهیم یکدانه اسب بخریم!!

لا بد خواهید گفت اسب برای چه؟؟ شما که اهل اینجور بی ناموسی ها نیستید!! خدمت با سعادت تان عرض کنیم که ما امروز یک کمی ناخوش بودیم. نمیدانیم چه مرگ مان شده بود که تمام شب دک و دنده مان درد میکرد. تا صبح نتوانستیم بخوابیم. دور از جان شما سرما خورده بودیم.

صبح آمدیم سر کار مان و دیدیم نای راه رفتن نداریم. عینهو مرغ بال و پر شکسته شده بودیم. نشستیم گوشه ای و کتابی ور داشتیم و خودمان را مشغول کردیم.

آقا! جای تان خالی! کلی مشغوف شدیم! اصلا بیماری مان یادمان رفت. انگار نه انگار دیشب تا صبح؛ توی رختخواب مان مثل کنیز مرحوم حاج ملا باقر؛ نک و نال میکردیم و از درد بخودمان می پیچیده ایم!!

سه چهار صفحه از این کتاب را که خواندیم؛ همه امراض قدیم و جدید مان

جنازه فردوسی؛ به دروازه رزان؛ بیرون همی بردند. در آن حال مذکری (واعظی) بود در طبران؛ تعصب کرد و گفت: من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برند که او رافضی بود؛ و هر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند در نگرفت. درون دروازه باغی بود ملک فردوسی؛ او را در آن باغ دفن کردند. و چه خوش سروده است آن آواره یمگانی؛ ناصر خسرو قبادیانی که:

جز جفا با اهل دانش؛ این جهان را کار نیست
زانکه دانا را سوی نادان بسی مقدار نیست
زانکه دین را دام دارد بیشتر پرهیز کن
زانکه سوی او چو آمد صید را زنهار نیست
در باره حافظ هم گفته اند که وقتی حافظ در گذشت از دفن جنازه او در گورستان مسلمانان جلوگیری کردند چرا که میگفتند او ملحد است و به قیامت و معاد باور ندارد و در وصف شراب و معشوق شعر سروده است. سر انجام با پا در میانی ریش سپیدان؛ از دیوان او فالی گرفتند و غزلی جنازه حافظ را نجات داد.

یک بیت آن غزل چنین است:

قدم دریغ مدار از جنازه حافظ

که گرچه غرق گناه است می رود به بهشت

این امریکایی های لعنتی...!!

میگفت: روزی با عجله بطرف ایستگاه مترو میرفتم.

صدای زنی را از پشت سرم شنیدم که میگفت: صبر کنید آقا! بند کفش تان باز است؛ ممکن است زیر پای تان گیر کند و زمین بخورید.

بر گشتم و نگاهش کردم. زن جوان سیاه پوستی بود که آثار نگرانی در چهره مهربانش بچشم میخورد.

گفتم: میدانم خانم! کمر درد لعنتی نمیگذارم خم بشوم و بند کفشم را ببندم. میخوام به ایستگاه مترو برسم؛ روی صندلی بنشینم و آنرا ببندم.

خانم سیاه پوست بدون معطلی جلوی پای من نشست و بند کفشم را محکم بست.

در همین حال گفت:

– نه! من نمی توانم بگذارم که همینطور بروید. اگر خدای نکرده بند کفش تان

زیر پای تان گیر کند و زمین بخورید؛ من هرگز خودم را نخواهم بخشید...

* آنوقت ملاها شبانه روز در بوق و کرنا میدند که امریکایی ها آدمخوارند. واقعا چه جانورانی هستند این ملایان.

اسفل السافلین بفرستیم؛ روزی سه تا از گناهان کبیره مان بخشیده خواهد شد. گناهان صغیره اش را خودمان یک جوری – با من بیبریم تو بیبری – با حضرت باریتعالی کنار میآییم؛ اما گناهان کبیره شوخی بر دار نیست آقا!!

اگر ما میدانستیم داشتن یکدانه اسب توی خانه بار گناهان مان را اینجوری سبک میکند؛ سالها پیش سه چهار تا اسب می خریدیم و توی خانه مان نگهداشتیم تا طیب و ظایر و پاک و آمرزیده از دنیا برویم!!

حالا برای اینکه خیال نکنید ما داریم برای خودمان هذیان می بافیم و این حرفها را از خودمان در آورده ایم؛ عین فرمایشات عالم ربانی حضرت علامه مجلسی را از کتاب ارزشمند حلیه المتقین (صفحه ۲۷۶ – از انتشارات رشیدی؛ تهران؛ بازار بین الحرمین؛ کوچه مسجد جامع؛ تلفن ۵۲۷۶۸۷) برای تان نقل می کنیم تا اگر شما هم مثل خودمان پرونده تان سنگین است یکی دو تا اسب بخرید تا همه گناهان تان بخشوده بشود:

"...از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که: هر که اسب نگاهدارد و انتظار خروج ما اهل بیت بکشد و دشمن ما را به خشم آرد؛ حق تعالی روزی اش پیرساند و سینه اش را گشاده گرداند و آرزوهایش را بر آورد و یاور اوست بر حوائج..."

و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که: هر که اسب عربی داشته باشد؛ هر روز؛ سه گناه؛ از نامه عمل او محو شود... آقا! یادتان نرود؛ اگر نمی خواهید توی آن دنیا کنده نیمسوز آتشین توی ماتحت مبارک تان فرو بکنند همین امروز بروید یکدانه اسب عربی بخرید. یادتان باشد حتما اسب عربی بخرید ها! اسب پارسی و ترکمنی و نمیدانم قفقازی و ترکی و روسی در درگاه حضرت باریتعالی قبول نیست ها؟! خودمانیم ها! بنظر شما این جناب آقای علامه!! مجلسی مختصری مغز خر تناول نرفته بودند؟!

تو در نماز عشق چه فوائدی؟

اگر کتاب چهار مقاله عروضی را خوانده باشید؛ آنجا که از مرگ استاد طوس خواجه ابوالقاسم فردوسی سخن میگوید؛ چنین می نویسد:



بله- اگر شما از نوه های خود و یا بچه های فامیل بطور قانونی و دائمی سرپرستی می کنید، شما می توانید برای خودتان و بچه ها، تقاضای کمک مالی کنید. اگر واجد شرایط لازم برای دریافت کمک مالی باشید، این مزایا به شما تعلق خواهد گرفت. اگر فقط می خواهید برای بچه ها تقاضای کمک مالی کنید (و نه برای خودتان)، در این صورت برای اینکه ببینید که بچه واجد شرایط است دیگر شغل شما را در نظر نمی گیرند. همچنین در این صورت دیگر محدودیت زمانی هم برای چنین مزایایی وجود نخواهد داشت. برای اطلاعات بیشتر در مورد کمک مالی با دفتر امور اجتماعی (Social Service) محل خود تماس بگیرید.

آیا پدر بزرگ و مادر بزرگ قانوناً

حق ملاقات نوه ها را دارند؟

دوباره این مسئله بستگی به موقعیتهای مختلف اشخاص دارد. اگر یکی (یا هر دوی) والدین فوت شده باشند، برای مثال فامیل بچه ها از قبیل خاله، عمه، دایی، عمو و یا پدر بزرگ و مادر بزرگ بچه ها، در صورتی می توانند حق ملاقات و دید و بازدید با بچه را بگیرند که دادگاه به این نتیجه برسد که این حکم به نفع بچه ها خواهد بود.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

باشید که در مورد مدرسه و امور پزشکی بچه ها تصمیم گیری کنید.

پهلور می توان قیم شد؟

شما می توانید با ثبت تقاضای خود با دادگاه، از دادگاه درخواست کنید که می خواهید قیم نوه تان شوید. اگر نوه تان حداقل ۱۲ سال داشته باشد، درخواست می تواند از طرف شخص خودش باشد. بعد از ثبت تقاضا، دادگاه بصورت محرمانه این مورد را بررسی می کند و اگر به این نتیجه رسید که به نفع بچه است که با شما زندگی کند، حکم قیمی شما را صادر خواهد کرد. در صورتی که هریک از والدین به این مسئله اعتراض کنند، دادگاه اعتراض والدین را بررسی

می کند و اگر به این نتیجه رسید که در درخواست شما به ضرر بچه نخواهد بود و به نفعش می باشد که با شما زندگی کند، حکم درخواستی شما را صادر خواهد کرد. اگر



بعد از بررسی به این نتیجه برسد که اعتراض والدین به جاست و آنها درست می گویند، دادگاه درخواست قیم بودن را رد خواهد کرد.

آیا هیپوگنه کمک مالی برای نوه ها موهوبه است؟

حق قانونی نگهداری و سرپرستی
پدر بزرگها و مادر بزرگها از نوه هایشان

کاملیا ممدودی، وکیل رسمی
دادگاه های کالیفرنیا و فدرال
camelia@camelialaw.com



که قیم قانونی آنها شوید. چنین کاری باعث نمی شود که والدین بچه ها، حقوق پدری و مادری خود را از دست بدهند. با این کار شما قانوناً حق سرپرستی نوه ها را دریافت خواهید کرد. به این معنی که شما قانوناً این حق را خواهید داشت که در مورد امور نگهداری و مدرسه و آموزش نوه ها تصمیم گیری کنید.

در آمریکا حدود ۴/۵ میلیون فرزند در حال حاضر تحت سرپرستی پدر بزرگ و مادر بزرگهایشان زندگی می کنند. مسائل مختلفی مانند اعتیاد، فقر، خشونت در خانواده و دلایلی دیگر باعث این مسئله شده است که بچه ها بجای اینکه پیش پدر و مادرشان زندگی کنند، با پدر و مادر بزرگشان زندگی می کنند. اگر می خواهید از نوه هایتان سرپرستی کنید، اینکه فقط در خانه تان را به آنها باز کنید، از نظر قانونی کافی نیست. به عهده گرفتن مسئولیت بزرگ کردن نوه ها، شامل شرایط لازم و پیچیده قانونی است.

آیا بهتر است از طریق قانونی قیم نوه ها شد؟ این جواب بستگی به موقعیتهای مختلف اشخاص دارد:

۱- اگر فکر می کنید که نوه ها بصورت دائمی تحت سرپرستی شما خواهند بود و شما باید آنها را بزرگ کنید، بله، بهتر است

...Because *Image is Everything*

✓Service ✓Quality ✓Affordability

We offer a wide variety of Printing services. We also offer Layout Design.

✓Brochures ✓Flyers ✓Posters ✓Banners ✓Business Cards

طراحی و چاپ

♦ کارت ویزیت ♦ بروشور ♦ پوستر ♦ کارت پستال
♦ کاتالوگ ♦ فولدرهای تبلیغاتی ♦ پرچم تبلیغاتی

If you would like a free quote please call or e-mail us

(408)221-8624

LessCostPrinting@yahoo.com

خون یا مایع نخاع تأیید کنند.
درمان: بیشتر بیماران با مصرف یک یا چند دوره آنتی بیوتیک مخصوص درمان می شوند و هرچه درمان سریع تر شروع شود نتیجه بخش تر است در موارد عادی آنتی بیوتیک های خوراکی داده می شود و در مواردی که بیماری پیشرفت کرده باشد از آنتی بیوتیک های تزریقی استفاده می شود تا سریع عمل کند. داروهای ضدالتهاب نیز جهت تورم و درد مفاصل به بیمار داده می شود. این بیماری پس از درمان ممکن است دوباره ظاهر شده و برگردد.

ملاحظات

- ۱- در محل هایی که Ticks زندگی می کنند نظیر علف های خشک و بوته های زمینی بخصوص در ماههای تابستان که آنها پراکنده هستند نروید.
 - ۲- در صورتیکه از این محل ها عبور می کنید از پیراهن های با آستین بلند، شلوار بلند، جوراب های بلند و کفش های غیرباز استفاده کنید (Hiking shoes).
 - ۳- پائین شلوار خود را بداخل چکمه ها یا کفش های خود محکم کنید.
 - ۴- هرگونه تماس خارج با بدن خود را پوشانید و لباس های رنگ روشن بپوشید که Ticksها بخوبی دیده شوند.
 - ۵- در هنگام Hiking در مرکز جاده یا Trail حرکت کنید و از حرکت در علف های بلند خودداری کنید.
 - ۶- پس از ورزش و Hiking لباس های خود را بداخل منزل نبرید و شستشو دهید.
 - ۷- در صورتیکه Ticks روی پوست خود مشاهده کردید بوسیله Tweezers آنها را از پوست خود جدا کرده و از کرم های آنتی بیوتیک استفاده کنید.
 - ۸- بدن و پوست حیوانات نظیر سگ را بدقت مورد بررسی و آزمایش قرار دهید. در صورتیکه این حیوانات آلوده شوند آن را به انسان منتقل می کنند.
- در مواردی دیده شده است که افراد سالهای طولانی پس از آلوده شدن به بیماری لایم دچار ناراحتی قلبی و عدم ریتم منظم قلب شده اند و این بدلیل عدم درمان کافی در مراحل اولیه این بیماری عفونی بوده است. در هر صورت هرگونه Rash پوستی قرمز و دایره مانند و هرگونه دردهای مفصلی پس از آن را فوراً به پزشک خود گزارش کرده تا بیماری لایم مورد آزمایش و بررسی قرار گیرد و سریعاً درمان شود.

خون شده، تدریجاً تکثیر کرده و سموم خود را وارد خون می کند. در عین حال این یک بیماری واگیردار نیست.
علائم بیماری: همانطور که در بالا گفته شد یک Rash قرمز رنگ بفرم یک دایره اولین علامت آن است که تدریجاً بزرگ شده و گاهی قسمت اعظم پوست را فرا می گیرد که به تمام نقاط پوست بدن سرایت می کند. پس از ظهور Rash قرمز رنگ تدریجاً تب، سردرد، محکم شدن عضلات گردن Neck Stiffness و درد در تمام بدن همراه با خستگی مفرط شروع می شود. علائم لایم شبیه آنفلونزا می باشد ولی به سادگی از بین نمی رود و گاهی مجدداً ظهور می کنند.

درد مفاصل و روماتیسم معمولاً پس از چندماه در فرد ظاهر می شوند و بیماری که سریعاً بوسیله آنتی بیوتیک درمان نشوند دچار حملات متعدد دردهای استخوانی مفاصل و تورم مفاصل می شوند. بیشتر مفاصل زانو تحت تاثیر قرار می گیرند و حدود ۲۰ درصد بیماران در صورت عدم درمان تا آخر عمر به آن مبتلا خواهند بود.

این بیماری به اعصاب نیز سرایت کرده باعث سردرد شدید، فلج شدن موقتی عضلات صورت، بی حس شدن دست و پا و عدم هماهنگی دست و پا می شوند. علائم دیگر نظیر از دست دادن حافظه، مشکل تمرکز کردن و تغییر در خلق خوی فرد همراه با بی خوابی با این بیماری همراه هستند. این ناراحتی های عصبی چندسال طول می کشد که ظاهر شوند.

همین طور کمتر از ۱۰ درصد این بیماری، مبتلا به ناراحتی قلبی و عدم ریتم منظم قلب، تنگی نفس و سرگیجه نیز می شوند که پس از درمان تدریجاً از بین می روند. لازم بیادآوری است که حدود ۲۰ درصد بیماران Rash قرمز روی پوست را نشان نمی دهند که این حالت تشخیص بیماری را بسیار مشکل می کند. در بسیاری موارد افراد احساس نمی کنند که بوسیله حشره Ticks نیش زده شده اند چون Ticks بسیار کوچک می باشد و نیش آن دردناک نیست. بهمین دلیل پس از ظهور Rash با آزمایش خون می توان به آلودگی فرد پی برد. در موارد پیشرفته نیز از مایع نخاع نمونه برداری می کنند تا علائم عصبی آن را مورد تأیید قرار دهند و آن را از طریق جستجوی Antibody علیه بیماری لایم در



بیماری لایم Lyme Disease

آلوده هستند و بطور کلی و متوسط در سرتاسر آمریکا حدود ۱ درصد آنها دچار Ticks می باشند. این حشرات روی پوست آنها زندگی کرده و تغذیه می کنند و به زندگی خود ادامه می دهند پس از تماس انسان با آنها یا محیط اطراف آنها، Ticks به انسان و حیوانات اهلی منتقل شده و پس از دو روز تماس با پوست انسان و تغذیه از پوست بیماری عفونی یا میکروبی را به انسان منتقل می کنند.

پس از آلوده شدن یک Rash قرمز رنگ بفرم دایره مانند روی پوست انسان ظاهر می شود که به آن EM-Rash می گویند که اولین علامت این بیماری می باشد. در مرکز این دایره که قرمز می باشد از زیر پوست حشره Ticks مخفی شده است. محیط این Rash تدریجاً بزرگتر می شود. باکتری پس از ورود به بدن انسان وارد

بیماری لایم یک بیماری عفونی است که بوسیله حشرات کوچکی بنام Ticks که در بیشتر آهوهای مهاجر دیده می شود ایجاد می شود. در صورتیکه این بیماری سریعاً درمان نشود، ایجاد نوعی Arthritis و بیماری های عصبی می کند که تدریجاً انسان را از پای در می آورد.

در سال ۱۹۷۰، تعدادی کودک در شهر لایم در ایالت Connecticut و اطراف آن دچار دردهای مفصلی و تورم دردناک شدند. متخصصین در آن زمان، این حالت را ناشی از یک بیماری عفونی تشخیص دادند که آن را بیماری لایم نامگذاری کردند و اعلام کردند که بوسیله یک نوع باکتری بنام اختصار BB ایجاد می شود. تعداد آهوهای که با Ticks آلوده هستند از منطقه تا منطقه دیگر متفاوت می باشند. در بعضی از مناطق تا بیش از ۵۰ درصد آنها

کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
 با دانش و تجربه در امور ورشکستگی،
 امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی
 ♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)663-6286

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054



چند توصیه برای داشتن موهای سالم و پوست شفاف

محصولاتی که ویتامین آ دارند استفاده



کنید زیرا از ایجاد منافذهای پوستی جلوگیری می‌کند. اما پزشکان استفاده از آن را هشدار داده اند زیرا که قرمزی جوش‌ها را تشدید می‌کند.

بنابراین از مصرف بیش از حد آن جلوگیری کنید. دنباله مطلب در صفحه ۴۹

میدهند، ولی در بعضی مواقع محدودیت سنی یا دندانی دارند. برای دستیابی به مخارج دقیق با شرکت بیمه خود در مورد پوشش تماس بگیرید و با دندان پزشک متخصص کودکان صحبت کنید.

سیلنت فقط بخشی از برنامه محافظت طولانی مدت کودک شما در برابر پوسیدگی دندان هست، فراموش نکنید که مسواک زدن، نخ کشیدن، تغذیه سالم و ویزیت مرتب با دندان پزشک، لازمه‌های لبخند سالم هستند!

دو بار شستشوی صورت در روز چربی‌های پوست را از بین می‌برد. اگر پوستتان خشک است، از دستمال‌های مرطوب حاوی ویتامین ای استفاده کنید و صبحها به صورتتان بزینید.

ممکن است که وسوسه شوید از دستمال مرطوب استفاده نکنید اما حتی پوستهای چرب هم به مقداری آب نیاز دارند. از لوسیون‌هایی که چرب نیستند استفاده کنید. تنها زمانی می‌توانید دستمال مرطوب را از قلم ببندازید که هوا گرم باشد، به جای آن از دستمال تمیز استفاده کنید.

برای جلوگیری از جوش و آکنه از

استفاده از سیلنت سریع و برای کودک راحت است: دندان اول تمیز میشود، سپس سیلنت را به صورت خمیر وارد شیارها و چالهای دندان می‌کنند، و با استفاده از نور مخصوص خمیر را سخت می‌کنند. کودک شما میتواند درست بعد از ویزیت قادر به خوردن غذا باشد.

سیلنت یک حافظ بارزش در مقابل پوسیدگی برای کودک شما است و مخارج آن از پر کردن کمتر است. اغلب بیمه‌های دندان سیلنت را پوشش



باکتریها و پلاک جلوگیری می‌کنند و ریسک را پایین تر می‌آورند.

معمولاً جریان بزاق دهان سطح صاف دندانها را تمیز میکند ولی نمیتواند شیارها و چالها را پاک کند. دندانهایی که در معرض بیشترین ریسک هستند، مولرهای شش و دوازده سالگی هستند. با این حال، هر دندان پر شیار به مانند مولر کودکی میتواند از سیلنت استفاده کند. با دندان پزشک متخصص اطفال مشورت کنید، چونکه وضعیت هر کودک منحصر به فرد است.

اگر از سیلنتها به طور درست مراقبت شود، میتوانند برای مدتی طولانی باقی بمانند. طول عمر سیلنت میتواند حتی بیشتر باشد اگر کودک بهداشت عمومی دهان را رعایت کند و از گاز زدن اشیاء سخت خودداری کند. به هنگام ویزیت و چک آپ معمولی، دندان پزشک متخصص اطفال، سیلنتها را چک میکند، اگر لازم باشد آنها را ترمیم میکند.

بر اساس آکادمی دندان پزشکان اطفال آمریکا، پوسیدگی دندان هنوز هم شایع‌ترین بیماری مزمن در میان اطفال آمریکایی میباشد. جلوگیری از پوسیدگی دندان کودکان بهترین راه برای تامین سلامتی دهان آنها در آینده میباشد. پوسیدگی دندانها در دوران کودکی ناراحتیها و مخارجی سنگین در طول عمر خواهد داشت. یکی از راحت‌ترین راههای جلوگیری از پوسیدگی دندانها در اطفال استفاده از سیلنت است.

سیلنت دندان پلاستیک‌های نازک شفاف یا کدر هستند که به شیارها و چالهای دندانها برای جلوگیری از پوسیدگی اعمال میشود.

حتی با مسواک و نخ کشیدن دقیق، امکان این نیست که شیارها و چالهای بعضی از دندانها را تمیز کرد، جمع شدن غذا و باکتریها، کودک شما را در معرض ریسک قرار میدهد. سیلنتها به عنوان یک مانع عمل می‌کنند، از جمع شدن

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on
Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at
www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

چند توصیه برای روش تمیز کردن منزل

سعی کنید از کمک سایر افراد منزل هم برای تمیز کردن استفاده کنید. به این توصیه ها دقت کنید به اتمتال زیاد در تمیز کردن منزل از آنها استفاده خواهید کرد:

- همواره از قسمت بالای منزل یا اتاق شروع به تمیز کردن بکنید. (منظور از بالا دورترین نقطه نسبت به درب ورودی اتاق یا منزل می باشد)
- هرگز تمیز کردن را نیمه کاره رها نکنید و تا پایین اتاق آنرا ادامه دهید.
- تمام لوازمی را که برای تمیز کردن نیاز دارید همراه خود به اتاق مورد نظر ببرید تا

است و بهترین نور برای آن نوری است که در فاصله ی حدود ۳ متر از پنجره ای که جلوی آن پرده کشیده شده می باشد. بامبو با شرایط آب و هوایی ثابت، سازگار است. از این رو از نگهداری بامبو مقابل باد کولر، نزدیک بخاری یا شومینه و یا جلو دری که بعضی اوقات نسیمی از لای آن می وزد خود داری کنید و همچنین از جا به جا کردن آن بپرهیزید، چرا که این گیاه بعد از مدتی به مکانی که در آن قرار دارد عادت می کند و جا به جایی ممکن است ضربه ی جبران ناپذیری به گیاه وارد کند و باعث زرد شدن برگ های آن شود.

کود: برای بامبو مانند هر گیاه دیگری عناصر مورد نیازش را میتوان از طریق کودهای کامل فراهم کرد. کودهایی که عناصر پر مصرف و کم مصرف را داشته باشند و به صورت ماهانه در آب گلدان بامبو حل میشود. (قطره های اختصاصی برای بامبو هم در واقع همین کودهای شیمیایی کامل هستند و هیچ مارک یا برند خاصی بر دیگری ارجحیت بسیار زیادی نمیتواند داشته باشد.) برای

ستاره شناسی بر اساس علم قدیم چینی

پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی در فنگ شویی و ستاره شناسی

در مورد سرمایه، شانس، اقبال، عشق، دوستی، سلامتی، حرفه، خانواده، مکان زندگی و ... آگاه شوید

Parinaz Kadkhodayan
Feng Shui & Astrology Certified Consultant

www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com

(۶۵۰)۷۰۴-۵۶۸۷

انرژی مثبت

زندگی سالم و شاد

پاریناز کدخدایان

مشاور با گواهینامه رسمی در فنگ شویی و ستاره شناسی

Parinaz@FengShuiAndLiving.com

Feng Shui & Astrology Certified Consultant



آب: بهتر است آب بامبو را هر دو هفته یا حداکثر یک ماه عوض کرد. آب استفاده شده باید آب سبک بوده و فلوراید آب کم باشد، در واقع بهتر است از آبهای معدنی بطری شده یا از آبهای دستگامهای تصفیه آب خانگی یا از چشمه های طبیعی که میدانیم آبشان سبک است استفاده کرد. همچنین کلر زیاد در آب برای بامبو مشکل ایجاد میکند بنابراین آب را چند ساعت قبل از مصرف در هوای آزاد قرار دهید.

دما: دمای آب بهتر است بالاتر از ۱۵ درجه سانتیگراد حفظ شود و این گیاه به خوبی در دمای معمولی خانه ها از بهار تا زمستان هماهنگی پیدا میکند.

نگهداری بامبو در آب: در روش نگهداری بامبو در آب نباید تمام ساقه را در آب قرارداد، بلکه باید فقط ۳ تا ۵ بند پایین آن در آب باشد. اگر تمام ساقه داخل آب قرار گیرد، ریشه تمام سطح ساقه را می پوشاند و این از زیبایی گیاه می کاهد.

خاک ژله ای: به منظور نگهداری گیاه بامبو در خاک ژله ای ابتدا باید بامبو را در آب قرار داد تا ریشه کند. حدودا دو ماه و نیم پس از آنکه بامبو به ریشه نشست می توان آن را داخل خاک های ژله ای قرار داد. در زمان هایی که قصد تعویض یا شارژ خاک ژله ای را داشتید، بامبو را داخل آب نگهداری کنید. لازم به ذکر است در این روش نگهداری، املاح مورد نیاز بامبو از طریق خاک ژله ای تامین می شد.

کاشت بامبو در خاک: گیاه بامبو فقط در خاک های مخصوص می تواند به زندگی ادامه دهد. از خصوصیات این نوع خاک ها، قابلیت نگهداری آب به مدت طولانی را می توان نام برد. رشد بامبو در این خاک ها افزایش می یابد. بامبو، گیاهی است که در رطوبت ۷۰ درصد در جنوب شرقی آسیا رشد می کند، اما با دمای معمولی داخل اتاق نیز سازگاری دارد، البته اگر قصد رسیدگی بیشتر و بهتر از این گیاه را دارید می توانید در زمان های مختلف، برگ های گیاه را با آب پاش مرطوب کنید.

نورگیری: گیاه بامبو نیاز به نور مستقیم خورشید ندارد. این گیاه کاملا آپارتمانی

نگهداری از ماهی همراه با بامبو در تنگ امکان پذیر و آسان هست. به یاد داشته باشید که بهترین وضعیت برای نگهداری بامبو در تنگ یا آکواریوم این است که ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر از آن در آب باشد طوری که برگهای بامبو و تنه اصلی خارج از آب بماند، در غیر این صورت طی مدتی باعث پوسیدگی و خرابی بامبو خواهد شد. بامبو



در تنگ ماهی همانند یک فیلتر عمل می کند و نیترات آن را جذب می کند و باعث می شود که دفعات تعویض آب کاهش یابد. پیشنهاد من در مورد ماهی مطلوب و سازگار "ماهی فایتر" می باشد که در ادامه مطلب توضیحات آن را مشاهده خواهید کرد.

نگهداری از بامبو

نگهداری: گونه های مختلفی از دراسیناها (بامبوی خوش یمن) در خانه ها نگهداری میشوند و بسیار مقاوم از خودشان نشان میدهند. امروزه بامبوها به دلیل سادگی نگهداری و زیبایی نسبی بسیار پرطرفدار هستند. علاوه بر اینها از آنجا که در فرهنگ فنگ شویی معتقدند که این گیاه شانس بر ارمغان می آورد بسیار مورد استقبال قرار گرفته اند.

نور: روی هم رفته نور غیر مستقیم برای این گیاهان بهتر است چرا که در نور مستقیم برگها دچار سوختگی شده و زرد میشوند.

خاک: این گیاه توانایی زندگی در خاک را دارد ولی رایج شده است که در آب نگهداری و فروخته میشود و خود گیاه هم مشکلی با این مساله ندارد و به خوبی در آب زندگی میکند.

و با نگاه در چشمان گوینده و بدون قطع کردن حرفهایش با لحن آرام، توجه و تمرکز کنیم. حتماً با گوش سوم هم گوش کنیم که دریچه های قلبمان را باز کرده و به احساسات و پیام های گوینده که در پس کلمات نهفته است توجه کنیم. تقاضا کنیم که مستقیم و شفاف بگوییم و بشنویم و در لفافه صحبت نکنیم. از گوش دادن تدافعی اجتناب کنیم.

مهمترین توصیه من: نیازهای روحی عشقی و احساسات سکسی خود و فرد مورد نظر را سرپوش نگذاشته و از ۵ حس یکدیگر برای نزدیکی بهم استفاده کنیم.

۱- حس بینایی برای نگاه های مهربانه و عاشقانه و چشم در چشم.

۲- حس شنوایی برای حرفهای مثبت و زیبا و تعریف از خوبی های هم و یادآوری لحظات زیبا و حرفهای پر شور و پر حرارت و محرک احساسی.

۳- حس لامسه برای لمس همدیگر به نوع زیبا و پرشور (Touching) در نوع و حالات مختلف چه از یک آغوش و Hug و یا نوازش در مواقع عشق ورزی

۴- حس بویایی که ثابت شده در عمیق ترین لایه های مغز جا دارد. حس بویایی میل زن و مرد را ترغیب می کند و باعث عادت و لذت می شود. بوی خوش بدن شما برای همسر و یا زوجتان و بوی او برای شما، بوی خوش عشق و محبت است و به احساس گرم و حتی ترشح هورمون ها کمک می کند. در شعرها و ادبیات از بوی نفس تو، بوی خوش عشق صحبت ها شده. حس چشایی برای بوسیدن و خوردن غذاهای پرنرژری ساز و مفید و آرامش بخش که بتوانیم بدنی سالم با هورمون های سالم که لازمه رابطه عشقی و عاطفی سالم است داشته باشیم.

۵- نصیحت کردن و نگاه عاقل اندر سفیه داشتن و درس دادن به خاطر ادعای بهتر فهمیدن و برخ کشیدن تحصیلات و سواد تبدیل به تحقیر و Put down می شود که حالتی دفاعی و فاصله را بوجود می آورد. یادمان باشد که ما به رل مادریا پدر و یا برادر در رابطه عاطفی احتیاج نداریم و باید نقش عشق و معشوق و هم یار را داشته باشیم. بی تفاوتی و یا تمسخر و یا مسخره بازی و بی توجهی باعث سردی می شود. هرگز نباید ارتباط روحی و جسمی را مانند بوسه و یا لمس کردن را قطع کنیم و با قهر و سرپوشی روی مسائل به طرف مقابل احساس بی اهمیت بودن بدهیم. اگر حوصله صحبت و یا بحث نداریم می توانیم بگوییم چون هر دو عصبانی هستیم و یا روز سختی داشتیم فردا در وقت بخصوص باهم صحبت می کنیم و حرفهایمان را می زنیم. بیاد هستم ولی مثلاً الان انرژی و یا موقعیت روبرویی با این مسئله را ندارم. شنونده ای فعال (Attentive Listener)

می باشد. اکثر زنها در رابطه رمانتیک، پراحساس تر، خلاق تر، پرنرژری تر و قادرتر از آقایان هستند. زن باید بتواند به مرد خود احساس مثبت و پر اعتماد و غرور بدهد که اثرهای مثبت آن به خود او برگردد. دشمن های یک رابطه زیبا و سالم که باعث سردی و کم رنگی رابطه می شود عبارتند از:

۱- اسم گذاشتن روی طرف مورد نظر مانند: دروغگو، بی لیاقت، احمق... ضعیف

۲- تعمیم دادن یک رفتار به عنوان تو همیشه، هیچوقت، هرگز. تو هیچوقت مرا درک نکردی... ۳- قضاوت کردن و مقصر کردن یک نفر همیشه در مورد اختلافات (Blame) که باعث حالت دفاعی و سنگر گرفتن می شود.

۴- داد و بیداد و رفتارهای تهاجمی.

۵- نصیحت کردن و نگاه عاقل اندر سفیه داشتن و درس دادن به خاطر ادعای بهتر فهمیدن و برخ کشیدن تحصیلات و سواد تبدیل به تحقیر و Put down می شود که حالتی دفاعی و فاصله را بوجود می آورد. یادمان باشد که ما به رل مادریا پدر و یا برادر در رابطه عاطفی احتیاج نداریم و باید نقش عشق و معشوق و هم یار را داشته باشیم. بی تفاوتی و یا تمسخر و یا مسخره بازی و بی توجهی باعث سردی می شود. هرگز نباید ارتباط روحی و جسمی را مانند بوسه و یا لمس کردن را قطع کنیم و با قهر و سرپوشی روی مسائل به طرف مقابل احساس بی اهمیت بودن بدهیم. اگر حوصله صحبت و یا بحث نداریم می توانیم بگوییم چون هر دو عصبانی هستیم و یا روز سختی داشتیم فردا در وقت بخصوص باهم صحبت می کنیم و حرفهایمان را می زنیم. بیاد هستم ولی مثلاً الان انرژی و یا موقعیت روبرویی با این مسئله را ندارم. شنونده ای فعال (Attentive Listener)

هیچوقت دیر نیست!

آتوسا یکان
مشاور و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach
atoosa30@yahoo.com



را حل نمایند. ارتباط درست (Effective Communication) بین افراد، چه بین زوج ها و چه دوستان و یا در محیط کار و اجتماع مهمترین عامل پیشرفت و موفقیت و شادکامی ست. ارتباط خوب ارتباطی قوی و شفاف با رفتار و کلمات و حالات و زبان بدنی است. (Body language). در واقع احساسمان، آهنگ صدایمان، حالت چهره و ژست و راه رفتن و نشستن، اعتماد به نفس و صداقت ما مفهوم درست و پیام صلح آمیز و سازنده را منتقل کند. زن در رابطه عاطفی با مرد، از آغاز آفرینش نقش یک موجود لطیف با روحی زیبا، طنز و لوند و پراحساس، عشق دهنده و عشق گیرنده داشته. همیشه زن، مسئول آرامش، زیبایی و طراوت و نگهداری خانواده و ایجاد کانون گرم و پرمهر بوده است. هنوز هم که هنوز است، زن، زن است و مرد، مرد است. این دو از نظر بیولوژی و احساسی متفاوت هستند و نقش های متفاوتی در رابطه دارند. اگر خانمی حتی درآمد بیشتری از مرد را دارد و یا موفقیت اجتماعی بالاتر، هنوز باید نقش ماده لطیف و دلبری لوند را در چهارچوب خلوت رابطه ایفا کند.

همانطور که ما به جلوه های مردانه و خواص مردانه آقایان جذب و جلب می شویم، آنها هم به جلوه های زنانه و حرکات و رفتار نرم و زنانه ما جذب می شوند (Feminity, Muscularity). زن باهوش، معتمد به نفس و قوی هنوز لطافت ها و جلوه های لوند و زنانه خود را فراموش نمی کند. اگر بخصوص طالب رابطه رمانتیک عشقی و سکسی می باشد. برای ایجاد رابطه خوب و یا حفظ و نگهداری آن که هر دوطرف تمام عشق کافی روحی و جسمی را از هم بگیرند و بطور نسبی خوشبخت باشند قوانین و راه کارهایی وجود دارد که به آنها کمک می کند که در لحظه ها حضور و هر دو رابطه را به طرز زیبا اداره کنند. باید بگوییم که بنا به تجارب و پژوهش های انجام شده در اکثر موارد، کیفیت و گرمی رابطه به دست زنان بیشتر از مردان است. زن عشق آفرین، شور و هیجان آفرین در رابطه

با سلامی به گرمی آفتاب و صمیمیت آبی دریاها، مقاله این ماه را به دنباله آموختن و بررسی یک زندگی نسبی شاد اختصاص می دهم. هنر زندگی کردن یادگرفتن خوب زیستن و شاد بودن است. در مقاله های پیشین، از خودشناسی و خودسازی، ارتباط با حقیقت درون و رابطه نزدیک ما با حقیقت وجودمان، خوشحالی و خوشبختی درونی و مفهوم آن، رابطه ها و موفقیت در آن، انتخاب زوج و خوشحالی های زندگی نوشتیم. در دومه اخیر از رابطه رمانتیک و مشکل خیانت در رابطه از دیدگاه من به عنوان یک پژوهشگر و مشاور زندگی (Life Coach) مطالب زیادی نوشتیم که بعضی از شما خواستار ادامه آن شده اید. خلاصه می کنم که رابطه پنهانی و اضافه و یا خیانت یک کار غیراخلاقی و همانند یک مسکن موقت و بی خاصیت در رابطه ست که آسیب های زیاد و گاهی غیرقابل جبران که باعث تحلیل عزت و حرمت نفس می باشد وارد می کند. ولی باز هم تاکید می کنم که مانند هر اشتباه و هر کار مخرب دیگر باید ریشه یابی شده و به علت های آن پی برده و درمان شود.

برای رابطه خوب و شفاف که هیچ شکاف و خلأیی در آن بوجود نیاید و باعث بروز چنین اشتباهاتی نشود هر دو طرف مسئول هستند. مسئولیت هر اشتباه و خطا، مسئولیت هر دو نفر رابطه می باشد و هر دو مقصر هستند که زنگهای خطر و یا سردی و ضعف ها را نادیده گرفته و یا انکار می کنند. دو نفر در یک رابطه باید با میل و حرارت دو جانبه حضور ذهنی، روحی و فیزیکی داشته باشند. فقط در ظاهر برای بقای رابطه به علت های مختلف مالی و اجتماعی و خانوادگی و یا عادات نمانند. بلکه حضور روحی و جسمی هم داشته باشند. برای داشتن یک رابطه محکم و ناگسستگی که فضایی برای یک نفر سوم ندارد، به عقیده شخصی من و بنا به تجارب و پژوهش های من اولین اصل لازم یک ارتباط خوب و قوی روحی و جسمی است. ارتباطی مخلوط از عشق و احترام و رابطه جنسی بین یک زوج که با تکیه و اطمینان و دل گرمی پشتوانه هم مسائل



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی
Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com

- ♦ رسیدن به شادی و رضایت خاطر نسبی
- ♦ تصمیم گیری های درست و هدف یابی
- ♦ روابط، حل اختلافات و تضادهای فرهنگی
- ♦ خودشناسی، اعتماد و حرمت نفسی
- ♦ صحبت های مثبت با تین ایچرها
- ♦ به دست آوردن نشاط و شادی درونی

۹۷۰۰-۲۹۷ (۹۲۵)



راز آرامش درون چیست ؟

✦ خوردید و نفس عمیق بکشید.
 ✦ راز آرامش درون در داشتن وجدانی پاک است.
 ✦ راز آرامش درون در رفتار آزادانه است، رفتاری که بر آمده از خود واقعی ات باشد، نه افکار دیگران.
 ✦ راز آرامش درون در این است که در تمام مراحل زندگی از حق پیروی کنید.
 ✦ راز آرامش درون در غبطه نخوردن به مال دیگران است، این را بدانید که آنچه حق شمامست، هر طور شده خود را به شما خواهد رساند.
 ✦ راز آرامش درون در گله مند نبودن است، آنچه دنیا به شما می بخشد، در مقابل چیزی است که پیش تر، شما به او بخشیده اید.
 ✦ راز آرامش درون در این است که اشتباهات خود را بپذیرید و بدانید که فقط خود شما می توانید آنها را به موفقیت تبدیل کنید.
 ✦ راز آرامش درون در این است که بر دشمن درونتان غلبه کنید، نه اینکه او را سرکوب کنید.
 ✦ راز آرامش درون در تمرین اراده است، حتی اگر ذهنتان به شدت با آن مخالف باشد.
 ✦ راز آرامش درون در این است که دلتان همیشه شاد باشد، حتی هنگامی که دیگران عبوس هستند.
 ✦ راز آرامش درون در این است که به جای توقع خوشحالی از دیگران، خودتان آنها را خوشحال کنید.
 ✦ راز آرامش درون در این است که خیر و سلامت دیگران را خیر و سلامت خود بدانید.
 ✦ راز آرامش درون در بی آزار بودن است، هرگز کسی را نرنجانید.
 ✦ راز آرامش درون، کار کردن در کنار دیگران است، نه در مقابل آنها.

چند صدف و گوش ماهی به همراه ستاره دریایی و بطری شناور روی آب همگی نماینده و یادگاری از ساحل و دریا هستند و زمانی که در دکوراسیون به نمایش در میآیند با قدرت، حال و هوای ساحل و دریا را تدایی میکنند. بنابراین برای تکمیل هر چه بیشتر سبک ساحلی خانه خود، فضایی کوچک را برای کلکسیون این اشیاء اختصاص دهید. با آرزوی روزگاری به زیبایی وسعت دریا برای شما خوانندگان عزیز.



سبک ساحلی

با سلام خدمت تمامی خوانندگان مجله پژواک. قصد دارم که در این شماره به دکوراسیون داخلی منزل در سبک ساحلی بپردازم. سبک ساحلی یکی از محبوبترین سبکهای دکوراسیون داخلی بخصوص در مناطق نزدیک به دریا میباشد. سبک ساحلی تدایی کننده سبکی و آرامش دریا، آسمان و شنهای ساحلی میباشد به همین منظور آرامش و ملائمت در اجزای دکوری مهمترین نقش را به عهده دارد. مهمترین عناصر در سبک ساحلی بر این قرار میباشد:

فضای باز و فلوئت

مانند یک ساحل واقعی که جولانگاه ورزش باد و نسیم ملایم میباشد، مکانی با دکوراسیون سبک ساحلی نیز باید خلوت و دلپاز باشد و احساس سبکی را القا کند. به همین منظور بهتر است هزینه ی را که میخواهید صرف خرید مبلمان گران قیمت کنید، صرف بازسازی فضای داخلی، برداشتن تیغه ها و دیوارهای اضافه کنید. به این ترتیب موجب خلق محیطی پازمیشوید و اجازه میدهید تا نور و هوای آزاد در همه جا جریان پیدا کند.



نور یا روشنایی

نور فراوان یکی دیگر از خصوصیات این سبک میباشد. سبک ساحلی بدون نور و روشنایی فراوان معنایی ندارد. به همین دلیل رنگ سفید با قابلیت بالای بازتاب نور، یکی از اصلیتترین رنگهای سبک ساحلی محسوب میشود. نورهای مصنوعی نمیتوانند جای نور طبیعی را بگیرند لذا باز کردن مسیر ورودی نورهای طبیعی از اهمیت بالایی برخوردار است. تبدیل درهای بسته به درهای شیشه ای، آویختن پردهای سبک و لطیف، نصب آینه های بزرگ روبروی یک پنجره نورگیر، راهکارهایی در این امر میباشد.

وسایل و مبلمان
 در انتخاب وسایل و مبلمان سبک ساحلی،

اند، در حین رسمی نبودن بسیار شیک و مدرن میباشد. انتخاب الیاف طبیعی و ارگانیک مانند پوست برخی از درختان، کف، همچنین بافتهای حصیری در قالب مبلمان و قالیچه نیز به تعریف این سبک کمک زیادی میکند.

بهرتر است پارچه های ساده و روشن انتخاب کنید تا احساس سبک بالی را در فضا بوجود آورد. برای اتاق خوابها، ملحفه و رو بالشی های پنبه ای سفید و یا رنگ های روشن و یا پاستیل بسیار ملایم با طرحهای صدف و مرجان، گزینه مناسبی میباشد. همانطور که در بالا به اهمیت رنگ سفید اشاره کردیم، این رنگ به دلیل درخشش و روشنی، یکی از رنگهای مناسب این سبک

لیک چون در رنگ گم شد هوش تو
شد ز نور آن رنگها رو پوش تو
چونکه شب آن رنگها مستور بود
پس بدیدی دید رنگ از نور بود
نیست دید رنگ بی نور برون
همچنین رنگ خیال اندرون
این برون از آفتاب و از سهاست
و آن درون از عکس انوار علاست
نور نور چشم خود نور دل است
نور چشم از نور دلها حاصل است
شب نبد نور و ندیدی رنگ را
پس به ضد، آن نور پیدا شد ترا
شب ندیدی رنگ کان بی نور بود
رنگ چه بود؟ مهره کور و کبود
گه نظر بر نور بود آنگه به رنگ
ضد به ضد پیدا شود چون بوم و رنگ
دیدن نور است آنگه نور رنگ
وین به ضد نور دانی بیدرنگ
پس به ضد نور دانستی تو نور
ضد ضد را می نماید در صدور
رنج و غم را حق بی آن آفرید
تا بدین ضد خوشدلی آید پدید
پس نهانیها بضد پیدا شود
چونکه حق را نیست ضد پنهان شود
نور حق را نیست ضدی در وجود
تا به ضد او را توان پیدا نمود
لاجرم ابصارنا لاتدرکه
و هویدرک بین تو از موسی و که
صورت از معنی چو شیر از بیشه دان
یا چو آواز سخن اندیشه دان
این سخن و آواز از اندیشه خاست
تو ندانی بحر اندیشه کجاست؟
لیک چون موج سخن دیدی لطیف
بحر آن دانی که هم باشد شریف
چون ز دانش موج اندیشه بتناخت
از سخن و آواز او صورت بساخت
از سخن صورت بزاد و باز برد
موج خود را باز اندر بحر برد
صورت از بی صورتی آمد برون
باز شد کانا الهه راجعون
در ایبات بالا مولانا به چند نکته اشاره دارد
اول اینکه به تادیب و تزکیه نفس درون
پپرداز تا نورانیت درونی تو در ایجاد شود
آن وقت است که حقایق را درک کنی و با
مقایسه جهان درونی به جهان برونی این
اصل را دریابی که تنها نور است که می
تواند اشیا را برای ما قابل دیدن سازد و
اینکه در جهان نمی توانیم بدون نور رنگ
ها را تشخیص دهیم و با ضد نور می توان
نور را شناخت و ضد موجب شناخت ضد
خود است و نیز اینکه نهایتا به ضد پیدا
می شود و خداوند رنج و غم را آفرید
که بدان وسیله ما سرور و شادمانی را
بشناسیم. **بقیه در مقاله شماره آینده**

بلکه ضد خود است هستی نزع قوای
مخالف است و برای ترکیب آنها وضع
از یکسو و وضع مقابل از سوی دیگر
باهم در تفاعل و کشمکش هستند و از
ترکیب آنها وضع جامع حاصل می شود.
این نظریه هگل از فلسفه ارسطو که قرن
ها بر افکار فلاسفه حاکم بوده است ریشه
گرفته شده است. ارسطو اعتقاد داشت که
دو ضد با یکدیگر قابل اجماع نمی باشند
مانند حرکت و سکون و یا زشتی و زیبایی
و این در صورتی است که آن دو چیز
متناقض هشت شرط را دارا باشند که
عبارتند از وحدت موضوع، محمول، مکان،
اضافه جز و کل، قوت، فعل- زمان، مثلا
جسمی یا این شرایط هشتگانه نمی تواند
متحرک و باهمان شرایط ساکن باشد و این
قانون ارسطو بنام اصل محال بودن اجتماع
ضدین ارائه شده است ولی هگل بطوری
که گفتم معتقد است که موجودات در سه
مرحله ارائه می گردند: مرحله اول موجود
بدون هیچ گونه عوارض و اضافات مثل
دانه گندم بنام تز نامیده می شود و مرحله
دوم درهم افتادن و تنازع اضداد است که
در این مرحله دانه گندم با مولدی در حال
اختلاط و تفاعل است که اگر گندم و آن
مواد مثل یکدیگر باشند تفاعلی نخواهند
داشت چنان که دو گندم خشک در کنار
هم اگر خارج از خاک قرار گیرند تفاعلی
ندارند این مرحله تکاپوی اضداد یا اتحاد
اضداد است که آنتی تز نامیده می شود
و مرحله سوم سنتز است در این مرحله
هریک از دو یا چند موجود که به جهت
تضاد با یکدیگر گلاویز گشته اند اثر تازه
ای را در ترکیب و تفاعل خود ایجاد می
نمایند اگر میان اشیا تضادی وجود نداشته
باشد حرکت و یا به قول هگل گردیدن
امکان ناپذیر خواهد گشت مثل دو عنصر
مشابه و متحد بین آنها تکاپو و حرکتی
وجود نمی تواند داشته باشد مثلا اکسیژن
هیچ گونه تفاعلی نخواهد داشت.
جلال الدین در ایبات مثنوی مرحله تفاعل
و گلاویز شدن عناصر را جنگ اضداد و
مرحله پس از تفاعل و کشمکش را که
مشخصات هر یک از اضداد به تنهایی از
بین می رود و در شکل نمود سومی پدیدار
می گردد صلح یا اتحاد اضداد می نامد به
ایبات مثنوی در زیر توجه فرمائید:
در درون خود بیفزا درد را
تا ببینی سرخ و سبز و زرد را
کی ببینی سبز و سرخ و بور را
تا ببینی پیش از این سه نور را



اصل تضاد و اصالت عقل از دیدگاه مولوی و هگل

دکتر حسین مسیح پور

بحر بی پایان بود عقل بشر
بحر را غواص باید ای پسر
صورت ما اندر این بحر عذاب
می دود چون کاسه ها بر روی آب

در اصول هگل معتقد است که اساس هستی
پر اصل تضاد قائم است هرچه در عالم
آفرینش می بینیم دارای ضدی است و ما
آنها را با ضدش می شناسیم مثلا تاریکی
را با روشنی، زشتی را با زیبایی، خوبی را
با بدی، صلح را با جنگ می شناسیم. هگل
می گوید بی نهایت بدون نهایت و زندگی
بدون مرگ وجود ندارد او می گوید مرد
مرد است زیرا زن نیست و هر شیء از آن
جهت که چیز دیگر نیست خود اوست.
اساس عقیده اش در این مورد بر سه محور
نهاده شده که بنام قانون سه پایه نامیده
می شود و آن وضع، وضع مقابل، وضع
جامع است که آنها را اصطلاحا بر نهاده،
برابر نهاده، هم نهاد گویند. او معتقد است
که هرچیز نه تنها ضد خود را در بردارد

مولانا جلال الدین مولوی تنها یک شاعر
و عارف و مربی اخلاق نیست بلکه یک
فیلسوف و متفکر و نظر پرداز است که
در عموم مسائل فلسفی و اجتماعی و تمام
مبادی عالم آفرینش اظهار نظر کرده است
که پاره ای از آراء و اندیشه های او در
فلاسفه بعد شرق و غرب بعد از خود بی
تاثیر نبوده است. از جمله اشتراک نظرهایی
است که در پاره ای از مسائل با دکارت و
هگل و فروید و آدلر داشته است. می دانیم
که مولوی بین سالهای ۶۰۴ تا ۶۷۲ هجری
قمری و هگل بین سالهای ۱۷۷۰ تا ۱۸۳۱
میلادی می زیسته اند. یعنی هگل نزدیک
به پانصد سال بعد از مولوی زندگی می
کرده است و نظریه این دو متفکر در پاره
ای از موارد کاملا شباهت دارد.

**دفتر حقوقی
رامین مظفر**
وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال

Ramin Mozaffar
Attorney at Law

**Knowledgeable &
Experienced**



- ◆ Family Law
- ◆ Business Law
- ◆ Criminal Law
- ◆ Immigration Law

- ◆ امور خانواده
- ◆ امور تجاری
- ◆ امور جنائی
- ◆ امور مهاجرت

Law offices of Ramin Mozaffar

www.itlaws.com ◆ advocate@itlaws.com

San Jose

سن جوزه

(408)288-8488

San Francisco

سانفرانسیسکو

(415)218-8141

San Mateo

سن متئو

(650)347-5800

5201 Great American Parkway, Suite 320, Santa Clara, CA 95054

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED
MONTHLY TO
HUMANITARIAN
PROJECTS

OPEN 24 HOURS

خاقانی در بیت زیر به وقت ترک این دیار فانی نعل مرکب یا اسب خود را باژگونه می زند تا مردمان ندانند که او چگونه کسی بوده و از این سرا به کجا رفته است:

همه نعل مرکب ز نم باژگونه به وقتی کزین تنگ جا می گریزم
مولوی در بیت زیر و بهاءالدین ولد فرزند او در دو بیت بعد نعل باژگونه را مضمون قرار داده اند:

نعل بینی باژگونه در جهان تخته بندان را لقب آمد شهبان
باژگون نعل ها نگر به جهان شاه اندر لباس بنده نهان
که ز نم نعل باژگونه بسی نکته ام را نکرد فهم کسی
هلال ماه نو را به نعل تشبیه کرده اند، و اگر اشاره به هلال عید باشد منظور عید پایان رمضان یا عید فطر است، با بیتی از شاعری به نام زمانی (به نقل از لغت نامه دهخدا) و بیت دیگر از صایب با مضمون هلال عید و نعل واژگون یا واژون:

مرا امید نشاط از سپهر چون باشد که ماه عید در آن نعل واژگون باشد
گر مه عید نماید فلکت شاد مشو که غرض هاست در این نعل که واژون زده است
بعضی از دزدان که با پای پیاده به دزدی می رفتند، نعل کفش خود را وارونه می زدند یعنی نعل را بجای آنکه در عقب کفش بر پاشنه زنند، در انحای جلو کفش و لذا بطور وارونه می زدند. در هر حال، اصطلاح نعل وارون زدن معنی تحت اللفظی خودش را می دهد و مجازا به معنی رد یا رد پا گم کردن، گمراه کردن، به اشتباه انداختن، فریب دادن و خلاف واقعیتی را نشان دادن می باشد. امروزه از این مثل بخصوص در زمینه های اجتماعی و سیاسی استفاده می شود، و در مورد برخی از سیاستمداران به مفهوم "راهنما را به چپ زدن و به راست پیچیدن" هم به کار می رود.

در اینترنت گشتی می زدم، سه مورد زیر را در ارتباط با نعل وارونه دیدم که عینا نقل می کنم: ۱) "بسیار درباره نعل وارو کوفتنشان می توانم گفت ... چنان که برخی از آن ها را نیک می شناسم، نان و منزلی از خدمت گزاری متنوع ... ذخیره دارند و این جا چنین نعل وارونه می کوبند." ۲) "یا باید یک مدافع تمام عیاری باشید که خیال کرده اید بقیه کور هستند و می خواهید نعل وارو بزیند و یا یک جاهل تمام عیار هستید." ۳) "... و اگر ردی را که با نعل وارو بر زمین زده اند بگیریم از آن سوی ارس سر در می آوریم."



در مورد نعل، چند مثل رایج وجود دارد. مثلی است که فلانی "پشه را در هوا نعل می کند"، یعنی فوق العاده زرتنگ است. "خر کریم یا کریم شیره ای را نعل کردن" به معنی رشوه دادن مخصوصا به صاحب مقامی چون قاضی و حاکم است. دیگر آنکه می گویند "مثل شتری که نعلبندش را نگاه می کنی"، یعنی با کینه و نفرت به کسی می نگرند، با بیتی از ملک الشعرا ی بهار که در آن کلمه عظمًا (بر وزن علما) جمع عظیم و به معنی بزرگان است:

من این میانه نگه می کنم بر این عظمًا چو آشتی که بود نعلبندش اندر بر
ضمنا برای آنکه به هنگام نعل کوفتن به سُم و پای ستوران، حیوان درد را بهتر تحمل کند یا کمتر رنج ببرد، نعل یا نعلبند چکش را علاوه بر میخ بر نعل هم می زند و از اینجا اصطلاح "یکی به میخ و یکی به نعل زدن" یا "به میخ و به نعل زدن" پدید آمده که به معنی "بیان مطلبی تواما به کنایت و صراحت" است، یعنی مطلبی را که ممکن است گفتنش سبب ناراحتی شنونده شود باید چنان با مطالبی دیگر در آمیخت که در عین تند و نا مطبوعی قابل تحمل نیز باشد یعنی مطلب اصلی را در لابلای مطا لب دیگر گفت. این مثل را در مورد انجام کاری هم می گویند که به تدبیر و حوصله یا نرمی و سختی توام نیاز دارد، یا دو بیت به ترتیب از پروین اعتصامی و واعظ قزوینی که در آن کمیت (با ضم اول و کسر دوم) به معنی اسب یا مرکب است:

گاه باید زد به میخ و گه به نعل گر سندن خواهند باید کرد جعل
ز حرف و نقطه زند گه به نعل و گه بر میخ بلی کمیت قلم نیست مرد این میدان
این جمله را هم در جایی دیدم که "او در طنز نوشتاری و در طنز تصویری، دوازده سال بدون وقفه یکی به نعل زد یکی به میخ، میخ کج شد از رو نرفتم، نعل مناسب نبود، وارو زدیم." و بالاخره زینت بخش این وجیزه را ابیاتی قرار می دهیم برگرفته از غزلهای مختلف، همه از صایب تبریزی صدرنشین غزلسرای به سبک هندی:

سجده ابروی خوبان نعل وارون من است ورنه روی دل مرا در قبله گاه دیگر است
نعل وارونه ست جام می ز ساقی خواستن ورنه خوناب جگر پیمانۀ ما را بس است
مدار دلبری بر نعل وارون است خوبان را مشو زنهار صایب ناامید از چین ابرویش
به نعل واژگون نتوان مرا گمراه گرداندن تغافل التفات و آشتی جنگ است می دانم
عشق خوش دارد مرا بهر فریب دیگران پیش پای ساده لوحان نعل وارونش منم
می خورم دانسته بازی از فریب وعده اش ورنه از پی بردگان نعل وارونش منم
نعل وارون نشود رهنز ما راست روان کز ره دیر مکرر به حرم آمده ایم
جز نعل واژگونه در این دشت پر فریب از راهبر اگر اثری بافتی بگو



نعل وارونه...!

بهرام گرامی
bgrami@yahoo.com

پشت کردن بر دو عالم رو به حق آوردن است

می برد این نعل وارون تا به منزل عشق را

(صائب تبریزی)

آن روزها که در کالیفرنیا زندگی می کردم به پیشنهاد برخی دوستان قرار شد جلسات منظمی برای آشنائی با ایران گذارده شود و پای جوانان ایرانی به اینگونه جلسات باز شود. پیشنهاد خوبی بود. قرار شد مطالب از موقعیت و حدود ایران و اقلیم و منابع طبیعی آن شروع شود و بعد تاریخ ایران اجمالا دوره گردد و به عنوان چاشنی در چند جلسه به شعر و موسیقی و دیگر هنرهای ایران هم پرداخته شود. اطاقی در دانشگاه گرفته شد و هر دو هفته یک روز به چنین جلسه ای اختصاص یافت.

از همان جلسات اول و دوم کم و بیش می شد فهمید که توضیحات و بحث ها سمت و سوی معینی دارد. حتی جغرافیا و اقلیم ایران و مقوله هایی از ادب و هنر ایرانی نیز به نحو خاصی معرفی و مطرح می شد و هر موضوع و اتفاق تاریخی به شکل ویژه ای تحلیل می گردید. شاید جلسه سوم بود که به روشنی نمایان شد که هدف اصلی پیشنهاد دهندگان فقط بالا بردن سطح آگاهی عمومی نسبت به ایران نبوده، بلکه بیشتر القای عقاید خاص خودشان به جوانان بی اطلاع از گذشته و حال ایران بوده، جوانانی که آماده بودند تا هر فکر و کلامی را نقش بر ذهن خود کنند، همچون صفحه سفیدی که می شد هر چه به دلخواه بر آن نوشت. در همان جلسات اولیه یکی از دوستان صاحب قلم و اهل کتاب لب گشود و آنچه را که در چند سطر بالا اجمالا به آن اشاره شد مورد ایراد قرار داد. او گفت در سال های اخیر بسیاری از ایرانیان بر اساس اعتقاد و تفکری که دارند با همفکران خود به دور هم جمع می شوند، جمعیت و گروهی تشکیل می دهند و به زعم و تشخیص خود برای بهبود جامعه ایران و رفع مشکلات آن پیشنهادات و راه حل هائی ارائه می دهند. تردیدی هم در این نیست که هر کس نام ایرانی بر خود می گذارد ایران را دوست دارد و به تعالی و پیشرفت آن فکر می کند و تا آنجا هم که بتواند در این راه کوشش می کند. هر کس مشکل را در جایی می بیند، و همچون طبیب به اعتبار تشخیص خود دارو و درمانی تجویز می کند. از آنجا که مسائل اجتماعی غالباً پیچیده و چند جانبه هستند، معمولاً اینگونه مشکلات بیش از یکی دو راه حل می طلبند، و هر راه و روشی چون یک دارو اثر خودش را دارد. این گوناگونی در عقاید و این تنوع در اندیشه ها از مظاهر مطلوب این عصر است، و در عین حال این امکان را به هر کس می دهد که هر چه می خواهد انتخاب کند و به هر راه که صلاح می داند پای نهد. دوست صاحب قلم ما ادامه داد که آنچه با صداقت و درستی و تقوای انسانی سازگار نیست آن است که ظاهر و باطن با هم فرق داشته باشد، یعنی کالای توصیفی با جنس فروخته شده یکی نباشد و به عبارت دیگر فروشنده در واقع گندم نمای جو فروش باشد یا کسی به اصطلاح "نعل وارونه" بزند. خوب یادم هست که این اصطلاح برای جوان ترها روشن نبود و توضیحات گوینده هم در آن شب مطلب را به جاهای دیگر کشاند. آن جلسات ادامه نیافتند، ولی یادآوری آن اکنون مرا بر آن داشته تا این اصطلاح را موضوع بحث قرار دهم.



می دانیم که نعل عبارت از قطعه آهنی است که بر کف پا و سُم ستور چون اسب و خر میخ می کنند تا سم آن ها ساییده نگردد. ضمنا به قطعه آهنی که زیر پاشنه کفش انسان هم زده می شود نعل می گویند. ضمنا کلمه نعلین، به معنی دو نعل، به یک جفت کفش چوبی گفته می شود. علاوه بر نعل وارونه یا نعل وارون یا نعل وارو، این اصطلاح را به صورت نعل واژگون یا واژگونه و نعل باژگون یا باژگونه هم گفته اند. فعل آن هم بصورت نعل زدن، نعل بستن، نعل کردن، نعل کوفتن و نعل کوبیدن آمده است که در مورد کفش انسان، بیشتر نعل زدن گفته می شود. اصطلاح نعل وارونه از آنجا آمده که در قدیم بعضی دزدان و راهزنان که نمی خواستند کسی رد پای آنان را پیدا کند و بداند که دزد پس از دزدی به کدام سمت رفته یا فرار کرده است، نعل را به صورت وارونه به پای اسب خود می کوفتند تا جای پای اسب خلاف جهت رفتن یا فرار آن ها را نشان دهد، با دو شاهد از قآنی و شیخ بهایی:

تا نشان سُم اسبت گم کنند ترکمانان نعل را وارونه زن
ای بسا نعلی که وارون بسته شد شیشه امن نفوس اشکسته شد
بیت بالا به همان مفهوم اشاره دارد که وقتی خلاف حرف و قولی مکرر دیده شد، دیگر اعتماد و ایمان مردم از بین می رود.



گرد آورنده: سولماز مولوی

تاریخچه ساز تمبک!

تُمبک (تنبک، دمبک، دنبک یا صَرَب) یکی از سازهای کوبه‌ای پوستی است و از نظر سازشناسی جزء طبل‌های جام‌شکل محسوب می‌شود که از این خانواده می‌توان به سازهای مشابه مانند داربوکا در کشورهای عربی و ترکیه و همچنین زیربغلی در افغانستان اشاره کرد. تنبک از نظر نوازندگی (انگشت گذاری)، رنگ‌های صوتی و ساختمان فیزیکی اش (در عین ظاهری ساده)، یکی از پیشرفته‌ترین و پیچیده‌ترین سازهای کوبه‌ای پوستی دنیا محسوب می‌شود، گروهی معتقدند که نام این ساز در اصل تنبک بوده و تبدیل آن به تمبک به دلیل قلب حرف «ن» ساکن به «م»، قبل از حرف «ب» است؛ مثل اتفاقی که در تلفظ واژه «شنبه» می‌افتد. اما گروهی دیگر اعتقاد دارند که صورت «تنبک» منشاء منطقی نداشته و به همین دلیل به اشتباه در میان مردم رواج یافته است. اما در نوازندگی این ساز از تکنیک‌هایی به نام‌های «تم»، «یک»، «پلنگ» و «ریز» استفاده می‌شود. بنابراین چندان بعید نیست اگر نامگذاری «تنبک» بر اساس همین اسامی صورت گرفته باشد. از دیدگاه زبان‌شناسان واژه **Tambourine** که در زبان‌های اروپایی برای تمبک به کار می‌رود از واژه تنبور پهلوی وام گرفته شده است.



حسین تهرانی

دکتر معین دمبک صورت دگرگون‌شده همین نام است. تمبک در چند دهه اخیر پیشرفت چشمگیری کرده و به عنوان سازی تکنواز و مستقل مطرح شده است. این پیشرفت مرهون تلاش استادان این ساز است که در این میان نقش استاد حسین تهرانی به قدری اهمیت می‌یابد که از او می‌توان با عنوان پدر تنبک‌نوازی نوین ایران یاد کرد. در جهانی ساختن این ساز، مرحوم ناصر فرهنگ‌فر، مرحوم امیر ناصر افتتاح، استاد محمد اسماعیلی، استاد مرتضی اعیان، بهمن رجبی، کامبیز گنجه‌ای، نوید افقه، پژمان حدادی، پدram

خاورزمینی و پژام اخواص نیز نقش مهمی داشته‌اند. آقاجان اول از اساتید درجه اول نوازنده تمبک در اوائل عصر ناصرالدین شاه قاجار بود. او در نوازندگی تمبک و خواندن تصنیف و آهنگ‌های ضربی بسیار مهارت داشته است. سماع حضور نیز چون از جوانی همراه ساز آقا محمد صادق خان سرورالملک استاد بی نظیر عصر خود تمبک می‌نواخته است، علاوه بر آموختن نوازندگی سنتور در نواختن تمبک و خواندن تصنیف و آهنگ‌های ضربی نیز مهارت بسیار یافت. فرزندان او حبیب و محبوب هم از هنر پدر بهره مند شدند و حبیب در تمبک و به ویژه سنتور مهارت کافی یافت و استاد مسلم سنتور زمان خود شد. آقاجان دوم فرزند داوود شیرازی نیز یکی دیگر از تمبک نوازان اواخر دوره قاجار است. وی از شاگردان سماع حضور نوازنده بزرگ سنتور زمان خود بود. از شاگردان آقاجان دوم می‌توان به ابوالحسن صبا اشاره کرد. رضا روانبخش یکی دیگر از شاگردان آقاجان دوم است که به واسطه استعداد و قریحه ذاتی و توجه خاص پدرش به سن جوانی در تمبک نواختن و خواندن اشعار ضربی شهرت پیدا کرد. بعدها حسین تهرانی نابغه تمبک نوازی معاصر، از تعلیم و روش او بهره مند گردید. از دیگر نوازندگان تمبک عهد قاجار می‌توان از حاجی احمد کاشی نام برد که در اواخر عهد ناصری و اوایل دوره مظفری می‌زیست. او بیشتر با میرزا حسینقلی و برادرش میرزا عبدالله (استادان معروف تار) کار می‌کرد و در صفحه‌ای که از این اساتید باقی است، تمبک نواخته است. نوازنده دیگری به نام عیسی آقاباشی اهل اصفهان بود که در اواخر عهد قاجار در تهران زندگی می‌کرد. صدائی خوش داشت و از اطلاعات کافی در موسیقی بهره مند

بود و در نواختن تمبک و خواندن تصنیف و آهنگ‌های ضربی مهارت داشت. وی بعدها به عیسی آقاباشی معروف گردید. از دیگر نوازندگان، می‌توان به یهودیان تمبک نوازی اشاره کرد که هنرشان مورد ستایش اساتید و قابل توجه بود، مانند مردخای عزریا معاصر ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و جد سلیمان روح افزا (استاد تار). فرزندش ابراهیم (پدر روح افزا) نیز در نواختن تمبک مهارت داشته است. همچنین می‌توان از بالاخان پدر مرتضی نی داود (استاد تار) و یوسف خان معروف به هونی نام برد. همچنین زنی به

نام طلعت خانم نیز علاوه بر مهارت در نوازندگی تمبک صدائی مطبوع داشت و در خواندن تصنیف و آهنگ‌های ضربی ماهر بود. حضور زنان در عرصه موسیقی هنری در دوره قاجار منحصر به دربار بود و بیرون از دربار تعداد کمی از گروه‌های مطربی نیز از وجود زنان بهره می‌بردند که کارشان چندان هنری نبود و صرفاً برای جذب مخاطب از زن‌ها استفاده می‌کردند. یکی دیگر از نوازندگان مشهور تمبک، عبدالله دوامی از اساتید معتبر و آخرین بازمانده اساتید قدیم بود. وی در نوازندگی تمبک و آشنایی به نغمات و الحان و ترکیب آن و در صحت خوانندگی آواز، تصنیف، آهنگ‌های ضربی و تشخیص دقایق فنی موسیقی و وقوف بر دستگاه‌ها و تصنیف‌های قدیم و رایج در عصر قاجاریه همتا نداشت. استاد او در خوانندگی علیخان معروف به علی خان نایب السلطنه و مربی او در تمبک، تصنیف و آوازهای ضربی حاجی خان عین الدوله ای (شاگرد ممتاز سماع حضور) بود که اساتید فن او را بهترین تمبک نواز و تصنیف‌خوان زمان خود می‌دانستند. دوامی با داشتن استعداد موسیقی و حافظه سرشار تحت تربیت استادی چون حاجی خان و همکاری با میرزا حسینقلی و حسین خان اسماعیل زاده (استاد کمانچه) و سال‌ها نواختن تمبک و خواندن تصنیف با ساز آن هنرمندان نامی و نوازندگی با دیگر اساتید بزرگ زمان و استفاده از محضر آنها در مرتبه‌ای قرار گرفت که همه اهل فن او را در هنر خود استاد مسلم عصر شمرده‌اند و گفته‌های وی را معتبر می‌دانند.

ساز تمبک از دوره حکومت قاجاریه تا حدود ۱۳۴۰ خورشیدی، تقریباً به یک شیوه بسیار ساده همراه با سازهایی مثل تار و سنتور و کمانچه نواخته می‌شد. نوازندگان تمبک در این دوره زمانی معمولاً از مرتبه پایین تری نسبت به سایر نوازندگان برخوردار بودند و سطح فنی کارشان نیز هیچ‌گاه به پای تار نوازان و سنتور نوازان نمی‌رسید.

با ظهور حسین تهرانی که تمبک را نزد آقاجان دوم آموخته بود و از طرفی تحت تأثیر توصیه‌های ابوالحسن صبا قرار داشت، شیوه نوازندگی این ساز به طور کلی دگرگون شد و چنان پیشرفت کرد که پژوهشگری مانند ژان دورینگ معتقد است حسین تهرانی ساز تمبک را دوباره اختراع کرد. با اندک تأملی در نواخته‌های تمبک نوازان عصر قاجار و مقایسه آن با نواخته‌های حسین تهرانی به راحتی می‌توان فاصله زیاد این دو نسل تمبک نواز را درک کرد.

عمودی:

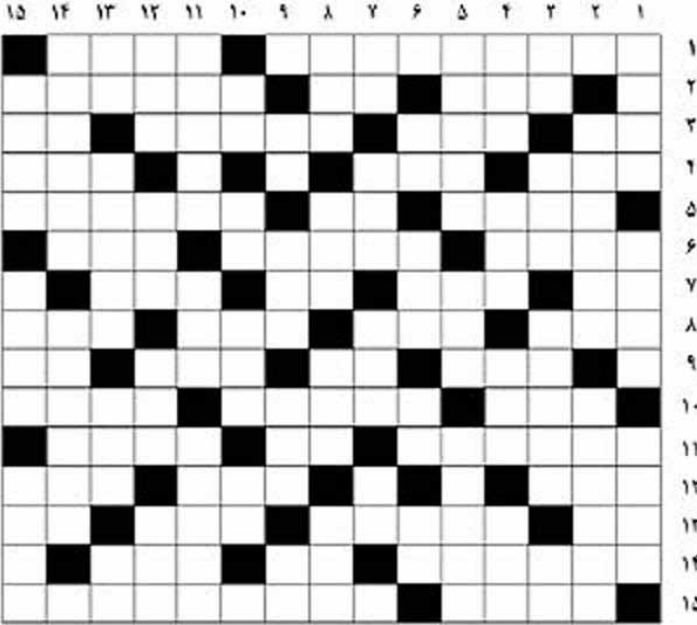
- ۱- صید- چادر بزرگ- حافظ
- ۲- مبرهن- موثر
- ۳- انبارکشتی- ساز تیره- صحرایی
- در آمریکا- واحد سطح
- ۴- پایه اداری- چاله و مفاک- خروس
- کولی- با اهمیت
- ۵- دانه سحرآمیز- موجب- بندری
- در بلغارستان
- ۶- ضربه بوکس- بدبوی پرخاصیت-
- حیوان وحشی- تخم مرغ انگلیسی
- ۷- آب منجمد- ماه مدرسه- کوه
- عرب- پدر بزرگ
- ۸- پسوند لیاقت- زنان- آبی
- خطرناک- اندیشه
- ۹- دانه خوشبو- غربال- پایتخت
- اتریش- کاغذ روزنامه
- ۱۰- خرس آسمانی- قلیل و اندک-
- لانه پرنده- حرف دهن کجی
- ۱۱- حصیر- زمین سرسبز- ناراحت
- ۱۲- حرف تصدیق- خوردنی حرام-
- میانه کوه- سر و راس
- ۱۳- غرور- رود جنوبی ایران- روی
- روشن زمین- علامت جمع فارسی
- ۱۴- خرابی- از ورزش های پرطرفدار
- جهان
- ۱۵- برید و پیک- نابود- مسافر.

افقی:

- ۱- مرشد بزرگ و رییس مشایخ-
- خاتون و بی بی
- ۲- رویش- دوش و کتف- وسیله
- عکاسی
- ۳- یازده- نوک هر چیز- هدایت و
- سرپرستی گروه- خدای باستان
- ۴- مرکز استان گیلان- از اعداد
- ترتیبی- دهان
- ۵- اروس و مال التجاره- نفس خسته-
- حق العمل
- ۶- سنگ مرمر- موجب سردرد- پاک
- از گناه
- ۷- مساوی- فراموشی- خاندان-
- نوبت بازی
- ۸- منزل- ساختمان بلند- امر به
- کوشیدن- واحد شمارش شتر
- ۹- اندازه دستی- رایحه- خوردنی
- ناخوشایند- گشوده
- ۱۰- شغل و حرفه- نترس و شجاع-
- منظم و به ترتیب
- ۱۱- مراسم بزرگداشت نام و خاطره-
- قدم یکپا- افول خورشید
- ۱۲- عقاید و نظرات- نصف- لاغر
- ۱۳- بیماری- هم معنی- وسایل
- اضافی- میان
- ۱۴- هارمونیک- کجاست- خداوند
- ۱۵- خرگوشی- فیلمی ساخته «صغر
- فرهادی» با هنرنمایی «گلشیفته فراهانی».

حل جدول در صفحه ۵۰

سحرگر می



پژواک ماهنامه

پل ارتباطی ایرانیان شمال کالیفرنیا
۸۶۲۴-۲۲۱ (۴۰۸)

پژواک ماهنامه

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۰۹۹۸-۹۲۵ یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت. مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب. تلفن اطلاعات: ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود.
۹۶۸۵-۵۶۵ (۶۵۰)
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
۱۲۳۴-۳۶۹ (۴۰۸)
۶۴۴۰-۳۷۱ (۴۰۸)
مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.
۲۹۲۲-۷۲۵ (۴۰۸)

تلفن اطلاعات ۸۶۲۴-۲۲۱ (۴۰۸)

نیاز مندیها

موقعیتی استثنایی

بعد از ۳۰ سال موفقیت و با توجه بسیار عالی، به علت بازنشستگی، مغازه بونیک در بهترین منطقه شهر کاپیتولا، با منظره رو به دریا، برای فروش و یا اجاره.
(831) 476 6856 (831) 325 3270

استخدام

به خانمی با گواهینامه معتبر رانندگی و با داشتن اتومبیل، جهت نگهداری از فرزند ۱۰ ساله در سانتا کلارا به صورت Part Time احتیاج داریم.
(۴۰۸)۴۴۱-۴۴۰ (۴۰۸)۶۵۸-۴۶۲۰

جویای کار

خانمی با ۱۲ سال تجربه و دارای مدرک Child Development و با گواهینامه معتبر رانندگی و داشتن اتومبیل، آماده نگهداری از فرزندان دلبنده شما.
(۴۰۸)۷۲۸-۰۸۷۵

استخدام

برای نگهداری از یک کودک ۴ ماهه در منطقه سانفرانسیسکو به یک خانم ایرانی برای یک دوره دراز مدت و بصورت تمام وقت نیازمندیم. و سائل معیشتی از قبیل خوراک، پوشاک، محل زندگی و بیمه درمانی نیز تامین خواهد شد.
لطفا در اسرع وقت با تلفن ۶۲۲۳-۵۰۸ (۵۱۰) و یا ایمیل fshehabi@gmail.com تماس حاصل فرمایید.

جویای کار

خانمی تحصیل کرده، قابل اعتماد، قابل اتکاء آماده نگهداری از سالمند یا فرزند عزیز شما همراه با آشپزی غذاهای ایرانی و خانه داری سبک.
(۵۱۰)۴۷۹-۶۹۹۲

با درج آگهی در نشریه پژواک پیشه و خدمات
خبره را به ایرالتیاق شمال کالیفرنیا معرفی کنید

فایل ستارگان

دای

شایستگی های شما از چشم هیچ کسی پنهان نیست پس چرا زمان را با کارهای بیهوده تلف می کنید و منتظر لقمه آماده هستید؟ به آرزویی که دارید می رسید ولی باید اندکی صبر کنید. سعی کنید به کسانی که فقط به ظاهر شما اهمیت می دهند و براساس آن قضاوت می کنند، اعتنا نکنید، چون دوستی با آنها فایده چندانی برایتان نخواهد داشت.

مهتر

کمی بیشتر قدر خود را بدانید و خودتان را دست کم نگیرید. حقی از شما زایل شده است ولی با زبان نرمتری هم میتوان مقصر را متوجه خبط و خطایش کرد. کمی بیشتر به درس هایتان توجه کنید و اگر شاغل هستید کمی بیشتر به کارتان توجه کنید. درخواستی از شما می شود، بهتر است اول خوب در مورد آن فکر کنید، جوانب را بسنجید و سپس آن را قبول یا رد کنید.

تیر

جاه طلب و بلند پرواز بودن عاقبت خوبی ندارد و خیلی زود انسان را خسته و دلزده می کند. گاهی بسیار غرق رویاها می شوید، این خوب است اما نه آنگونه که شما را از زندگی اصلی دور کند. اگر به کسی علاقه دارید و از او دورید در این ماه غرور را کنار بگذارید و به او زنگ بزنید. به پدر و مادرتان بیشتر احترام بگذارید و فراموش نکنید دعای خیر آنها همیشه پشت و پناهتان خواهد بود.

شورودین

هدف مهمی دارید. اگر واقعا تصمیم گرفته اید به این هدف برسید، شجاعانه قدم در راه بگذارید و کمی تلاش خود را بیشتر کنید. این ماه باید بیشتر از ماه های قبل انرژی برای خواسته تان صرف کنید. با کسی که دوستش دارید شاید دلخوری پیش آید و اگر یکی از طرفین کوتاه نیاید ممکن است که رابطه تان بهم بخورد. اگر قصد خرید چیزی را دارید کمی عجله کنید که به نفع شماست.

بهمن

در این روزها خود را فراموش نکنید. وقت کافی برای ورزش و تغذیه برای خودتان بگذارید. یکی از آشنایان قدیمی را خواهید دید و بسیار خوشحال می شوید. اگر کار دادگاهی دارید کمی طول خواهد کشید. از دوستان قدیمی خود نیز یادی کنید، شاید بودن با آنها خاطرات خوب گذشته تان را برایتان یادآوری کند. تلفن از راه دور می شود که خبر خوبی به همراه خواهد داشت.

آبان

حسرت روزهای از دست رفته را خوردن فقط شما را کسل و بی انگیزه می کند، پس به جای غصه خوردن سعی کنید از اشتباهات عبرت بگیرید و دیگر آنها را تکرار نکنید. حد اعتدال را در هر چیزی رعایت کنید. یک سفر کوتاه مدت، می تواند روحیه کسل و غمگین تان را از این رو به آن رو کند. نگران نباشید مشکلات گذرا هستند فقط نگذارید که اثر سوء آنها روی شما بماند.

مرداد

از شخص نزدیکی بسیار ناراحت شده اید ولی بهتر است که او را ببخشید و کدورت ها را از بین ببرید. خبر خوبی از طرف کارتان به شما داده می شود. در تصمیمی مردد هستید. به نزدیکانتان اعتماد کنید و از آنها کمک بخواهید. اجازه ندهید که اطرافیان با حرف های منفی فکر شما را در مورد کسی خراب کنند. به خودتان باور داشته باشید و به دنبال هدفتان بروید.

اردیبهشت

قدر فرصت ها را بدانید. اگر با بی خیالی آنها را از دست بدهید دیگر امیدی به موفقیت نمی توانید داشته باشید. فکری در سر دارید؛ فکر آغاز یک کار جدید، خرید یک وسیله نو یا... اگر می خواهید فکرتان را واقعا عملی کنید بهتر است قبل از شروع این کار با صاحبان نظر مشورت کرده و سپس این کار را آغاز کنید. در زمان نزدیک مهمان یا قدم نورسیده ای در راه دارید که قدمش بسیار مبارک خواهد بود.

اسفند

انرژی انجام کاری را ندارید. کمی ناراحت و دلسرد هستید. نگران نباشید، محکم باشید و موانع را از پیش پای خود بردارید که به قله های موفقیت می رسید. اسرار درونی خود را با کسانی که شناخت کافی از آنها ندارید، در میان نگذارید. در مورد اتفاقی که افتاده زود تصمیم نگیرید! در قضاوت عجله نکنید. بهتر است که بگذارید کمی بگذرد و سپس تصمیم بگیرید تا ضرر نکنید.

آذر

به برخی مسائل بسیار بی اعتنا هستید و به برخی دیگر بسیار حساس. این افراط و تفریط اصلا خوب نیست. بهتر است کمی متعادل تر برخورد کنید. در این ماه امکان درگیری لفظی با اشخاصی وجود دارد پس تا می توانید با هر کسی همصحت نشوید. کمی با دید مثبت تر به اطرافتان نگاه کنید. به هر کسی اعتماد نکنید و سعی کنید تا کمتر رازهایتان را به هر کسی بگویید.

شهریور

کاری را شروع کرده اید و شروع هر کاری ممکن است با سختی و مشکلات همراه باشد، اما مهم این است که چگونه آن را به پایان برسانید. خواب بدی دیده اید که ذهنتان را بشدت مشغول کرده، بهتر است آن را خوب تعبیر کنید و بد به دلتان راه ندهید. با چند نفر دور میزی می نشینید و در مورد کاری صحبت و مشورت می کنید. سعی کنید که استرس به خودتان راه ندهید.

فرورد

خریدی کرده اید که نهایت سود را خواهید برد. دچار اضطراب و نگرانی شده اید، باید به خدا توکل کنید و قدر کسانی را که برایتان زحمت می کشند بدانید و شما هم تا می توانید به آنها کمک کنید. کمی استراحت کنید، وضعیت جسمانی خوبی ندارید، شاید بیش از انرژی تان از خود کار می کشید که باعث خستگی تان می شود.

یادی از قربانیان آشویتس نوشیدن قهوه در چشم انداز مرگ

نعیمه دوستدار



پختن نان که نه... سوختن انسان. در دو سالن بزرگ کناری، انسان‌ها به انتظار مرگ می‌نشستند؛ جایی که به آن می‌گفتند اتاق گاز. می‌گویند رودلف از اتاق کارش می‌توانسته دود کوره آدم‌سوزی را ببیند، درست همانطور که می‌توانست خانه‌اش را ببیند و بچه‌هایش را. «آشویتس» در نگاه اول چیزی نیست جز یک شهر با ساختمان‌هایی از دم یکسان که

بنا بر تعریف کنوانسیون شکنجه سازمان ملل، هر عملی که درد جسمی شدید ایجاد کند یا باعث رنج روحی و جسمی کسی شود، شکنجه است. بنا بر این تعریف، شکنجه توسط یا به فرمان یک دولت، برای اهداف مختلف انجام می‌شود، مثلاً وادار کردن فرد به اعتراف یا نسل‌کشی و مجازات. ایران از کشورهایی است که هنوز به این کنوانسیون نپیوسته و گزارش‌های متعددی از موارد شکنجه در زندان‌های آن منتشر شده است. کشتار، آزار و شکنجه زندانیان سیاسی و عقیدتی در زندان‌های ایران در دو دهه اخیر، یکی از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت بوده است، هرچند هنوز در افکار عمومی بین‌المللی آنطور که باید شناخته شده نیست. شکنجه زندانیان دهه ۶۰، شکنجه بازداشت‌شدگان کهریزک سال ۸۸ و مرگ زندانیان سیاسی به دلیل نبود رسیدگی‌های پزشکی، تنها نمونه‌هایی از موارد شناخته شده شکنجه در ایران است. تاریخ معاصر جهان از این حوادث بسیار دیده است، اما شاید بیشترین اشکال شکنجه در صد سال اخیر، در جریان جنگ جهانی دوم و «هلوکاست»، به وسیله نازی‌ها به کار گرفته شده باشد. قربانیان اردوگاه‌های مرگ، ذات نگهداری در این زندان‌ها را سخت‌ترین شکنجه توصیف کرده‌اند. این گزارش حاصل سفری به آشویتس است؛ بزرگ‌ترین اردوگاه مرگ تاریخ معاصر.

همه آفر

سمت چپ دفتر کارش است، دفتر کار «رودلف هوس» (۱۹۰۰-۱۹۴۷ میلادی). کسی که از چهارم نوامبر سال ۱۹۴۰ تا نوامبر ۱۹۴۳ فرمانده اردوگاه آشویتس بوده. طبقه بالا، کنار پنجره می‌ایستاده و توی اتاق با همکارانش قهوه می‌خورده. سمت راست، در فاصله ۲۰۰ متری آنجا، خانه رودلف است، جایی که همسر و بچه‌هایش آنجا زندگی می‌کردند. زن راهنما می‌گوید همسر رودلف دستور داده بوده جلوی خانه زمین بازی بسازند برای بچه‌هایش. رودلف غروب‌ها به خانه می‌رفته، جایی نزدیک به محل کارش.

بین خانه و دفتر کار، بنای دیگری هم هست؛ یکی از همان ساختمان‌ها با آجرهای چرک قهوه‌ای، ساختمان هوناک بلوک ۱۱. داخلش، دریچه‌های کوچک سوخته و زغال گرفته هست، شبیه کوره‌های نان پزی، برای

اجباری می‌شد. در فضایی به قدر خوابیدن سه انسان، ده‌ها نفر محکوم بودند کنار هم دراز بکشند. کمی جلوتر، توالت‌های گروهی برای استفاده محدود روزانه و آبی که از لوله‌های باریک جاری می‌شد تا پس از هفته‌ها تن ساکنان اردوگاه را خیس کند و ده‌ها هزار کفش، کلاه، لباس، چمدان، عینک، خمیر ریش، طرہ‌های مو، شانه و دست و پای مصنوعی. آنها اگر فوراً بر اثر فشار و درد و بیماری نمی‌مردند، مرگ در فاصله ساختمان‌ها در انتظارشان قدم می‌زد. در یکی از ساختمان‌ها عکس صدها مرد و زنی را بر دیوار کوبیده‌اند که از قربانیان آشویتس بوده‌اند. زیر سنگینی نگاه آنها، با نگاه‌های بی‌رمق، می‌توانی کمی جلوتر



بروی و کفش‌های بچه‌گانه را از مردانه شماره نامگذاری شده‌اند. سر در اردوگاه نوشته شده است: «کار شما را آزاد خواهد کرد»؛ اولین جمله‌ای که هزاران ساکن این اردوگاه آن را می‌خواندند و بعد از ایستادن در صف‌های زنانه و مردانه، برای کار که نه، برای مرگ و زندگی انتخاب می‌شدند. فاصله مرگ و زندگی، نگاه سرسری افسری بود که آنها را برای «حمام آخر» برمی‌گزید؛ وعده کار اجباری یا شست‌و شو در سالن‌هایی با ظاهر گرمابه که از دوش‌های گاز «زیلکون بی» می‌ریخت. بقیه در دسته‌های انبوه به سالن‌های بزرگ اردوگاه هدایت می‌شدند. راهنمای این یادگار جنایت بشری، برایت تعریف می‌کند که از آنجا به بعد سرنوشت همه یکسان بود. روزهایی کشدار در میان عرق، فشرده‌گی، عفونت و ترس. صدها نفر در سالن‌های به نسبت بزرگ، روی تخت‌های کوچک می‌خوابیدند. در آغاز تخت‌ها چیزی نبود جز تلی کاه، پاشیده در فاصله کوتاه سقف خوابگاه‌ها. خوشبختی مفهوم ساده‌ای داشت: پس از قرنطینه تشکی نازک و متعفن نصیب مهمانان

فراخوانده می‌شدند تا به ساختمان کنار جوخه اعدام اسباب‌کشی کنند. ساختمان کنار «دیوار سیاه»، آخر خط است؛ زندان تمرین شکنجه و تحقیر انسان. آنجا رودلف و سربازانش آنها را مجبور می‌کردند ایستاده بخوابند تا سرانجام جلوی دیوار مرگ، گلوله‌ای بر سینه‌شان بنشیند.

قطاری که به مقصد مرگ رسید

کمی دورتر از ساختمان‌ها، ریل قطار قطع شده است. واگن آخر را به یادگار باقی گذاشته‌اند. این واگن باری بی‌پنجره، ده‌ها مسافر مرگ را از دورترین راه‌ها به آشویتس رسانده است. راهنما می‌گوید که مسافران درهم فشرده و بیمار به مقصد می‌رسیدند؛ جایی که میزبانان آنها را با لگد پایین می‌انداختند و با تحقیر پذیرایی می‌کردند. آنها که با وعده کار آمده بودند، با حقیقت نابودی روبه‌رو می‌شدند.

حالا، زیر آسمانی که ابرهای فشرده و نرمی دارد، می‌شود دوردست‌ها را ببینی، جایی که اردوگاه‌های همزاد آشویتس در امتداد افق کیلومترها کشیده شده‌اند. مقامات اس اس، در طول زمان سه اردوگاه اصلی نزدیک به شهر لهستانی اوسی وینتسیم بنا کردند: آشویتس یک در ماه مه ۱۹۴۲، آشویتس دو که آشویتس-برکناو نیز نامیده می‌شد، در اوایل همین سال و آشویتس سه که آشویتس-مونوویتس نیز نامیده می‌شد، چند ماه بعد در اکتبر همان سال ساخته شد. زندانیانی که شانس زنده ماندن پیدا می‌کردند، تا زمانی که رمق داشتند، باید در کارگاه‌ها و معدن‌ها کار می‌کردند؛ فرصتی کوتاه برای صرف ته‌مانده حیات.

زنی در این موزه خوفناک، با صدای غمگینش از رقم‌های بزرگ حرف می‌زند. رنگ صدایش چیزی بر اندوه فضا اضافه نمی‌کند، اشک و خون بر دیوارها رانداخته و صدای نفس‌های سنگین و ناله‌های شبانه در خالی اتاق‌ها پیچیده است. می‌توانی همه‌هم زندانیان را بشنوی که انگار بر شانه ابرها نشستند و حالا شکنجه‌گاه زیر پاهایشان کوچک شده است.

زن می‌گوید که در فاصله سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، میلیون‌ها نفر از سراسر اروپا در این اردوگاه و همزادانش اسکان داده شدند. هزاران یهودی اروپایی (اشکنازی) در کنار گروه‌های دیگری از جمله اسلاوها، کولی‌ها، معلولان، کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و همجنس‌گرایان که لایق زندگی تشخیص داده نمی‌شدند، بر مبنای «راه‌حل نهایی» حزب نازی به مرگ محکوم شدند. گرسنگی، کار اجباری، شکنجه، اعدام با گلوله یا در اتاق گاز سرنوشت مشترک آنها بود.

داشت ریزش کرده بود و مادرم بداخل آن افتاده بود اما از آنجا که گاهگاهی اتفاقات عجیبی موجب نجات جان انسانها میشود، وجود همان نرده بان باعث شده بود که مادرم در حین سقوط به آن نرده بان چنگ بیندازد و آنرا بگیرد و در وسط چاه معلق بماند. اما چون تنها در خانه بود هیچکسی به کمکش نرسیده بود. شروع به جیغ زدن میکند و رهگذری صدای او را میشوند و او هم داد و فریاد راه میاندازد و گمان میکرد که در آن خانه کسی دارد به قتل میرسد. از هیاهوی رهگذر همسایه ها خبر دار میشوند و از دیوار خانه بداخل میجهند و او را از چاه بیرون میکشند و به بیمارستان منتقل میکنند. این اتفاق باعث شده بود استخوانهایش در دو نقطه بشکند و پس از مرخصی از بیمارستان به او تجویز شده بود که چند سال در جایی که هوایی سبک دارد زندگی کند و به این ترتیب خانه را اجاره دادند و در همان کوچه اسدی، آن خانه را اجاره کردند. در آن زمان، در کوچه ها و اغلب خیابانها آسفالت هنوز به کار گرفته نشده بود. کف خیابانهای اصلی مانند خیابانهای امیریه و شاه و مولوی و سعدی و سپه و فردوسی و توپخانه و لاله زار، سنگ فرش بودند و بامها هم کاهگلی. کاهگل عبارت از گل رس بود که با کاه در هم می آمیختند و پس از مدتی لگد کوب کردن که اصطلاحا به آن ورز آوردن میگویند، روی حصیری که در بام و روی ساقه های درختان که کنار هم روی دیوارها بطور موازی قرار میدادند و با تخته های کوچک به هم میخکوب مینمودند، پهن کرده بودند، میریختند و با ماله صاف مینمودند و پس از آن، برای فشرده شدن و گرفتن منفذها و شکافها، بام غلتان بر روی آن میدواندند.

دنباله مطلب در صفحه ۲۳

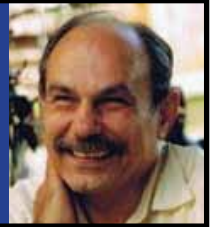
و مجلس سنا، نیمه مکمل جامعه، دارای حق و حقوق شهروندی و برابری شدند. در مقابل تمام آن تلاشها برای احقاق حق زنان، عربده های آخوندها که واسلاما و واقرآنا که مسلمانی رفت و دین و ایمان بر افتاد، و این شاه دارد زنان عقیف ما را که جایشان در اتاق خوابست با آزادی دادن و برابر کردنشان با مردان، به فحشا میکشاند، به اوج خود رسید. و بسیار قابل توجه است که از طرف تمامی کسانی که مدعی پیشرفت و ترقی بودند، این عربده های آخوندها مورد حمایت قرار گرفت و محض رضای خدا، حتی یک اعلامیه هم صادر نکردند که ما در این باره با آخوندها همسو نیستیم و از آزادی و احقاق حق زنان پشتیبانی مینماییم. و بار تلاش برای به ثمر رساندن حق آزادی زن را شاه به تنهایی بدوش کشید و در آنراه همه ناملایمات را تحمل کرد.

پیش از آنکه به شمیران نقل مکان کنیم، برای مادرم اتفاق خطر ناکی افتاده بود که موجب رنج کشیدن سالیانش شده بود. روزی که هیچکس در خانه نبود، بعلت آنکه برف هایی را که از پشت بام روئیده بودند بر روی بام انباری و آشپزخانه که از ساختمان اصلی خانه جدا بود ریخته و رفته بودند، و به علت چوبی بودن سقف ها و کاهگل که روی چوب و حصیری که پوشش سقفها بود، اندود میکردند و هنگام باران و برف، آب از کاهگل بام و سقف عبور میکرد و شروع به ریزش بداخل خانه یا هر جایی میشد، مادرم نرده بانی گذاشته بود و بر بالای نرده بان رفته بود که پیش از آنکه سقف آشپزخانه فرود آید، برفها را پایین بریزد که نرده بان روی یخ حیاط لیز خورده بود و مادرم از همان بالا محکم بر زمین خورده بود و بر اثر ضربه ای که به زمین وارد شده بود، چاه فاضلابی که در زیر همان نقطه سقوط قرار

خیلی قدیم های تهران

بخش سوم

عباس پناهی



گاهی مادرم برای آنکه زیاد آه و ناله نکنم، قدری آبنبات قیچی و یا شکر پنیر برایم میخرید و در جیبم میریخت تا برای مدتی صدایم را خاموش کند. همیشه پیش بینی میکرد که این خرید کردن، طولانی شود و بنا براین همیشه چند تا تخم مرغ، آبیژ میگرد و خیار و گوجه فرنگی و نان هم آماده مینمود تا در صورت معطلی، از آن بخوریم و وقتمانرا برای خوردن، در جایی هدر ندهیم. در آن زمان رستورانی که از خانم ها هم پذیرایی کند وجود نداشت. یا قهوه خانه بود و دیزی در آن فروخته میشد که جای زنان نبود و یا چلو کبابی بود که اگر دو طبقه میبود، خانم ها را با خانواده شان و نه تنها، به طبقه بالا هدایت میکردند که در بازار و در آن ساعت های نیم روز، همه مردان گرسنه، در چلوکبابی بودند و جایی که زنی نتواند در آن استراحت کند و غذایی میل نماید، پیدا نمیشد. در جامعه ما، در زمان رضا شاه، مردان، مجبور بودند که به زنها، در خیابان، و آنهم در صورتیکه زنی از جامعه ضد زن، نمیترسید و از خانه بیرون می آمد، احترام بگذارند. اما در دوران دوازده ساله نخست سلطنت محمد رضا شاه، آزادی طلایی، برای همه آن کسانی که به زور رضا شاه، خلاف سنت همیشهگیشان عمل کرده بودند حاصل شد. چون شاه جوانی آمده بود، که نه کسی از او میترسید که بخاطر ترس، کار خلافی صورت ندهد و نه قانون مدنی و انسانی ای وجود داشت که برای نیمی از جمعیت کشور، حق زندگی قائل شود موجود بود. احزاب گوناگونی که بنام آزادی، مانند قارچ از زمین میرویدند، اجازه نمیدادند تا قانونی تصویب شود تا برای این نیمه مردم ایران یعنی زنان، سهمی هم از شهروندی تدارک دیده شود. ... سالها بعد که پس از قیام ۲۸ مرداد، تصمیم گرفته شد تا به این هرج و مرج و بی قانونی خاتمه داده شود، شهربانی جانی تازه گرفت و ساواک تشکیل شد. تا در صورتی که کسانی حاضر نشوند، حق و حقوق زنان را بپذیرند، توقیفشان کنند. که اگر با منطق و دلیل حاضر به قبول نشدند، بزور به ایشان بقیولانند. از آن پس، آرام آرام در جامعه تسهیلاتی هم مختص زنان ایجاد شد و هر روز، به زور شهربانی و ساواک و توسط شاه و مجلس شورای ملی

در طول زمانی که سیاهی و در واقع، ماه بطرف خورشید در حرکت بود و شروع به پوشاندن روشنایی آن کرد، از در و همسایه، هرکه هر چه میتوانست بدست گرفت و شروع به در آوردن سرو صدا کردند. از طبل و داریه و کاسه و قابلمه و ماهیتابه و پیت های حلبی، صداهای ناهنجار بیرون می آمد و این در اصل، یک سنت بسیار قبل از تاریخی بود که مردم تصور میکردند که آن سیاهی، ازدهایست که در حال بلعیدن خورشید است و آن سرو صدا ایجاد کردن هم برای ترساندن و تاراندن ازدها بود. من چون در محوطه بیرون از خانه بودم، نمازوحشت خواندنی را ندیدم که این هردو سنت از عرب های بیابانگرد وارد فرهنگ ما شده بود و میبایستی طبق آیین حنیف رسول الله به اجراء در آید تا تکلیف دینی بدرستی اجراء گردد.

هروقت مادرم میخواست به بازار برود، یکی از ما را با خود میبرد و دو بچه کوچک را به همسایه میسپرد که غالباً مرا با خود همراه میکرد. از تجربش تا پیچ شمیران، برآستی سفری پُر از شکنجه بود و مطلقاً دلم نمیخواست که به شهر بروم. برآثر بالا پایین پرت شدن، اکثر مسافرین، دچار سرگیجه و تهوع میشدند و بالا می آوردند که بوی بنزین و خاک و استغراق، یک بوی مشمز کننده ای در اتوبوس ایجاد مینمود. تازه وقتی به پیچ شمیران که میرسیدیم هم میبایستی با اتوبوس دیگری تا ناصر خسرو که در آن زمان، اثرا ناصریه میخواندند میرفتیم. از ناصر خسرو تا سبزه میدان هم پیاده به راه ادامه میدادیم. از همان کودکی، از همراهی زنان برای خرید، تنفر داشتم. چون خانم ها، قیمت کردن و چانه زدن و تخریدن و دوباره به مغازه دیگر رفتن و از نو شروع کردن را دوست داشتند و ما مردها، اکثراً با همان فروشگاه اولی، معامله را تمام میکنیم. هروقت نزدیک عید، پدرم ما را برای خرید پوشاک و وسایل نوروز به بازار میبرد، خوشحال بودیم. چون، هم، زمان کوتاهی صرف خرید میشد و هم، نهایتاً میدانستیم که حتما لباس خریده میشود. در حالی که با مادرم ممکن بود که تمام روز را در بازار راه رفته باشیم و عاقبت، چیزی باب طبع مادرم پیدا نشده باشد و به اجبار باید روز دیگر هم همان خستگی را تحمل

سیروسفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یکهزار و دو بیست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار
تلفن سفارش و خرید

۷۷۸۷-۲۰۸-۵۱۶

parviznezami@yahoo.com

Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274

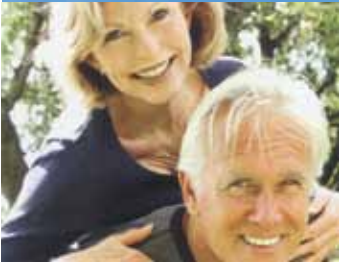


Health Response Systems

Shop Now

ADT Pulse Remote Security

piece of mind



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty

وقت صدای کمک راننده که برای گرفتن بلیط ها راه افتاده بود بگوش رسید «آقایان و خانم ها بلیطهای خود را حاضر کنید». متوجه شدم که دلیل نگرانی بدون بلیط سوار اتوبوس شده ام و حالا هم اتوبوس راه افتاده بود کمک راننده بالای سرم ایستاده منتظر بود: آقا پسر بلیط!!! منم به جای جواب وانمود کردم که بدنال بلیط می گردم، دستی در این جیب و دستی در آن جیب و بالاخره در حالیکه بازم صدایم را کلفت کرده بودم گفتم آقا گمان کنم بلیطم از دستم افتاده حالا چقدر باید بدهم؟ کمک راننده نگاهی کرد و گفت بزرگترت کجاست؟ باز جوابش را ندادم و خود را مشغول گشتن بدنال بلیط نداشتم کردم که پیرمرد بجای من جواب داد که پدر و مادرش تهران هستند. کمک راننده گفت ۴۵۰۰۰ تومن. منم بلافاصله ۴ تا اسکناس ۱۰۰۰۰ و ۵ تا اسکناس ۱۰۰۰ تومانی شمردم و بهش دادم. کمک راننده کمی بمن خیره خیره زل زد و گفت: باشه پیشت پسر جان، ایستگاه بعدی می پری پائین بلیط می خری میاری میدی و بگرفتن بلیط از سایرین ادامه داد ولی گاهی برمینگشت و مرا نگاه می کرد. از نگاه های این مرد خیلی نگران شده بودم و همین نگرانی باعث شد که اشتباهی دیگر مرتکب شوم و آن اینکه وقتی کمک راننده از گرفتن بلیط ها فارغ شد برگشت و به من گفت یادت نره ایستگاه بعدی! بعد خم شد و سرش را پیش آورد دوباره گفت: ایستگاه بعدی چی؟

منم با دست پاچگی بدون اینکه صدایم را عوض کنم گفتم بلیط می خرم. مثل اینکه چیزی دستگیرش شده بود گفت نشنیدم چی؟ منم جواب ندادم، و او ول کن نبود. دوباره گفت: چی؟ که پیرمرد با اعتراض گفت یک دفعه گفت می خره دیگه، تو هم گیر دادی. کمک راننده سرش را بلند کرد و گفت پدرجان مگر خودش زبان نداره که توجاش حرف می زنی. وکیل و وصیش تویی؟ پیرمرد هم برگشت و گفت آره هستم. همین حرف باعث شد که موقتا کمک راننده راهش را بکشد و برود ولی تا ایستگاه بعدی مرتباً بمن نگاه می کرد و در گوش راننده چیزهایی می گفت. نمی دانستم که آنها راجع به چی باهم صحبت می کردند ولی آنچه مسلم بود این که کمک راننده بمن شک کرده بود. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

دخترش انتخاب کرد آنطور که او می گفت جوانی بد اخلاق، زورگو و منحرف بود و گل نم که به نوعی از مردها تنفر داشت راضی به زندگی با او نبود و پس از یک سال ازدواج تصمیم به فرار می گیرد. وضع مالی مادر و ناپدری اش خوب بود و مادر مقدار قابل توجهی پول ذخیره کرده بود. این شد که او روزی که می خواست فرار کند در غیاب مادرش پول ها را بر می دارد و از ترس اینکه مبادا در راه دردمسری برایش پیش بیاید سرش را از ته می تراشد، کلاهی بر سر و با لباس مردانه می رود تا با وسیله ای خود را به تهران برساند. او می گوید: در اوایل احساس می کردم همه مردمی که در گوشه کنار خیابان و جاده ها در اطرافم در حال پرسه زدن و یا گذر بودند مواظب هستند تا ببینند من چه می کنم و کجا می روم، منم که برای اولین بار لباس مردانه پوشیده بودم نمی دانستم رفتارم چگونه باید باشد. گاهی آنقدر ناشیانه عمل می کردم که خودم هم خنده ام می گرفت. در اتوبوسی که با آن به تهران می رفتم یک ردیف از صندلی ها مردانه و ردیف دیگر زنانه بود که در موقع سوار شدن ناخودآگاه در ردیف زنانه نشستم که خانم پهلو دستی بلافاصله گفت: پسر جان این ردیف زنانه است. خوب بدیهی بود که در ابتدا من هنوز حواسم نبود که لباس مردانه پوشیده ام و مثلاً مرد هستم برگشتم نگاهی به آن خانم کردم و گفتم بله می دانم لیکن از جایم تکان نخوردم. خانم دیگری که در ردیف پشت سری بود گفت: پسر جان حواست کجاست! این ردیف مخصوص خانمهاست که یکدفعه من هول شدم نگاهی به ردیف مردانه انداختم. فقط یک صندلی خالی دیدم. با عجله جایم را عوض کردم و در صندلی خالی جای گرفتم. مسافر بغل دستی مردی ۶۰ ساله بود که از همان ابتدای شروع به حرف زدن کرد.

- پسر من تنها هستی؟ اول جوابی ندادم سرش را جلو آورد و سئوالش را تکرار کرد.

- تنها مسافرت می کنی؟

در حالیکه سعی داشتم صدایم کلفت و مردانه باشد در یک کلام گفتم: بله. پرسید: چند سال داری؟ به دروغ گفتم ۲۰ سال. پرسید: پدر و مادرت کجا هستند؟ خیلی عادی جواب دادم تهران و متوجه شدم که لحم را عوض نکردم، ولی گویا پیرمرد متوجه تغییر صدایم نشد. در این

گل نم

شیدوش باستانی

داستان دنباله دار



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر درآورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سننا باربارا - کالیفرنیا

داستان گل نم

پدر گل نم یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان بود و چون پسری نداشت آرزو داشت که دخترش وقتی بزرگ شد با او همکاری کرده و دنباله رو عقاید و آرمانهای او باشد. بدنال سقوط رژیم شاه در پی انقلاب حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمن قاسملو به پادگان مهاباد حمله میبردند و اسلحه های موجود در پادگان راه تصرف در می آورند و چندی بعد همین عمل را در سنندج تکرار می کنند اما پادگان ارتش در سنندج متقابلاً به مقاومت دست می زند و در این درگیری پدر گل نم که جزو جنگ جویان آن حادثه بود کشته می شود و بدین ترتیب گل نم پدرش را در سن هشت سالگی از دست می دهد. چندسال بعد مادرش با مردی ازدواج می کند و گل نم زیر دست شوهر مادرش که مرد متعصب و زورگویی بود مجبور به کارکردن در خانه و مزرعه می شود. زمانی که از گل نم سؤال کردم که آیا ناپدری اش او را آزار و اذیت جنسی هم میکرد، او گفت که ناپدری به کوچکترین بهانه ای او را به باد کتک می گرفت و خیلی وقت ها هم دور از چشم مادرش به اذیت و آزار جنسی او مبادرت می ورزید. گل نم گفت: آنقدر از این مرد متفر بودم که تصمیم گرفتم او را بکشم، لیکن هر دفعه

کلوب تخته نرد در شهر سن حوزه

هر پنجشنبه از ساعت ۱۱ صبح الی ۱ بعد از ظهر

Vineland Branch Library

تلفن اطلاعات

(408) 808-3000

1450 Blossom Hill Rd.
San Jose, CA



TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

بهای آبرو

شنو با گوش جان آواز هشدار حسینی را
 تعمق کن بیای عمق پیکار حسینی را
 اگر ظالم به ظلم افزاید و بی اعتنا باشی
 نفهمیدی مسلم معنی کار حسینی را
 برای نقد حاضر خود فروشی هست شرم آور
 بهای آبرو خون است بازار حسینی را
 جهان بر حیل و مکر است از نیرنگ زور و زر
 چو حق خواهی بچو وجدان بیدار حسینی را
 عدو گر جنگ خواهد بهر او اتمام حجت کن
 سپس مردانه میدان آن پیکار حسینی را
 هدف چون شد مقدس رنجش ره بی اثر باشد
 سلاح راه عشقت ساز افکار حسینی را
 نظام ظلم ساقط کن به مشتاقانه جانبازی
 بیاد آور نبرد و روح سرشار حسینی را
 چو ناحق زورگوی و خیره سر تعذیب حق جوید
 درین احوال کن سر مشق معیار حسینی را
 غضنفر سر جان خواهی ره صاحب‌دلان را گیر
 بیای ره مگر یک شمه اسرار حسینی را
 ابوالقاسم غضنفر



اعدام

وقتی تو را اعدام کردند شب را شقایق فام کردند
 مینای دل ها را شکستند خون در گلو جام کردند
 مهر وطن لز یاد بردند بیگانگی با مام کردند
 از نی نی چشمان زاهد نامردمی ها وام کردند
 آیین تاریکان گرفتند آئینه را بد نام کردند
 شستند مغز کودکان را ناپختگی با خام کردند
 زشتی و پستی و پلیدی در یکدگر ادغام کردند
 جای فرشته دیو آمد اهریمن استخدام کردند
 دام تعصب پی فکندند نام ورا اسلام کردند
 هر نعره ی مستانه ای را تعبیر با دشنام کردند
 اندیشه های عاشقی را از ریشه قتل عام کردند
 پروانه ها را سر بریدند در اشک و خون حمام کردند
 با داریوش و کورش اما بس جرم بی فرجام کردند
 کی میرود از یاد تاریخی کاری که پشت بام کردند
 بسیار کوتاه این خبر بود ریحانه را اعدام کردند

مسعود سپند

کسی مرا به آفتاب

معرفی نخواهد کرد
 کسی مرا به میهمانی گنجشک ها نخواهد برد
 پرواز را بخاطر بسیار
 پرنده مردنی ست فروغ فرخزاد



" تقابل اندیشه "

... آری،
 صد البته
 می توانی
 همچنان
 عزیز و ارجمند
 در دنج دلم
 جاودانه
 جا داشته باشی ،
 اگر چه و هر چند
 در یقین دو سه باور
 با من همدل نباشی .
 همین که می دانم
 آبخشور سرشار شعرات انسانی ست
 و رنگین کمان کلام ات
 پالیده ز زنگینه ی ریا ست ؛
 همین که می دانم
 در بسیط قلمرو قلب ات
 دردی
 به جز درد وطن نیست -
 کافی ست ...
 یادت همواره
 عزیز و ارجمند
 در دلم باقی ست.
 جهانگیر صداقت فر، سپتامبر ۲۰۱۴

اگر باز بیایی

نوشته ی داکتر رووف روشن
 ساعاتی از شب را بر روز بیافزودم
 تا روز درازا شد شاید تو بیایی
 اگر تو بیایی، مگر تو بیایی
 شام دگر آمد نزدیک شب یلدایی
 چشمم بره تو ماند شاید که بیایی
 اگر تو بیایی، مگر تو بیایی
 چشمان تو ام بیاد آمد با آن همه زیبایی
 وان زیبایی صورت وان قدرت بینایی
 با قلب خودم گفتم اگر تو بیایی
 چشمی که میدید در سینه بقلب من
 گاهی که او می لرزید از خوبی و خوبایی
 با او همی گفتم اینرا مگر تو بیایی
 با دل همی گفتم قصه ی چشمانت
 از افسون دیدارش از ناوکان کاری
 اینرا با او همی گفتم اگر تو بیایی
 گوش های تو میفهمید آواز های دلم را
 هم روز های روشن هم شام های جدایی
 میگفتی تو در گوشم شاید تو بیایی
 آن قدرت جوانت آن طاقت جسمانی
 آن شور و شغف هایت در خلوت و در مهمانی
 همواره بمن میگفت اینرا که تو میایی
 باردگر چشمانم میدوزم بر گنبد مینویی
 پشت دایره ی مینا وین پرده ی مینایی
 تا باز بمن گوید این نکته شاید که تو میایی
 اکنون رهروی پرسدم این راز
 چیست که میسوزد قلبت در تاریکی و روشنایی
 گویم با زهر خنده جوابش کانست جوانی
 کز دست من برفته آسان و شتابان
 و ز دست دادم او را این همه ارزانی
 از فرط پشیمانی پرسم او را آیا باشد که باز آیی؟
 زاغچه ی هوشیاری به من همی گوید
 جوانی نگینت بود در انگشتر زندگانی
 بیهوده ز دستت شد اکنون این تو و این شکیبایی
 رووف روشن، فریمانت، کالیفرنیا ۱۳۹۳

بر ما گذشت نیک و بد اما تو روزگار
 فکری به حال خویش کن این روزگار نیست!
 عماد خراسانی



بازی با کلمات!

اگر کلمات، باهم عوض شوند چه می شود؟

گرد آورنده: الی نژاد

که چیزش را با پارچه سفیدی به گردش آویخته، متوجه شدم که بنده خدا چیزش شکسته و چیزش را زیر آستین کت می پوشاند ولی در فصل تابستان با پوشیدن پیراهن های آستین کوتاه چیزش پیدا می شود. فکر کنید اگر کسی چیز نداشت ساعتش را کجا می بست و یا چگونه غذا می خورد و خیلی کارهای دیگر که مخصوص چیز است.

بعضی ها هنگام دعوا کردن چیز خود را گره کرده و محکم به سر و صورت طرف می کوبند. خلاصه چیز تمام کارهای انسان را انجام می دهد و زندگی بدون چیز خیلی سخت است. همه زنگ خانه را با چیز خود می زنند. همه باید قدر چیزهای خود را بدانند و بخوبی از آن مراقبت کنند و یادشان باشد که هنگام انجام کارهایی مثل باغبانی حتما از چیزکشیهای لاستیکی استفاده نمایند والا کف و نوک چیزشان ترک برمیدارد و منظره بدی پیدا می کند. از اینکه سر شما را با مسائل چیزکی درد آوردم عذر می خواهم چیز شما را صمیمانه می فشارم و باید بگویم چیزتان درد نکند.

مثلاً اگر قرار باشد که به صندلی بگویند چاقو و یا به هندوانه بگویند کتاب و یا به مسواک بگویند این و غیره... ایشان کلمه دست را انتخاب کرده اند و می گویند: اگر قرار بود به دست بگویند «چیز» جملات مربوط به آن چگونه می شد؟ بهتر است چند مثال را بررسی کنیم. تمام انسانها اعم از زن و مرد بزرگ یا کوچک، دوتا چیز دارند که هرکدام پنج انگشت دارد، البته چیز زنان ظریف تر و خوشگل تر و کوچک تر از مردان است. اکثر خانم ها دوست دارند که چیز خود را با لاکهای رنگی و خوشرنگ و انواع انگشتر زینت دهند و گاهی با چیزکش های زیبا چیز خود را از سرما حفظ کنند تا لطیف تر و خوش فرم تر بماند. آقایان متاهل هم حلقه طلایی به چیزشان می کنند، نامزدها و همسران علاقمند به یکدیگر از هر فرصتی برای گرفتن چیز یکدیگر و فشردن آن از روی مهر و علاقه غافل نمی شوند افراد هنگام سلام و خداحافظی چیزهای همدیگر را می فشارند و گاهی چیز خود را به عنوان بای بای تکان می دهند. روزی مردی را دیدم

نامه نمایندگان مجلس به روحانی در اعتراض به خوانندگی زنان

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران، ضمن انتقاد از تک نوازی و خوانندگی زنان در ایران، از ارسال نامه ای با امضای تعدادی از نمایندگان مجلس خطاب به حسن روحانی در اعتراض به برخی فعالیت های بانوان در زمینه موسیقی خبر داد.

از سوی دیگر طی ماه های گذشته، انتقادات فراوانی از سوی جریان های تندرو و محافظه کار در ارتباط با خوانندگی زنان در ایران، صورت گرفته است؛ از جمله در اواخر مهرماه بسیج دانشجویی چهل دانشگاه کشور، در نامه ای سرگشاده به وزیر ارشاد، نسبت به تک خوانی زنان اعتراض کردند.

در بیانیه آنها آمده بود: «اینجا تهران است، صدای ما را از رادیو ایران می شنوید، به گزارش واحد مرکزی خبر، روز ۲۵ مهر ماه

رادیو فردا: حسین نقوی حسینی، در گفت و گو با خبرگزاری مهر، با انتقاد از تک نوازی و خوانندگی زنان در برخی اجراها، گفته است: «نامه ای با امضای تعدادی از نمایندگان مجلس به حسن روحانی نوشته شد و مواردی را در این زمینه بیان و مراتب اعتراض خود را اعلام کردیم.»

به گفته این نماینده مجلس، «اگر مسئولان به دغدغه ها و خواسته های نمایندگان در این زمینه توجه لازم نکنند، مجلس از اختیارات و حدود قانونی خود برای حل



سال ۹۳ چهار کنسرت تک خوانی زنان در حضور مردان نامحرم و برای اولین بار به شکل هم زمان در بزرگ ترین تالارهای تهران و همراه با حرکات موزون برگزار شد.»

در پایان این نامه از رئیس جمهور خواسته شده بود تا او هرچه سریع تر در اصلاح امور فرهنگی و زدودن شائبه «ترویج بی عفتی» از دامان دولت، اقدام کند. در همین حال، مسئله مخالفت به حضور بانوان در موسیقی، حتی به خطبه های نماز جمعه هم کشیده شده و احمد علم الهدی، انتقادات شدیدی را نسبت به آن ابراز کرده است.

او اواخر مهرماه امسال، در تربیون نماز جمعه مشهد گفت: «اباحه گری و تک خوانی زنان و توسعه موسیقی در راستای منافع دشمنان اسلام و نظام است و در این دولت، کار به جایی رسیده که تک خوانی زنان در کشور رواج یافته و هدف، براندازی نظام است.»

در همین رابطه، پیروز ارجمند، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد، درباره انتشار اخبار تک خوانی بانوان اعلام کرد که «پس از پیروزی انقلاب، مجوز اجرای موسیقی توسط بانوان صرفاً برای مخاطبان زن

و بررسی این مشکل استفاده خواهد کرد.» نماینده شهر ورامین، در بخش دیگری از این گفت و گو، با اشاره به برخی فعالیت های بانوان ایرانی در زمینه موسیقی اعلام کرده است: «تک نوازی و خوانندگی زنان یکی از حرمت هایی است که در کشور شکسته شده و این موضوع ضد باورها و ارزش های دینی مردم ایران است و وزیر ارشاد و رئیس جمهور نسبت به رواج این موضوع مسئول بوده و باید پاسخگو باشند.»

طی ماه های گذشته، حضور و فعالیت بانوان ایرانی در برخی اجراهای صحنه ای با مخالفت ها و محدودیت های فراوانی روبرو بوده است. به عنوان نمونه، چندی پیش کنسرت گروه موسیقی «عرفان» که قرار بود در اصفهان روی صحنه برود، به دلیل حضور نوازندگان زن لغو شد.

این گروه قرار بود در جریان آیین افتتاح «جشنواره بین المللی میراث معنوی» و پس از آن در «هنرسرای خورشید» اصفهان، اجرای برنامه داشته باشد که اجازه حضور نوازندگان زن، روی صحنه داده نشد و کنسرت لغو شد.

عملی پیشگامانه در لهستان یک فلج نخاعی را به حرکت در آورد

پزشکان لهستان با کمک و مشورت دانشمندان بریتانیایی توانسته اند طی عملی پیشگامانه و از طریق پیوند سلولی، فردی را که از ناحیه طناب نخاعی آسیب دیده و از کمر به پایین فلج شده بود، بار دیگر به حرکت در آورند.

به ستون فقرات فرد تحت درمان، پیوند زده شده است. دارک فیدیکا، فرد آسیب دیده، در سال ۲۰۱۰، از پشت، چندین بار مورد اصابت چاقو قرار گرفته بود. این حمله او را از کمر به پایین فلج کرد. خبرگزاری رسمی لهستان از قول پرفسور جف رایسمن، متخصص مغز و اعصاب از «کالج دانشگاهی لندن»، که مسئولیت گروه بریتانیایی را بر عهده داشت، نقل کرده است که این رخداد از فرستادن بشر به ماه برای انسان ارزشمندتر است.

دنباله مطلب در صفحه ۴۶

خبرگزاری رسمی لهستان، «پاپ»، می گوید عمل ها و تلاش هایی که از پایان سال گذشته میلادی آغاز شده بود، توسط پزشکان کلینیک جراحی مغز و اعصاب در شهر وروتسلاو، در غرب لهستان، با همکاری دانشمندان بریتانیایی انجام شده است. پزشکان لهستانی را دکتر پاول تاباکوف، متخصص مشهور و نسبتاً جوان، هدایت کرده است. این روش درمانی در تازه ترین شماره نشریه «پیوند سلولی» نیز منتشر شده و در آن سلول های عضو بویایی

صادر شده که همواره مورد تایید نظام بوده و تاکنون هیچ مجوزی برای اجرا و تکخوانی بانوان در حضور آقایان صادر نشده است. اما علی جنتی، وزیر ارشاد دولت حسن روحانی، نظر متفاوتی در زمینه تک خوانی بانوان دارد. او که برای

پاسخ در این زمینه، به مجلس هم فراهانده شده بود، در این رابطه گفته است: «در مورد تک خوانی خانم ها، من نظر علما را مد نظر قرار داده ام که قید دارند تک خوانی و جمع خوانی مهم نیست، بلکه مهم این است که مفسده نباشند.»

مطمئن باشید منزل شما عاری از هر گونه وسیله ایست که میتواند سبب خطر برای کودکان باشد.

مطمئن باشید که یکایک دستگاه های تشخیص دود و آتش بدرستی کار میکنند.

تمام قسمت های منزل را منظم نگاه دارید، و مطمئن باشید که به اندازه کافی نور در کلیه اتاق ها وجود دارد تا موجب خطرات احتمالی مانند لغزیدن میهمانان نگردد.

اتاق میهمانان

مطمئن باشید تمام قسمت های منزل از نور کم سویی در شب برخوردار هستند، از آنجایی که ممکن است میهمانان در تاریکی به دلیل کمبود آشنایی با منزل جهت خود را گم کنند.

اگر فرشی در منزل دارید، سعی کنید آنرا هنگام شب جمع کرده تا موجب لغزیدن میهمانان نگردد.

آیا شما خود را دارای بیمه

مناسبی در این تعطیلات میبینید؟

اکنون که شما در تدارک مکانی مطمئن و آماده برای خویشان و میهمانان خود هستید، این زمان مناسبی است تا بیمه منزل خود را نیز مجدداً مروری کنید. جهت هرگونه پرسش در مورد بیمه خود لطفاً با من تماس بگیرید. مترجم: ژوزف شهیدی

ادامه مطلب برای آنها که ... از صفحه ۸

کرده می خورد. آبجی بافتنی می بافت، تند تند چای می آورد و پرتقالها را نیمه پوست می گرفت که ما حتما بخوریم. آبجی چهار سال پیش رفت. من آن موقع این جا بودم؛ این سر دنیا. ساعت خاک سپاری اش گریه نکردم، فقط رفتم لب رودخانه سر کوچه. تنها. نشستم روی نیمکت. صورتش را تصور کردم. گونه براقش و گودی بالای چشمش را. تصور کردم که خوابیده جایی بین خاک و بچه هایش که پخش شده اند در همه دنیا، بچه هایی که آن ها را نزاییده اما به آن ها عشق ورزیده، بچه هایی که بالای سرش بودند یا نبودند، هر کدام به روش و اعتقاد خودشان سوگوار بودند. دلم می خواست گریه کنم اما نکردم. فقط سعی کردم دست هایش را بچشم کنم؛ ناخن هایش را؛ مهربانی اش را. آن شب توی نعلبکی خروسی که در آخرین سفرم به ایران به من هدیه داد، چای خوردم. چای که پایین رفت، بغضم ترکید. خیلی گریه کردم. مثل بچه ای که مادر بزرگش را خاک کرده باشند. مثل آدمی که خاطره هایش را برده باشند. می دانم که می دانست چه قدر جایش خالی است. می دانم که می فهمید چه قدر از رفتنش غمگینم. می دانست، می فهمید. بی انصافی است اگر فکر کنیم برای درک این چیزها باید حتماً باید یکی از ما را زاییده بود...

مطمئن باشید منزل شما عاری از هر گونه وسیله ایست که میتواند سبب خطر برای کودکان باشد.

مطمئن باشید که یکایک دستگاه های تشخیص دود و آتش بدرستی کار میکنند.

تمام قسمت های منزل را منظم نگاه دارید، و مطمئن باشید که به اندازه کافی نور در کلیه اتاق ها وجود دارد تا موجب خطرات احتمالی مانند لغزیدن میهمانان نگردد.

دستشویی و حمام

هرگونه دارویی را دور از دسترس میهمانان، بخصوص اطفال نگاه دارید.

بازدید مجددی از دستگیره های داخل حمام بکنید تا مطمئن شوید خطری از قبیل لغزش کسی را تهدید نمیکند.

از پا دری های زیر در حمام استفاده نموده تا خطر لغزیدن را کاهش دهید.

آشپزخانه

مطمئن باشید کودکان دسترسی به اجاق گاز و غذای در حال پخت ندارند.

تمام خوراکی ها باید دور از مواد تمیز کننده قرار داشته باشند و کلیه کمد و کشوها پس از استفاده کاملاً بسته باشند.

تعطیلات فرا میرسند! آیا آماده هستید؟

سحر صلاحی مشاور بیمه



برای برخی از مردم، تعطیلات زمستان میتواند شادترین ایام سال باشد. ولی این فصل، همچنان میتواند عده ای دیگر را دچار خستگی و استغراق روحی کند. اگر شما جزو گروه دوم هستید، موارد زیر برای ممانعت از چنین تشویش و پریشانی به شما توصیه میشود.

جویای کمک و حمایت باشید. از همسر، اعضای خانواده، دوست، مشاور، و یا دکتر خود تقاضای کمک کنید. در چنین اوقاتی گفتگو در مورد احساساتتان میتواند نقش بسزایی در کاهش دردی که متحمل شده اید داشته باشد. با اجتماع معاشرت کنید. سعی نکنید خود را در انزوا نگاه دارید. با اعضای خانواده و یا دوستانتان به سفر بروید. با کسانی که به شما علاقه دارند و غمخوار شما هستند وقت بگذارید. وقت خود را داوطلبانه صرف کمک به دیگران کنید. گذراندن اوقات با محتاجان نه تنها کمکی برای آنان بلکه شما

بوده سازی؛ برای دادن هدایا برنامه ریزی کنید و بودجه ای را از قبل برای آن در نظر بگیرید. برای پیدا کردن بهترین هدیه، خود را دچار نگرانی و اضطراب نکنید. سعی کنید خرید خود را نسبت به بودجه تعیین شده و به موقع انجام دهید.

برای گرد آمدن با اقوام و خویشان برنامه ریزی کنید. توصیه میشود از غذاهای



را نیز از تنهایی و انزوا دور خواهد کرد.

مواظب سلامتی خود باشید

رژیم غذایی سالم و متعادلی داشته باشید

بظور منظم ورزش کنید.

به اندازه کافی بخوابید.

اگر احساس پریشانی و یا خستگی میکنید، به خود استراحت کوتاهی بدهید.

روال عادی روزانه ای برای خود برقرار کنید.

منزل خود را برای تعطیلات آماده کنید.

آیا در این فصل تعطیلات خود را برای میهمانانتان آماده کرده اید؟

علیرغم اینکه میهمان شما به مدت یک روز یا بیشتر در منزل شما بماند، نکات زیر به شما کمک خواهد کرد تا منزلی بمراتب راحت تر و عاری از هر گونه دغدغه فکری داشته باشید.

ورودی منزل

کلیه راهروهای ورودی، پله ها، و ایوان را کاملاً تمیز و بدون هیچگونه یخبندان و یا برف نگاهدارید.

مطمئن باشید تمام چراغ های بیرون منزل در هنگام غروب روشن میشوند.

جایگاهی برای کفش و چکمه های میهمانان خود در نظر بگیرید تا موجب لغزش آنان نگردد.

اتاق نشیمن

اگر میهمانان شما دارای فرزند هستند،

آمده (خریداری شده) استفاده کنید. از این طریق شما مجبور به پخت و پز برای کلیه میهمانان نخواهید بود و یا میتوانید از میهمانان خود بخواهید تا غذای مورد علاقه خود را به همراه بیاورند، این میتواند از بار زحمات شما بکاهد. برای وقت گذراندن با دوستان برنامه ریزی کنید. برای مشغله و سرگرمی هایی که از آن لذت میبرید وقت بگذارید. بعد از ملاقات با دوستان و خویشان برای خود وقت فراغت و استراحت بگذارید. از وقت و زمان خود بدرستی استفاده کنید. موارد قابل اولویت را برای خود یادداشت کنید. هیچگاه اهداف غیر ممکن برای خود تعیین نکرده و خود را بیش از اندازه متعهد نکنید.

به روح و بدن خود گوش دهید؛ اگر احساس خستگی و ضعف میکنید، بهتر است کمی استراحت کنید.

ملاطمت و فستگی بعد از تعطیلات

در حالی که این اوقات سال برای عده ای لذتبخش است، برای برخی دیگر همراه با غم و اندوه میباشد. مغایرت با چنین ایام شاد میتواند احساس تنهایی و برآشفستگی را در برخی از افراد بیفزاید. نکات زیر برای دفع چنین ناسامانی های پس از تعطیلات به شما کمک خواهد کرد.



(408) 345-3848

355 Santana Row #1010, San Jose, CA 95128

Blowfish Sushi Presents

**Happy Hour
4-7pm
Everyday**

**Under New
Operations**

**Middle
Eastern
Night**

Every Thursday

11:00pm - 1:30 am

DJ ANO

**Top 40 - Hip Hop - Middle Eastern
Epic Music Ent.**

**Monday-Friday
Lunch:
11:30am-2:30pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

**Saturday & Sunday
Lunch:
11:30am-5:00pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

Blowfishsushi.com - 355 Santana Row, STE 1010 San Jose, Ca 95128 - 408 345 3848

آلودگی هوا در ایران کشتار سالانه ۴۵۰۰۰ نفر جلال ایجاد می‌کند

سازمان جهانی بهداشت براساس ارزیابی جدید سال ۲۰۱۴، اعلام نمود که آلودگی هوا مهم‌ترین عامل مرگ و میر در جهان است. این سازمان بر آنست که یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر در جهان در معرض مستقیم آلودگی هوا قرار دارند و بر پایه بررسی دقیقتر در سال ۲۰۱۲ تعداد ۷ میلیون نفر در دنیا به دلایل مستقیم یا غیرمستقیم و بسبب آلودگی هوا در فضای بیرونی و داخلی، جان خود را از دست داده اند. سازمان جهانی بهداشت براساس ارزیابی جدید سال ۲۰۱۴، اعلام نمود که آلودگی هوا مهم‌ترین عامل مرگ و میر در جهان است. این سازمان بر آنست که یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر در جهان در معرض مستقیم آلودگی هوا قرار دارند و بر پایه بررسی دقیقتر در سال ۲۰۱۲ تعداد ۷ میلیون نفر در دنیا به دلایل مستقیم یا غیرمستقیم و بسبب آلودگی هوا در فضای بیرونی و داخلی، جان خود را از دست داده اند. در واقع از هر ۸ مورد مرگ در دنیا یک مورد بر اثر آلودگی هواست. این مرگ و میر به ویژه مربوط به آسم، برونشیت، تنگی نفس و ایست قلبی و آلرژی‌های مختلف تنفسی و سرطان است.

آلودگی هوا در جهان
جو یا اتمسفر پیرامون زمین سامانه گازی طبیعی پویا و پیچیده‌ای است که زندگی در سیاره زمین به آن بستگی دارد. کاهش و فرسودگی لایه ازن استراتوسفر به سبب آلودگی هوا، دیر زمانی است که بعنوان خطرمه‌ی برای تندرستی مردمان و نیز زیست‌بوم‌های زمین شناخته شده است. در شهرها، خودروها و اتوبوس‌ها، موتورهای نیز هواپیماها، صنایع و ساختمان‌سازی منشا آلودگی هوا می‌باشند. در خارج از شهرها غبار حاصل از شخم زدن زمین به وسیله



انسان سمی است. شوازه‌های شهری و آگروز خودروها در شهرها آلاینده‌های متعددی از جمله مونوکسید کربن، دی‌اکسید نیتروژن، دی‌اکسید گوگرد، ذرات معلق از جمله

پیشاور - پاکستان، گابورن - بوتسوانا، یاسوج - ایران و کانپور - هند. چهار شهر از میان ده آلوده‌ترین شهر در جهان در کشور ما قرار دارد. یکی از نتایج این آلودگی تخریب سلامت انسانهاست. بر اساس گزارش ایسنا سالانه ۴۵ هزار نفر در کشور بر اثر آلودگی هوا می‌میرند. (۲۷ مهر ۱۳۹۳). بطور مسلم این ارزیابی از واقعیت دور است و میزان مرگ و میر فراتر از آمار دولتی است و ارزیابی از بیماری‌ها در ایران نادقیق می‌باشد. حال اگر به همین آمار بسنده کنیم، مرگ ۴۵۰۰۰ نفر شهروند را چگونه باید توصیف نمود؟ بنظر می‌رسد که واژه «کشتار» مناسب‌ترین واژه است. در این زمینه توضیح چند نکته ضروری می‌باشد.

ذرات کوچکتر ۱۰ میکرومتر، بنزن، فرمالدئید و هیدروکربن‌های چندحلقه ای در هوا پخش می‌کند. در صورتی که شاخص‌های این مواد از سطح استانداردها فراتر رود، این آلاینده‌ها می‌توانند به شدت سلامت عمومی را در معرض خطر قرار دهند.

آلودگی هوا در ایران و کشتار شهروندان

بر اساس گزارش دیگری از سازمان بهداشت جهانی، در بررسی وضعیت آلودگی شهرهای جهان، شهرهای ایران، هند و پاکستان در میان آلوده‌ترین شهرهای جهان و شهرهای ایالات متحده و کانادا جزو پاک‌ترین شهرهای جهان قرار گرفتند. تعداد ۱۰ شهر آلوده جهان به ترتیب عبارتند از: اهواز - ایران، الانباتار - مغولستان، لودانا - هند، سندنج - ایران، کویت - پاکستان، کرمانشاه - ایران،



ارتش آمریکا استخدام می‌کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، مأموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری‌ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاش‌های نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می‌توانید در ارتباط با شغل مترجمی و یا موقعیت‌های دیگر در ارتش آمریکا، سؤالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سؤالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your Citizenship within six to eight months



For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

Sergeant Jamie Laurent 650-248-4760

Burlington coat factory

Great Deals for Women, Men, Kids & Baby

Vibrant dresses and handsome suits starting at just \$21.99



Mens Shirts



MENS PANTS



WOMENS DRESSES



Boys Dresswear



GIRLS DRESSES



Girls Shrugs



Mens Suits & Suit Separates



Jewelry & Accessories



For Home



Womens Suit Separates



Toys & Books



Baby Depot

CITRUS HEIGHTS, 6145 San Juan Avenue (916) 729-1002
DALY CITY, 99 Southgate Avenue (650) 997-0733
ELK GROVE, 9175 E. Stockton Blvd (916) 687-6192
GILROY, 6900 Chestnut Street #a-1 (408) 847-0918
MILPITAS, 1400 Great Mall Drive (408) 934-9630
SACRAMENTO, 5601 Florin Road, Store 101 (916) 399-5726
SAN JOSE, 1600 Saratoga Avenue (408) 378-2628

CONCORD, 1675 Willow Pass Road (925) 687-3355
DUBLIN, 6900 Amador Plaza Road (925) 875-0712
FRESNO, 5630 North Blackstone (509) 432-2628
HAYWARD, 1000 La Playa Drive (510) 782-7073
PITTSBURG, 4105 Century Boulevard (925) 754-5513
SAN FRANCISCO, 899 Howard Street (415) 495-7234
STOCKTON, 3702 East Hammer Lane (209) 477-6227

ادامه مطلب آلودگی هوا ... از صفحه ۴۴

واژه «کشتر»

برخی ممکن است واژه و توصیف «کشتر» در زمینه محیط زیستی را بی معنا و غلوآمیز تلقی نمایند، زیرا این واژه نه تنها بیانگر یک جمعیت انبوه است بلکه بعلاوه توصیف یک اقدام ارادی جنایتکارانه است. مرگ هزاران نفر به سبب عوامل طبیعی مانند توفان و سیل و زلزله یک اقدام ارادی نیست و همسان کشترهای سیاسی و نژادی و مذهبی و نظامی نمی باشد. حال آنکه قتل انسانها توسط نازیسم، نابودی انسانها با بکارگیری بمب اتم و سلاحهای شیمیایی، قتل عام دو میلیون در کامبوج توسط خمرهای سرخ و قتل صدها نفر در جنگ قومی «رواندا»، یک جنایت علیه بشریت و کشتر است. مرگ ۴۵ هزار نفر بخاطر آلودگی هوا در ایران تنها یک واقعه دردناک عادی و ناشی از بهم ریختگی عوامل طبیعی نیست. درست است که هوا فاقد کیفیت زیستی است و بلحاظ مجموع الاندازه ها سلامت و جان انسان را تخریب می کند. پرسش این است که در جهان و در ایران نقش عوامل طبیعی و نقش انسان در تخریب چگونه قابل ارزیابی است؟ نقش جهان صنعتی و نقش تمام دولتها را باید بررسی نمود و در ایران نیز پرسش اساسی اینجاست که تخریب هوای اقلیمی ناشی از چیست؟

علل کشتر و مسئولیت در مدیریت

متأسفانه آلودگی در جهان گسترده است و آنهم ناشی از پخش گازهای زیان آور و فعالیت صنعتی و اقتصادی آدمیان و بی مسئولیتی مدیران سیاسی و اقتصادی است. حال براساس گزارش سازمان جهانی بهداشت در جهان ده کشور بدترین وضعیت اقلیمی را دارند. اگر در ده کشور و از جمله ایران وضع بسیار وخیم است برای آنستکه الگوی فعالیت اقتصادی و شهری نابسامان و مدیریت زیستبومی بدترین نوع مدیریت است. مدیریت کلان و خرد ایران بطور کامل زیان آور است. در ایران وجود میلیونها خودرو و کامیون و موتور فرسوده و کهنه، استفاده گازوئیل آلوده و بنزین سم دار که با استاندارد جهانی خوانائی ندارد و بگفته متخصصان سرطان زا می باشد و همچنین فعالیت سوختی فسیلی بنگاههای صنعتی، منشا آلودگی هوای کشور و در نتیجه علت اصلی رشد بیماری ها است. البته عوامل دیگری در رشد بیماری ها دخالت دارند؛ سطح بالای نیترات آب آشامیدنی، استفاده

ادامه مطلب چند توصیه ... از صفحه ۳۸

گسترده از سموم آفت کش و کودهای شیمیایی نیترا ته در کشاورزی نیز از جمله عوامل سرطان زا می باشند. بعلاوه از یاد نبریم که خشک شدن دریاچه ها و رودها و توسعه بیابانزائی و افت مناطق مرطوب، هوا را خشک تر نموده و زمینه خیزش و انتقال ریزدگرهای مسموم را آسانتر ساخته و تمامی مناطق ایران را در معرض خطر آلودگی قرار داده است. آلودگی هوا با توجه به ابعاد آن و سموم شیمیائی آن، خطر بزرگ در رشد بیماریهای گوناگون ریوی و تنفسی و از جمله سرطان است. سالیانه ۷۰ تا ۸۰ هزار مورد جدید سرطان در کشور کشف می گردد و در حال حاضر در حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار بیمار سرطانی در کشور وجود دارد. (سایت دکتر احتجاب). طبق آمار رسمی میزان بروز سرطان در کشور طی ۲۰ سال آینده ۲ برابر می شود. مسئولیت این نابسامانی به عهده چه کسی است؟ این نابسامانی اقلیمی و آلودگی از آسمان نمی آید؛ بلکه نتیجه سیاست اقتصادی رانتی و تصمیمگیری دولتی و بی توجهی کامل به سلامت انسان ها در مملکت ماست. اگر وضع شهرهای ما و کشور ما از نظر آلودگی ها خراب است، اگر سالانه ۴۵ هزار ایرانی به سبب آلودگی هوای می میرند، اگر میزان بیماری های ناشی از آلودگی در رسانه ها پخش نمی شود، اگر بنزین سمی در بازار ایران متداول است و اگر اقتصاد ایران فسیلی و صنعت فرسوده است، تمامی این پدیده های ناهنجار و دلخراش ناشی از سیاست ریز و درشت حکومتی است. مدیریت کلان مملکت منفی و مخرب است و بی مسئولیتی بخش خصوصی و الگوی مصرفی در جامعه، تشدید کننده بحران است.

پرا ما از کشتر به درد نمی آئیم؟

ما برای یک یک افراد سیاسی اعدام شده و یا در بند، بدرستی احساس همدردی داشته، به درد آمده و فریاد می زنیم. ما برای اعتراض علیه اعدام غیرعادلانه ریحانه، بحق بسیج میشویم و تظاهرات می کنیم و مقاله می نویسیم، ما بحق علیه شکنجه در زندانها، علیه عمال حکومتی اسید پاش و آزار شهروند زن در شهر توسط گزرمه های اسلامی، اعتراض می کنیم، فراخوان می نویسیم و در رسانه ها خشم و اعتراض خود را به نمایش می گذاریم. در باره اقتصاد و سیاست خارجی حکومتی مقاله های بیشماری منتشر می گردد و حتا در مورد مسائل عادی مانند اختلاف نظر جناحهای حکومتی بطور مرتب نوشته ارائه میشود و رسانه ها با «کارشناسان» طبقه آخوندها مصاحبه های گوناگون تنظیم می کنند.

ادامه مطلب عملی پیشگامانه ... از صفحه ۴۱

پاهایش دست یابد. البته او پنج روز در هفته به مدت پنج ساعت به فیزیوتراپی و تمرین پرداخته است. دارک فیدیکا به بی بی سی گفته است «وقتی تقریباً نیمی از بدنت را حس نمی کنی، هیچ کاری از دستت بر نمی آید. وقتی حس دوباره باز می گردد، انگار دوباره زاده شده ای!»

با این همه روزنامه نیویورک تایمز از قول دکتر مارک توشینسکی، مدیر بخش مغز و اعصاب دانشکده پزشکی دانشگاه کالیفرنیا، می نویسد این عمل «در بهترین حالت هنوز نارس است و در بدترین حالت، هیچ نتیجه ای از [درمان] یک بیمار نمی توان گرفت».

پرفسور رایسمن و تیم او، به گفته این پزشک بریتانیایی به روتترز، اکنون مشغول برنامه ریزی برای تکرار روش درمانی بر سه تا پنج بیمار طی سه تا پنج سال آینده هستند.

ولی احساس و واکنش به کشتر ۴۵۰۰۰ ایرانی چگونه است؟ متأسفانه جامعه ایران و نخبگان داخل و خارج به این کشتر اعتنائی ندارند. حساسیت زیست محیطی و توجه حقوق بشری از نگاه زیست محیطی در بین نخبگان جائی ندارد و در عمل مرگ انسان در این زمینه فرعی و ناچیز بشمار می آید. جان و روان و سلامتی هزاران انسان در کشور ما به سبب آلودگی هوا و گازهای سمی آن از بین می رود و نظام موجود در این تخریب نقش درجه اول دارد، ولی سازمانها و احزاب سیاسی بی تفاوت از کنار این شرایط دردناک می گذرند و کنگره ها و نشست های آنان از

بحث در این عرصه اجتناب می کنند. گویا گرفتن جان انسانها از طریق آلودگی هوا مسئله خطیری نیست. گویا جان یک انسان فقط آن زمانی ارزش دارد که در عرصه سیاسی مورد هجوم قرار گیرد. حقوق بشر نه تنها از نظر سیاسی و اجتماعی بلکه از جهت زیست محیطی نیز مطرح است و هرگونه محرومیت انسان از شرایط زیستی انسانی قابل محکوم نمودن است. سلامتی و زندگی انسان آنجا که به خطر بیافتد باید به اقدام اعتراضی و طغیان علیه مسئولان منجر گردد، زیرا مسئولان حکومتی مجرم هستند و در این کشتر ۴۵۰۰۰ نفری دست دارند.

بهشت و دوزخ ما در این جهان در دستان خود ماست. نیکی پاسخ نیکی است و بدی سزای بدی. نتیجه زندگی ما حاصل اعمال ماست. زرتشت

سراب سرمایه گذاری امن در ایران، یا چگونه یک سپاهی سر من کلاه گذاشت

بهرز مینا

با خوشدلی با آدمها وارد مشارکت می شوند: «آنها فکر می کنند دادگاه های ایران برای فعالان اقتصادی همان حاشیه امنیتی را ایجاد کرده اند که دادگاه های اروپایی یا آمریکایی می کنند.» اعتماد آنها به قول و قرارهای لفظی و قراردادهای کتبی بظاهر کارشناسی شده در تهران ساده لوحانه و حتی بچگانه بنظر می رسد و «آنها را به طعمه های خوبی برای شیدان و فرصت طلبان تبدیل می کند.»

از طرف دیگر همه می دانند که سرمایه گذار خارجی، چه ایرانی مقیم خارج باشد چه نباشد در نهایت زندگی در خارج از کشور است: «هزینه فرصت ایرانیان خارج از کشور برای پیگیری دعای حقوقی در ایران بسیار بالاست و همه آدم های اینجا این را می دانند و روی آن برنامه ریزی می کنند.» در نهایت بنظر علی آدمی مثل مسعود از روز اول بازنده بوده است: «ایران جایی نیست که آدم بخواد در آن سرمایه گذاری کند، با حجم گسترده فساد اداری آدم هایی مثل آدم قصه شما هیچ سپر حمایتی ندارند.»

این روزها، در گوشه و کنار، رسانه های رسمی حکومت ایران در حال تبلیغ نتایج کسب شده در لندن هستند. شرکت کنندگان در کنفرانس هم احتمالا فرازهای پیام خوشامد گویی محمد نهاوندیان، رئیس دفتر رییس جمهور ایران و رییس سابق اتاق بازرگانی را بخاطر سپرده اند. پیامی که در آن از بازارهای رقابتی و فضای مناسب کسب و کار صحبت شده است. حتی افراد دودلی مانند سول مدیر شرکت تبلیغاتی و خدمات بازرگانی WPP در این کنفرانس اذعان کرده اند «به استثنای مریخ و ماه، در کمتر جایی این همه فرصت های دست نخورده و بکر در چنین مقیاسی یافت می شود!» ولی آدم هایی مثل مسعود می دانند ایران کماکان می تواند مسلخ سرمایه گذاران باشد که با امید و آرزو وارد بازار آن می شوند تا در هزار توی فساد و پیشفرض های اشتباه، دارایی خود را از دست بدهند. در واقع، منابع ماه و مریخ هر قدر هم که دست نخورده باشند، جو لازم برای استخراج آنها وجود ندارد.

«اینجور که او می گفت بعد از دو یا سه سال دوندگی به فرض پیروزی در دادگاه اجرای حکم می تواند با مشکلات بسیاری مواجه باشد.»

علی این حرف را تایید می کند: «در تهران و در ایران، پس گرفتن یک وام بدون ضمانت های کافی با پشتوانه نقدی قفل شده در بانک تقریبا غیر ممکن است.» دادگاه های ایران که به سرعت عمل در محکوم کردن منتقدان سیاسی و فعالان اجتماعی معروفند با سرعتی حلزونی به پرونده های اقتصادی رسیدگی می کنند. علی بارها شاهد مالباختگانی بوده که در دادگاه ها و ادارات دولتی ایران می کوشند بخشی از سرمایه خود را زنده کنند و هرگز موفق نمی شوند: «دیدن این آدمها اعصاب می خواهد، همه جامعه از آنها طلبکار است که چرا الکی به کسی اعتماد کرده اند و آنها فقط می خواهند بتوانند بخشی از داراییشان را پس بگیرند.»

مسعود خیلی زود متوجه شد که واقعیت فعالیت اقتصادی در ایران با در باغ سبزی که فامیلش به او نشان داده بودند متفاوت است: «یکی از مدیران طرف قرارداد شرکت به من گفت یک قاضی می شناسد که با ۵۰ میلیون کار مرا حل می کند و حکم خواهد داد ولی اجرای آن بعهده خود من است.» بنظر مسعود ایران سرزمین فرصت های اقتصادی یک جنگل فساد اداری و قضایی هم هست که می تواند با بی رحمی شاهد پاره پاره شدن آدمها بدست گرگ ها باشد. او تصمیم به بازگشت گرفت: «فکر کردم جایی که قاضیش را می شود با ۵۰ میلیون، پول یک دستگاه ماشین، خرید و فروش کرد، نفر بعدی با خرید یک قاضی دیگر، من را پای دار خواهد فرستاد.» او همان روز به آپارتمان مسکونیش رفت، حساب هایش را بست و به آمریکا برگشت.

علی تجربه مسعود را منحصر بفرد نمی داند: «آدم های زیادی به تهران می آیند و وارد فضای کسب و کار می شوند، غافل از اینکه قواعد بازی و پیش فرضهای حاکم بر فضای کسب و کار در ایران بسیار متفاوت است» در درجه اول بنظر علی می آید که ایرانیان مقیم خارج از کشور به اعضای خانواده خود بی اندازه اعتماد دارند و

اش افراد خوش قول و دارای ارتباطات فراوان هستند.» گام اول تاسیس شرکت بود. قرار شد مسعود و شریک تازه اش یک شرکت در تهران ثبت کنند. دفتری را در غرب تهران رهن کردند و بعد بازسازی دفتر شروع شد: «شریکم در هر گام اصرار داشت که بهترین دکور و بهترین تجهیزات انتخاب شوند.»

مسعود که به بریز و بیاش معمول در تهران عادت نداشت ابتدا با کراحت تن به این قضیه داد: «برای ثبت شرکت یک مشاور استخدام شد، به آمریکا برگشتم تا پیگیر کارها باشم.» در تهران کار ثبت به مشکل می خورد، اول عدم سوء پیشینه مسعود گم می شود و بعد حساب مشترک به بهانه غیبت او افتتاح نمی شود: «ولی ما قرارداد داشتیم و اولین پارتی اجناس برای تهران ارسال شد.» شریک مسعود همیشه از گرانی هزینه ها و کمبود سرمایه می نالید: «ظرف شش ماه، ۱۵۰ هزار دلار در تهران هزینه کرده بودم بدون آنکه ثبتی در کار باشد.» در سفر دوم مسعود برای انگشت نگاری و گرفتن عدم سوء پیشینه مراجعه می کند. مدارک آماده می شود تا شرکت به ثبت برسد ولی مسعود متوجه می شود که شرکت سه ماه پیش به ثبت رسیده بوده است، تمام سهام بنام شریک و پدر شریکش ثبت شده بود. مسعود که خود را سهامدار شرکت می دانست قربانی یک کلاهبرداری ۵۰۰ میلیون تومانی بود و وارد نیمه تاریک ماه شده بود: «همه آدم ها ناپدید شدند.»

دوستان مسعود و معرف های شریکش، تلفن های او را بی پاسخ می گذاشتند: «معرف این آدم بعد از تلفن دوم، پای تلفن شروع کرد به فریاد کشیدن و ناسزا گفتن و به من گفت که خودت باید چشمهایت را باز می کردی.»

همه آدمها به مسعود می گفتند که بهتر است از پولش صرفنظر کند: «حتی آدم هایی که از این آدم تعریف می کردند، می گفتند مواظب باش می تواند نیست و نابودت کند.» دست آخر مسعود به یک وکیل مراجعه کرد تا ادعای خسارت کند. وکیل مسعود به او اعلام کرده بود که مدارک محکمه پسند کافی در اختیار ندارد و حتی اگر هم چنین مدارکی داشت مراحل دادرسی بسیار طولانی می تواند باشد:

چندی پیش، لندن میزبان بیش از دویست مدیر و فعال بازرگانی ایرانی و غیر ایرانی بود که در کنار سیاستمداران اروپایی در همایش فرصت های سرمایه گذاری ایران شرکت کردند. فضای کنفرانس مثبت بود و خبرهای رسانه های رسمی درباره آن امیدوارکننده است. سیاستمدارانی مانند جک استراو توری درباره روابط اقتصادی با ایران صحبت کردند که جویندگان طلا درباره معادن گمشده آمریکای جنوبی صحبت می کنند. همه می گویند سرمایه گذاران به ایران باز می گردند و با خود اشتغال و رونق اقتصادی به ارمغان می آورند، منابع عظیم طبیعی و پتانسیل های اقتصادی واژه هایی هستند که زیاد شنیده می شوند

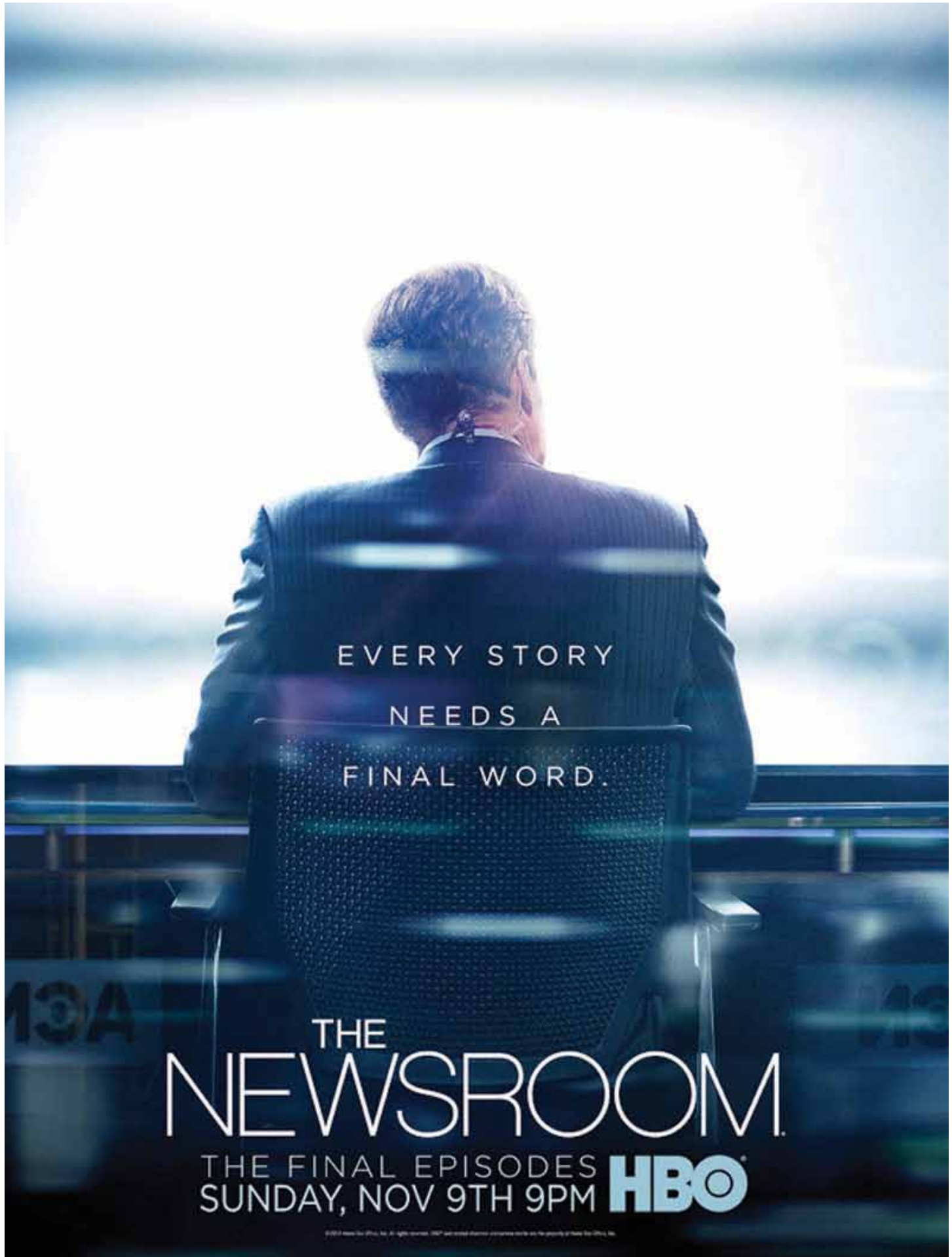
ولی آیا واقعا اینطور است؟

علی، یک استاد دانشگاه که در تهران مشاور بانک های خصوصیت، به ایران وایر می گوید: «این تصور که فرش قرمز برای همه سرمایه گذاران خارجی پهن شده است غلط انداز است.» شرکت هایی که در کنفرانس لندن شرکت کردند، اغلب طرف حساب دولت ایران و شرکت های دولتی ایران بودند، اغلب از حمایت دولت هایشان برخوردارند و از هم اکنون ضمانت های کافی دریافت کرده اند.

سرمایه گذاران خارجی خرده پا و ایرانیان مقیم خارج از کشور که به بازگشت به فضای کسب و کار در ایران می اندیشند، تجربه کاملا متفاوتی دارند. داستان ایشان، شرح گرفتار شدن شان در بیج و خم ادارات و هزار توی دادگاه هاست و قصه سوء استفاده های گسترده ای که از آنها می شود.

مسعود یکی از ایرانیان مقیم ایالات متحده است که بعد از پیروزی حسن روحانی به فکر بازگشت به ایران افتاد و بعد از توافق ژنو عزم خود را برای برگشتن به ایران جزم کرد. او می خواست در زمینه تجهیزات پزشکی و اقلام دارویی فعالیت کند و از طریق یک وکیل در ایالات متحده در پی کسب مجوز کار بازرگانی با ایران بود: «وقتی که به ایران رسیدم، همه از فکرم استقبال کردند.» دلگرم از استقبال دوستان به توصیه یکی از دوستان خانوادگی مسعود با فرزند یکی از افسران بازنشسته سپاه وارد مشارکت شد: «همه می گفتند که او و خانواده





ادامه مطلب چند توصیه ... از صفحه ۲۷

یا خشن به دنبال شامپوهایی باشید که دارای سیلیکون هستند هرگونه شامپویی که به cone ختم می‌شود) بگذارید شامپو تا ۵ دقیقه روی موهایتان بماند.

اگر می‌خواهید موهای نرم و لختی داشته باشید از شامپوهای گیاهی استفاده کنید.

اگر موهای خشن و مجعدی دارید هفته ای یکبار از شامپوهایی که کراتین دارند استفاده کنید. به مدت ۱۰ دقیقه بگذارید روی موهایتان بماند. کراتین موها را تقویت می‌کند و از آسیب دیدن و فر شدن موها جلوگیری می‌کند.

ادامه مطلب حق قانونی ... از صفحه ۲۵

درخواست پدر، مادر بزرگ شرکت کند و یا ۴- در صورتی که بچه ها با هیچکدام از پدر و مادر زندگی نکنند. در هر صورت اگر پدر بزرگ و مادر بزرگ بخواهند قیم نوه هایشان شوند و یا فقط قانونا اجازه ملاقات داشته باشند باید مراحل لازم قانونی مربوط به این کار را طی کنند تا بتوانند از مزایای آن بهره مند شوند.

تو در میان بگذارم و برایم توضیح داد که شوهرش بتازگی بیکار شده و حالا نگران است که خودش هم کارش را از دست بدهد. به او گفتم در حال حاضر هیچ جای نگرانی نیست و از او خواستم که با فکر و روحیه ی بهتری کار کند. برایش توضیح دادم که اگر دائم به بیکاری فکر کند شاید واقعا این اتفاق بیافتد. از من خواست با شوهرش هم ملاقات کنم و با او صحبت کنم. سعی کردم هر دو را تشویق کنم که امیدوار باشند و با پشتکار و مقاومت بدنیا کار جدید باشند. این اعتقاد واقعی من است که آینده انسان ها در دست خودشان است. ترس و ناامیدی موجب شکست است.

گفتم: شکی نیست که روحیه ی مثبت و اعتماد بنفس شما، همچنین مهارت هایی که از پدر و مادر آموخته اید همراه با قدرت ابتکار و انعطاف پذیری از دلایل مهم موفقیت شما بوده است. کسانی که می توانند در مقابل طوفان های زندگی مقاوم بوده و دلسرد و نا امید نشوند، بر سختی ها غلبه خواهند کرد. شما نمونه ی بسیار خوبی از چنین افرادی هستید.

محصولات آرایشی و بهداشتی مناسب با نوع پوستتان انتخاب کنید. محصولاتی که چرب نیستند برای پوستهای چرب مناسب است، محصولاتی که چرب هستند برای پوستهای خشک و محصولاتی که مواد معدنی دارند برای پوستهای حساس یا جوش دار مناسب است.

سعی نکنید که جنس موهای طبیعی خودتان را عوض کنید. یاد بگیرید که چگونه می‌توانید موهایتان را با محصولات آرایشی یا بهداشتی خوب و روشهای خوب بهتر کنید. اگر موهای لختی دارید از شامپوهای حجم دهنده استفاده کنید. برای موهای مجعد

یک مورد دیگر که پدر بزرگ و یا مادر بزرگ امکان گرفتن حق ملاقات هستند، زمانی است که پدر و مادر بچه ها از هم طلاق گرفته باشند. اگر زن و شوهر هنوز مزدوج هستند، پدر بزرگ و مادر بزرگ ها نمی‌توانند از دادگاه درخواست ملاقات کنند، مگر اینکه:

۱- پدر و مادر از هم جدا باشند ۲- یکی از آنها حداقل برای یک ماه در جایی دیده نشده باشد ۳- یکی از والدین

خانگی بیاورد. یکی دیگر داوطلب شد که قهوه ی ویژه ای درست کند. همچنین تصمیماتی در مورد کم کردن مخارج گرفتیم. باین ترتیب محیط بیزنس ما از گذشته هم رونق بیشتری پیدا کرده است. کمی سکوت کرد و بعد گفت: عجیب است الان که اینها را برای شما تعریف می‌کردم یادم آمد که پدرم همیشه می‌گفت با مشتری ها باید مثل افراد خانواده رفتار کرد. هر وقت یکی از مشتری هایش بچه دار می‌شد و یا ازدواج می‌کرد، یک هدیه ی کوچک به آنها می‌داد. حالا می‌بینم که من هم ناخودآگاه از ذوق، استعداد و ابتکارات او بهره برده ام. فکری کرد و گفت: داشتم فکر می‌کردم که در تمام این مدتی که آمریکا دچار رکود اقتصادی است من هرگز اعتمادم از این جامعه سلب نشد.

شاید من زیادی خوش بین هستم، ولی ترجیح می‌دهم تحت هر شرایطی همچنان خوش بین باقی بمانم. همین چند هفته پیش یکی از کسانی که برایم کار می‌کند پیش من آمد و گفت نگرانی بزرگی دارم که مجبورم با

ادامه مطلب رمز موفقیت ... از صفحه ۱۱

مثبت، پشتکار و اعتماد بنفس جلو رفتم. در مدت آن یکسال آنقدر همه از کار من راضی بودند که نه تنها به مشتریان ما اضافه شد، بلکه من توانستم وسائل نو و جدیدی هم بخرم.

باز کمی سکوت کرد و گفت: صحبت با شما مرا به خاطرات گذشته می‌برد. فراموش کرده بودم که چقدر آن اولین سالی که کارها دست من بود در موفقیت سال های بعد من تأثیر داشت.

گفتم: بنظر می‌رسد شما بسیاری از خصوصیات یک شخص موفق را دارید. می‌خواستم بدانم در مقابل این بحران اقتصادی چه عکس العملی داشتید و آیا رویه ی متفاوتی را در پیش گرفتید؟

با هیجان گفت: اتفاقا این چیزی بود که من می‌خواستم برای دوستان توضیح دهم، ولی فرصت نشد. باز باید برگردم به گذشته و یک توضیح کوچک دیگری بدهم. پدرم مرد سخاوتمندی بود. کار و کوشش و اعتماد بنفس را از پدرم یاد گرفتم. مادرم قانع بود و همیشه ما را تشویق به پس انداز می‌کرد. به این ترتیب یا حساب خرج کردن و پس انداز را از مادرم آموختم. به این دلیل از ابتدا بخشی از درآمد را پس انداز کرده بودم و حتا کمی هم سرمایه گذاری داشتم. وقتی حدود ۲ سال پیش متوجه شدم اوضاع اقتصادی رو به وخامت است، یکرور نشستم و تمام مخارج را روی یک صفحه کاغذ نوشتم و از خود پرسیدم چه مخارجی هست که می‌توانم حذف و یا کم کنم. با تعجب دیدم رقم قابل ملاحظه ای را می‌شود کم کرد. سال پیش که دیدم رکود اقتصادی ممکن است به کار صدمه بزند، بلافاصله قیمت ها را ۱۰ درصد پائین آوردم. هدف من این بود که بهر وسیله ای شده مشتری نام را نگه دارم. جلسه ای با همه کسانی که با من کار می‌کردند گذاشتم و برایشان توضیح دادم که اوضاع اقتصادی چگونه است و از همه خواستم یک روش مبتکرانه هر چند هم که ساده باشد پیشنهاد کنند. تا بتوانیم بیزنس را زنده و پا برجای نگه داریم.

هر کس راهی پیشنهاد کرد و تقریباً توانستیم همه پیشنهادات را مرحله ی عمل در آوریم. برای مثال پیشنهاد خود من این بود که محیط کار را شاد و با طراوت نگهداریم که وقتی مشتری وارد می‌شود با شنیدن یک موسیقی دلپذیر و دیدن چهره های باز و شاد، احساس خوبی پیدا کند. قرار شد هر کس که در خانه اش گل دارد هر روز با چند شاخه گل بیاید. گل تازه به انسان روحیه می‌دهد. یکی از همکارانم داوطلب شد که یکروز در هفته شیرینی

من حالا بیش از گذشته می‌فهمم که موفقیت خودم را مدیون درسی هستم که از پدر و مادرم گرفتم. آنها آدم های مادی نبودند، بعکس سخت کوش و قانع بودند. گفتم: اراده، تصمیم، سخت کوشی و قانع بودن از خصوصیات است که می‌تواند راه موفقیت را برای هر کس باز کند. اگر حوصله دارید در مورد موفقیت خودتان هم برایم بگوئید.

(همیشه ی مثبت)

گفت: شاید تا همین نیمساعت پیش با دقت و روشنی به این موضوع فکر نکرده بودم. ولی چیزی که به نظر مهم می‌آید اینست که همیشه در زندگی امیدوار بودم و روحیه ی مثبتی داشتم. از مشکلات نمی‌ترسم. باز مجبورم به گذشته برگردم. وقتی نزدیک به ۲۰ سال پیش از ایران آمدم دخترم ۳ ساله بود. از ازدوایم راضی نبودم. از شوهرم جدا شدم و به آمریکا آمدم. از ابتدا تصمیم گرفتم که از موقعیت های مناسبی که در این جامعه وجود دارد استفاده کنم. در بیزنس خانم دیگری مشغول بکار شدم. در عین حال کلاس های متعددی در زمینه زیبایی برداشتم. تصمیم داشتم یا اصلا ازدواج نکنم و یا وقتی ازدواج کنم که از نظر مالی روی پای خودم باشم. همیشه مطمئن بودم که در اینجا موفق خواهم شد. زبان انگلیسی را به سرعت یاد گرفتم. پس از ۴ سال کار با آن خانم شریک شدم. تقریباً تمام کارهای بیزنس را من اداره می‌کردم. با چند خانم دیگر که با هم کار می‌کردیم دوست بودم و آنها مثل خانواده ی من بودند. دخترم را همه دوست داشتند. تصمیم من این بود که ۵ سال اول را برای درس خواندن، کار کردن و ایجاد یک پایه ی محکم برای زندگی بگذارم. ۶ سال پس از کار با این خانم، به من پیشنهاد کرد که بیزنس او را بخرم. خودش می‌خواست بازنشسته شود. در ابتدا تردید داشتم. راستش می‌ترسیدم که از عهده ی مخارج بر نیایم و سرمایه ام را از دست بدهم. این خانم زن فوق العاده ای بود وقتی تردید مرا دید گفت حاضر است تا یکسال بیزنس را در اختیار من بگذارد که ببینم می‌توانم به تنهایی آنرا اداره کنم یا نه. با هم قراردادی ویژه ای گذاشتیم. یادم است اولین روزی که قرار شد کارها را بدست بگیرم، شب قبلش تا صبح نخوابیدم. هیجان زده بودم. بالاخره نشستم و یک برنامه ی مفصل برای گرداندن امور نوشتم. یاد پدرم افتادم که چگونه با اعتماد بنفس و با اراده کار می‌کرد. حالا که به آن روزها فکر می‌کنم می‌بینم منم شاید مانند پدرم با روحیه



ادامه مطلب **بانوی اول**... از صفحه ۱.

باشد که زنان افغانستان مثل هرجای دیگر دنیا احترام شوند و آزادی داشته باشند. رولا غنی در اواخر دهه ۶۰ میلادی دانشجوی دانشگاه ساینس پو در پاریس بوده و مدتی نیز به عنوان خبرنگار آژانس فرانس پرس در بیروت مشغول کار بوده است.

خانم غنی، پیش از این در گفت‌وگویی با بی‌بی‌سی فارسی گفته بود که از چالش‌هایی که برای رسیدن به اهدافش در جامعه افغانستان با آنها روبروست، با خبر است اما او در حرف‌ها و نظراتش آزادی کامل دارد و می‌خواهد وقتی ریاست جمهوری را ترک می‌کند، میراثش این

ادامه مطلب **شکایت وزیر**... از صفحه ۱۵

تصمیم‌گیری‌ها از بالا صورت گرفته و از ابتدای فصل به دنبال این تغییرات بوده‌اند که حتی در فوتبال آماتور دنیا نیز این امر را مشاهده نمی‌کنیم.»
پیرموند نماینده اردیبل در مجلس شورای اسلامی هم در صحن مجلس، وزیر ورزش را متهم کرد که «علی دایی شهریار فوتبال ایران را مظلوم کرده» و در عوض علی کریمی را «لوس و نتر» بار آورده‌است و مسئولیتی خارج از ظرفیت‌اش به او سپرده. پیرموند گفت این رویه وزیر ورزش، «خسران آور» خواهد بود.

رحیمی نیز که خودش هم پس از دایی برکنار شده بود، همچنان او را سرمربی قانونی این تیم می‌دانست.
در پی متشنج شدن فضا، خبرگزاری ایسنا نوشت آفشین بیروانی دستیار دایی جملات توهین‌آمیزی را خطاب به سرمربی جدید بیان کرد اما دایی دستش را روی دهان او گذاشت. درخشان هم پس از قبول مسئولیت، چند بار به انتقاد از کادر فنی پیشین پرداخته. او در جام حذفی و در نشست خبری بعد از بازی با راه آهن گفت بازیکنانی که از دقیقه ۵۰ کم می‌آوردند، حالا با حضور او در پرسپولیس، ۱۲۰ دقیقه می‌دوند.

حالا خبرگزاری فارس نوشته علی دایی با ارائه مدارک و مستندات در برابر شکایت وزیر ورزش از خود دفاع کرده. رسانه‌ها توضیحی درباره محتویات این مدارک نداده‌اند.

آنچه دایی درباره دخالت مسئولان ورزش در برکناری‌اش عنوان کرد، توسط دستیارانش هم تکرار شد. بهزاد غلامپور مربی دروازه‌بانان پرسپولیس گفت: «این

ادامه مطلب **حضور پر رنگ**... از صفحه ۱۶

رویدادهای سینمایی در استرالیا در هشت سال گذشته، نقش مهمی در معرفی سینمای ایران در این کشور داشته است.
تهمینه میلانی، جعفر پناهی، کیومرث پوراحمد، رخشان بنی‌اعتماد، محمد علی طالبی، اصغر فرهادی و بهمن قبادی از جمله سینماگران ایرانی بوده‌اند که در دوره‌های پیشین جوایزی از این جشنواره به دست آورده‌اند.

طاها کریمی فیلمساز ایرانی این فیلم، سال گذشته در سانحه راندگی در سلیمانیه عراق درگذشت.
ریاست هیئت داوران این دوره را اصغر فرهادی کارگردان ایرانی برعهده دارد. جوایز برندگان امسال در روزهای پایانی سال میلادی جاری در شهر بریزین استرالیا اهدا خواهد شد. جوایز سینمایی آسیا-اقیانوسیه به عنوان یکی از مهمترین

و ناآشنایی با منطق سیاست‌گذاری در قرن بیست و یکم میلادی منشا گرفته‌اند. حاصل آنکه به رغم برخورداری ایران از وضعیت استثنایی بازار جهانی نفت، که طی هشت سال زمامداری محمود احمدی‌نژاد حدود هفتصد میلیارد دلار درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت را به خزانه جمهوری اسلامی سرازیر کرد، کشور به گونه‌ای حیرت‌انگیز فقیرتر شد.

یک کشور مجموعه‌ای است که عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و نیز ابعاد داخلی و خارجی آن از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. هم سوء مدیریت در تمشیت منابع داخلی، و هم اصرار ورزیدن بر یک خط مشی مبتنی بر توهم‌های خطرناک در عرصه خارجی، که به تحریم‌های اقتصادی خردکننده بین‌المللی منجر شد، از عدم شناخت مقتضیات روز برای اداره کشور،

در خاموشی شب... بلبل بانگ برداشت و آواز شبانه اش به عرش خداوند رسید... خدا نغمه بلبل را شنید و به پاداش آن... در قفسی زرینش کرد و به او روح نام داد
از آن پس... مرغ روح در قفس تن زندانی است
ولی همچنان گاه و بیگاه نوای دلپذیرش را سر میدهد گوته

ادامه مطلب **سپاه پاسداران**... از صفحه ۵

در ۱۵ اوت نیز تانکر آمریکایی «سی آیل سیتی» در حالی که در کویت لنگر انداخته بود، هدف اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم قرار گرفت. نیروی دریایی آمریکا با حمله و از بین بردن دو سکوی نفتی ایرانی سلمان و سیری به این حملات نیروهای ایرانی پاسخ دادند. همچنین در ۲۱ سپتامبر همان سال نیروهای آمریکایی به کشتی ایرانی ارج که براساس گزارش‌ها «در حال انداختن مین در دریا بود» حمله و آن را غرق کردند.
به گزارش خبرگزاری فارس فرمانده نیروی دریایی سپاه همچنین گفته‌است: «آمریکایی‌ها تاکنون حداقل ۳ بار از طریق مراجع رسمی مثل سفارت سوئیس پیگیری کردند که یک خط [تماس] مثل خطی که در زمان جنگ سرد بین شوروی و آمریکا برقرار شد، میان نیروهای دو کشور شکل بگیرد تا اوضاع را بتوان کنترل کرد.»
به گفته آقای فدوی این درخواست از سوی ایران رد شده‌است.

براساس فیلمی که از این برنامه تلویزیونی «رو در رو با شیطان» منتشر شده‌است، علیرضا تنگسیری، جانشین فرمانده نیروی دریایی سپاه می‌گوید که ایران از سال ۶۶ به بعد و پس از حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خلیج فارس «۶ سیلی محکم» به آمریکایی‌ها زده‌است اما به لحاظ امنیتی نمی‌تواند «ابعاد آن را باز کند.»
بر پایه فیلمی که از مستند «رو در رو با شیطان» منتشر شده، در این مستند همچنین فیلم‌هایی از درگیری‌های نیروهای ایرانی و آمریکایی در خلیج فارس در سال ۶۶ و حمله نیروهای ایرانی به کشتی نفتی بریجتون پخش شده‌است.
براساس گزارش‌ها در ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۷، نفتکش «الکاره» متعلق به دولت کویت که تحت نام «بریجتون» و با اسکورت ناوگان‌های آمریکایی در منطقه خلیج فارس درحال حرکت بود با یک مین ایرانی برخورد کرد، که باعث آسیب دیدن این کشتی شد.

ادامه مطلب **چگونه سفره**... از صفحه ۶

در سال گذشته میلادی تنها ۴۷۶۹ دلار ارزیابی می‌کند که ۱۶۵۱ دلار از سال ۲۰۱۱ پایین‌تر است. اگر به سال خورشیدی برگردیم، این به آن معناست که طی مدت دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، هر ایرانی به طور متوسط ۲۵ درصد فقیرتر شده. در واقع، با ارزیابی صندوق، امروز یک ایرانی هشتصد دلار در سال فقیرتر از یک الجزایری و هزار و هشتصد دلار فقیرتر از یک عراقی است.
این نخستین بار نیست که تولید ناخالص سرانه ایران سقوطی چنین سنگین را تجربه می‌کند. در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۷ خورشیدی، تولید ناخالص سرانه ایران با سقوطی حدود پنجاه درصد، تقریباً نصف شد؛ ولی این سقوط پنجاه درصدی طی دوازده سال و در کشوری درگیر انقلاب و جنگ به وقوع پیوست. این بار سقوط ۳۲ درصدی (به گفته بانک جهانی) یا ۲۵ درصدی (به گفته صندوق بین‌المللی پول) همان شاخص تنها طی مدت دو سال اتفاق افتاد. آن هم در پی دستیابی کشور به بزرگ‌ترین حجم درآمدهای ارزی‌اش.
این پرسش که آیا سقوط شدید اقتصاد ایران در هشت سال گذشته و به ویژه طی سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۱ از سوء مدیریت دولت محمود احمدی‌نژاد سرچشمه گرفت یا از فشار تحریم‌های خارجی، پاسخی چندان دقیق نمی‌تواند داشته باشد. مدیریت

در آمار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌بینیم که چگونه، در پی کاهش و سپس فرو افتادن نرخ رشد اقتصادی به زیر صفر، تولید ناخالص سرانه ایران سقوط کرده‌است. تولید ناخالص سرانه از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر جمعیت یک کشور به دست می‌آید. سقوط تولید ناخالص داخلی سرانه، اصطلاح فنی برای «کوچک شدن سفره مردم» است.
بر پایه آمار منتشر شده از سوی بانک جهانی، تنها در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳، تولید ناخالص سرانه ملی (تولید ناخالص داخلی تقسیم بر جمعیت ایران) از ۷۰۰۶ دلار به ۴۷۶۳ دلار سقوط کرده‌است. به بیان دیگر طی این دو سال هر ایرانی، به طور متوسط، سی و دو درصد فقیرتر شده‌است.
و اما صندوق بین‌المللی پول در گزارش ماه اکتبر ۲۰۱۴ خود درباره چشم‌انداز اقتصادهای خاورمیانه و آسیای مرکزی، تولید ناخالص داخلی سرانه ایران را

ادامه مطلب ریحانه جاری... از صفحه ۱۳

چشم یا قلب جوانم خاک شود. التماس کن که تریبی داده شود که به محض دار زدن، قلب، کلیه، چشم، کبد، استخوانها و هر چه که قابل پیوند زدن است از بدن جدا و به کسی که نیاز دارد هدیه شود. نمی خواهم گیرنده ی عضو نامر را بدانم، گلی برایم بخرد یا حتی فاتحه ای برایم بخواند. از صمیم قلب می گویم نمی خواهم قبری داشته باشم که تو خاکسپار کنی. نمی خواهم سیاهپوشم شوی. همه ی تلاشت را بکن تا فراموش کنی روزهای سخت را. مرا به دست باد بسپار. دنیا مرا دوست نداشت، سرنوشت مرا نمی خواست و اکنون من تسلیم محضم و با آغوش باز از مرگ استقبال می کنم. چرا که در دادگاه خداوند متهم می کنم مامورین آگاهی را، متهم می کنم بازپرس شاملو را، متهم می کنم قاضی تردست و قضا دیوان عالی کشور را، کسانی که بی دریغ کتک زدند و در آزار فروگذار نکردند. من در دادگاه خالق هستی متهم می کنم دکتر سربندی را، متهم می کنم قاسم شعبانی را و تمام کسانی را که بی توجه یا به دروغ یا از روی ترس حق مرا ناحق کردند و توجه نکردند که گاهی آنچه واقعیت به نظر می رسد با حقیقت متفاوت است.

شعله ی دل نازکم، در جهان دیگر، در سرای باقی، من و تو شاکی هستیم و دیگران متهم. تا خدا چه خواهد. دلم می خواهد در آغوشت باشم تا بمیرم. دوست دارم، ریحانه

ادامه مطلب سوئد، فلسطین... از صفحه ۱۰

فلسطینیها و پلیس اسرائیل است. روز ۲۹ اکتبر یک فعال یهودی راست گرا هدف گلوله یک مهاجم موتورسوار قرار گرفت و به شدت زخمی شد.

فلسطینیها از سال ۱۹۹۴ دارای یک دولت خودگردان هستند که اداره امور بخشهایی از کرانه باختری رود اردن و تمام مناطق نوار غزه را بر عهده دارد. این دولت در پی توافقنامه اسلو، که میان سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسحاق رابین امضا شد، به وجود آمد. فلسطین از اواخر سال ۲۰۱۲ به عنوان "کشور ناظر غیرعضو" سازمان ملل متحد شناخته می شود. تاکنون شمار زیادی از کشورهای کوچک جهان فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخته اند.

پارلمان بریتانیا نیز روز ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ با اکثریت آراء فلسطین را به عنوان دولت مستقل به رسمیت شناخت. اما این مصوبه برای دولت بریتانیا الزامی ایجاد نمی کند.

شعله جان گریه نکن به چیزهایی که از من میشنوی! من همان روزهای اول در آگاهی وقتی پیر دختری به اسم مامور آگاهی از خجالت ناخن هایم در آمد، فهمیدم زیبایی چیزی نیست که مطلوب این دوره باشد، زیبایی ظاهر، زیبایی افکار و آرزوها، زیبای خط، زیبایی چشم و بینش و حتی داشتن صدایی خوش.

مادر عزیزم، جهان بینی من عوض شده و تو مسئول نیستی. حرفهایم تمامی ندارد و همه را به کسانی داده ام تا اگر زمانی دور از چشم تو و بی خبر اعدام کردند، به تو بپرسانند. من ارثیه ی کاغذی فراوانی برایت گذاشته ام. اما قبل از مرگ چیزی می خواهم که تو باید با تمام توان از هر راهی که می توانی برایم فراهم کنی. در واقع این تنها چیزیست که از این دنیا، کشور و از تو می خواهم. می دانم برای این کار نیاز به زمان داری به همین دلیل این بخش از وصیت نامه ام را زودتر به تو می گویم. تو را به خدا اشک نریز و گوش کن! از تو می خواهم به دادگاه بروی و تقاضایم را بگویی. از داخل زندان امکان نوشتن چنین نامه ای را که به تایید رئیس زندان برسد، ندارم و تو باید یکبار دیگر برایم عذاب بکشی. این تنها چیزیست که اگر برایش التماس کنی ناراحت نمی کنی، هر چند بارها به تو گفته ام برای نجاتم از اعدام التماس نکن.

مهربان مادر، شعله جانم، عزیزتر از جانم، نمی خواهم زیر خاک بیوسم. نمی خواهم

مارگوت وال استروم در یادداشت خود در روزنامه "Dagens Nyheter" نوشته است، شناسایی دولت فلسطین گام مهمی در تایید حق فلسطینیها برای تعیین سرنوشت خویش است. این اقدام به گفته وزیر خارجه سوئد، موضع میانه روهای فلسطینی را در مذاکرات صلح با اسرائیل تقویت می کند.

محمود عباس، رئیس دولت خودگردان فلسطین از تصمیم دولت سوئد استقبال کرد. به گفته نیل ابوردینه، سخنگوی محمود عباس، تصمیم دولت سوئد برای شناسایی دولت مستقل فلسطین "گامی شجاعانه و تاریخی" است. عباس از دیگر کشورهای جهان خواست که از اقدام دولت سوئد پیروی کنند. نیل ابوردینه شناسایی دولت فلسطین از سوی سوئد را "واکنشی به اقدامهای دولت اسرائیل در شرق اورشلیم" (بیت المقدس) خواند. هفته هاست که شرق اورشلیم شاهد درگیری میان

ادامه مطلب تروریست هایی که... از صفحه ۲

قانون موجب تقویت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر می شود» آیا خاک بر چهره زنان اصفهانی که امروز یا چهره هایشان از اسیدپاشی متلاشی شده و یا در ترس و اضطراب دائم به سر می برند، نمی ریزد؟ آیا این زنان با چهره هایی از هم پاشیده، قربانی کسانی نیستند که خود را در جایگاه «ناهیان از منکر» قلمداد می کنند و برای جلوگیری از «منکر»، به اسیدپاشی روی آورده اند؟ آیا نماینده اصفهان نمی داند که به دفاع از طرحی می پردازد که دست همشهری های اصفهانی اش را باز می گذارد تا به عنوان «ناهیان از منکر» بر مسند قضاوت بنشینند و پوشش و ظاهر زنان اصفهانی را قضاوت کنند و حکم شان را در جامعه و بر روی زنان با اسلحه ای مخرب همچون «اسید» اجرا کنند؟

نیروی انتظامی که دو ساعته مخالفان را دستگیر می کند، کجاست؟

در انتها می خواهم از نیروی انتظامی این پرسش را مطرح کنم آیا برای برقراری نظم و قانون است یا برای اجرای «دستوراتی» که از سوی گروه های درون حاکمیت به آنها ابلاغ می شود؟ وقتی نیروی انتظامی «اقتدارش» را برای دستگیری چند جوانی که با آهنگ «هی» رقصیده اند، با گفتن آن که «دو ساعته» توانسته آنها را شناسایی و دستگیر کند به رخ جوانان می کشد، آیا امروز از خود نمی پرسد که چگونه بعد از چند هفته و پس از هشت مورد از اقدام به «اسیدپاشی» توانسته حتا یک نفر را هم دستگیر کند؟ آیا این تضاد و سیاست دوگانه در چگونگی برخورد نیروی انتظامی به رویدادها و اتفاقاتی که در جامعه صورت می گیرد، به راستی «اقتداری» برای نیروی انتظامی باقی می گذارد؟ اقتداری که لازمه آن، «مشروعیت» در میان مردم نسبت به اقدامات این نیروست و نه شاخ و شانه کشیدن برای چند جوانی که به هیچ کس «صدمه» ای نرزد اند و گناه شان صرفاً رقصیدن با آهنگ شاد (هی) است. آیا وقتی نیروی انتظامی با این همه دستگاه ها و دوربین های مدار بسته ی کنترل شهری نمی تواند اسیدپاشانی که هفته هاست در شهر اصفهان می چرخد و روی چهره زنان اسید می پاشند را دستگیر کند، می تواند از اقتدار و مشروعیت خود سخن بگوید؟

حال بار دیگر می توان از آقای محیبان پرسید آیا این جریانی که امروز از درون مجلس طرح های افراط گرایانه ای همچون «طرح صیانت از حجاب و عفاف» و «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را مطرح می سازد و به طور غیرمستقیم از «اسیدپاشان» تروریست حمایت قانونی می کند در واقع همان «جریان تکفیری و افراطی شیعی» نیست که «داعشیان سنی» به آن نیاز دارند؟ آیا با وجود چنین جریانی که امروز بیش از گذشته از درون مجلس، برای گسترش خشونت گرای علیه زنان اقدام می کنند، سیاست خارجی ایران می تواند تصویری عقلانی از خود در سطح جهانی ارائه کند؟ بی شک وقتی جهان چهره متلاشی شده از اسید زن ایرانی را ببیند و از سوی دیگر در اخبار می خوانند که نمایندگان مجلس اش برای حمایت از «ناهیان از منکر» همچون اسیدپاشان اصفهانی، طرح و قانون تصویب می کند، و بعد هم جامعه جهانی می بیند که چگونه «نیروی انتظامی» به قول خودش «دو ساعته» چهار جوانی که با آهنگ «هی» رقصیده بودند را بازداشت می کند اما پس از شش بار اسیدپاشی در اصفهان، هنوز هیچ کسی دستگیر نشده، چطور می تواند بخش تندرو ایران را از «داعشیان سنی» متفاوت قلمداد کند؟

نماینده اصفهان و اسیدپاشان اصفهانی! در حالی که در شهر تاریخی اصفهان فضای ترس و وحشت به خاطر ظهور افرادی که بدون «دلیل مشخص» به صورت زنان اصفهانی اسید می پاشند موج می زند، نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی در دفاع از طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» سخنرانی می کند! [۲] و این پرسش را برای ما زنان ایجاد می کند که به راستی نمایندگان که امروز بر کرسی مجلس تکیه زده اند، نماینده چه کسانی هستند؟ آیا آنان نماینده «اسیدپاشانی» هستند که بر چهره زنان ایرانی اسید بغض و کینه و خشونت می پاشند و یا نماینده مردمی که امروز خواستار دستگیری هر چه سریع تر مسببان اسیدپاشی های اخیر در اصفهان هستند؟ وقتی نماینده اصفهان در مجلس تمام قد در دفاع از طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» می گوید: «وجود این

اغلب به نام عشق می خواهیم دیگران را خرد و خمیر کنیم و به شکل دلخواه خود در آوریم، اما این عشق نیست، تملکی خودخواهانه است که به جای رهایی و آزادی، اسارت می آورد. کاترین پاندر

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

شعر امروز

شعر امروز مدایح ندارد. ملک الشعرا ندارد، با کاروان کاری ندارد. در عاشقانه هایش رقیب نیست. از درد و هجران نمی گوید. از فلک گله ای ندارد. نمی خواهد فلک دیگری بسازد. شعر امروز غالباً حکایت دردهای مردم است و با صنایع ادبی کاری ندارد. هجو نمی گوید و نمی خواهد کسی را بخنداند. شعر امروز ادب دارد و به شعر کهن سلام می کند. لازم باشد صدنمایش را به شعر کهن می دهد و به زیارت حافظ و سعدی و خیلی های می رود. زندگی ساده ای دارد. خیلی وقت ها هم مستاجر است.

فواره سیمین

ویکتوریا دانشور درباره خواهرش سیمین دانشور چنین گفته است که در اوائل قرن خوانده ای در شیراز که پدر پزشک و مادر نقاش بود دارای شش فرزند شدند. سیمین دختر باهوش، قد بلند و پرتحرک بود. دست به هرکاری میزد. در پایان تحصیلاتش، در دبیرستان مهرآئین شیراز، در تمام ایران رتبه اول شد. مجموعه دروسش نمره بیست بود. فقط در انشاء نوزده گرفته بود. او کسی جز سیمین نبود. هرکسی از خارج به شیراز می آمد با او به زبان انگلیسی مصاحبه داشت. او از اوان زندگیش زبان انگلیسی را از فارسی کم نمی آورد. از همان بچگی در ورزش های مختلف مثل شنا و اسب سواری مهارت داشت. در دبیرستان هر موقع تست هوش انجام میشد خواهرم حرف اول را میزد. خلاصه در مدرسه و خانواده به وجودش مباحث می کردند تا اینکه برای ادامه تحصیل راهی تهران و دانشگاه شد. هروقت به شیراز بر میگشت همه فامیل زیر دروازه قرآن در انتظار ورودش بودند و وجود عزیزش را گرمی می داشتند خدا سلامتیش بدارد...

کشف مهاب پیش از کشف مهاب

اولین استانی که خیلی پیش از حد معمول و متداول زمان به جامعه نسوان احترام گذاشته و موقعیت را دریافته و به دروازه طلایی اروپا معروف شده بود استان گیلان بود و پیش از نهضت کشف حجاب این کار عملاً در شهر رشت صورت گرفت و به هنگام ورود پادشاه و ملکه افغان چند خانم بدون چادر اما با حجابی مقبول به پیشباز ملکه افغان رفتند. داستان این است که امان الله خان پادشاه افغان اوایل سال ۱۳۰۷ شمسی درست یک ماه پیش از آنکه به سبب

ادامه مطلب یادی از قربانیان... از صفحه ۱۳۶

تاریخ و گوشه‌ای از جغرافیا که به عنوان «نماد بی‌رحمی انسان در قرن بیستم» خوانده می‌شود. هزاران چشم هر روز بر این بی‌رحمی شوریده و انتقام گرفته است. روزی هزاربار قربانیان خواب فرار دیده‌اند، هرچند پاسخ تلاش‌های محدودشان برای مقاومت با گلوله داده شده است. هزاران کودک بی‌آنکه فرصت فکر کردن به انتقام یا گذشت را داشته باشند، یکسره به اتاق‌های گاز دعوت شدند و مادران لالایی‌های ناخوانده‌شان را در گوش سکوت زمزمه کرده‌اند. در مسیر حوادث تلخی که قربانیان آشویتس از سر گذراندند، شکنجه‌گر تصویر پررنگی است. او که در اتاق مجهزی در همین اردوگاه زندگی می‌کرده، او که پشت اتاق‌های گاز چند دقیقه‌ای معطل می‌شده، او که کارش تولید علم بوده از بدن‌های مجانی و تولید کار از بیگاری، در کنار او که مامور بوده و معذور، تنها تصویر موجعی از شکنجه‌گر می‌سازند.

در این برهه از تاریخ که چندان هم دور نیست، آنقدر که می‌شود عکس‌های ملموسی از قربانیان را دید، آجر ساختمان‌های اردوگاه مرگ را لمس کرد و بوی تن‌های سوخته را حس کرد، شکنجه مفهوم پیچیده‌ای است. گویی موجی بلند شده، عده‌ای را به صخره‌های ساحل کوبیده و بقیه، سوار بر موج، تکه تکه شدن بدن قربانیان را تماشا کرده‌اند.

به تیراندازی پیاپی به ماهی کرد. ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و مانده در صندلی خود جای گرفت. به موسولینی گفت تو شناگر قابل هستی. حالا نوبت تست. موسولینی لخت شد و به داخل استخر پرید. ساعتی تلاش و تقلا کرد اما او نیز خسته و مانده بر صندلیش جای گرفت.

همینکه نوبت چرچیل رسید، او صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی بدست گرفت و در حالیکه با تبسم سیگار برگ خود را دود می‌کرد شروع به خالی کردن آب استخر کرد. رهبران ایتالیا و آلمان به او گفتند چه می‌کنی؟! چرچیل گفت: من عجله‌ای برای شکست دشمن ندارم و با حوصله این روش صد در صد مطمئن و پیروزمند را ادامه می‌دهم تا سرانجام پس از تمام شدن آب استخر و بی‌آنکه صدمه‌ای به ماهی بخورد، صید از آن من خواهد شد.

در این بزرگترین مرکز کشتار، تا بهار ۱۹۴۳ چهار اتاق گاز فعال شد. در بالاترین میزان تبعید، هر روز شش هزار یهودی در آشویتس - برکنو یا گاز کشته شدند و تا نوامبر ۱۹۴۴، بیش از یک میلیون یهودی و ده‌ها هزار نفر از کولی‌ها، لهستانی‌ها و اسرای جنگی اتحاد جماهیر شوروی با گاز به قتل رسیدند.

یوزف منگله، پزشک آلمانی و فرمانده اس‌اس در سال ۱۹۴۳، پزشک آشویتس بود. منگله مسئول بود آنها را که مناسب کار کردن بودند از کسانی که باید با گاز کشته می‌شدند، جدا کند، اما این تنها کار او نبود؛ او روی زندانیان اردوگاه‌ها، به‌ویژه دوقلوها آزمایش‌های پزشکی انجام می‌داد. از تن فرسوده آنها، به خصوص مردان و زنانی که در خلقت خود نقص و تفاوتی داشتند یا آنها که ویژگی وراثتی مختلفی داشتند، برای آزمایش استفاده می‌شد. کسانی بودند که مقاومت بدن آنها را در مقابل سردترین و گرم‌ترین دما می‌سنجیدند یا ژن‌ها و سلول‌هایشان را بررسی می‌کردند.

انها مجبور بودند بهای سنجش میزان مقاومت انسان در فشار و ارتفاع را با جان‌شان بپردازند. در فاصله کوتاه مرگ و زندگی، هزاران جفت چشم هر روز به سایه حضور شکنجه‌گران خیره شده است. ایستادن در صف‌های طولانی غذا، شمارش بیهوده روزانه و پرسش مدام از نگاه بی تفاوت ماموران شکنجه در برهه‌ای از

نمی‌توانم چنین قراردادی را امضا کنم چون هنوز انگلستان شکست نخورده و شما را فاتح نمی‌شناسیم. هیتلر و موسولینی از این گفته نخست وزیر انگلستان عصبانی می‌شوند و به تندی با او گفتگو می‌کنند. چرچیل با خونسردی می‌گوید که بیهوده عصبانی نشوید، انگلیسی‌ها به شرط بندی خیلی اعتقاد دارند. آیا حاضرید برای حل قضیه باهم شرط ببندیم. در این شرط هر که برنده شد باید همه بپذیرند که او برنده است و جنگ را هم برده است.

سران فاشیست و نازیست با خوشرویی قبول کردند. همانطور که هر سه جلوی استخر بزرگ کاخ معروف فرانسه نشستند چرچیل گفت: آن ماهی بزرگ را در استخر می‌بینید، هرکس آن ماهی را تصاحب کند برنده جنگ است. هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید و اینسو و آنسو استخر پرید و شروع

قیام و شورش های دیگر مجبور به استعفاء و کناره گیری از سلطنت بشود، به اتفاق همسرش ملکه ثریا، در بازگشت از سفر اروپا از راه باکو- آنزلی به ایران آمدند و چند روزی در عمارت کلاه فرنگی باغ سردار معتمد (باغ محتشم) رشت بسر بردند. تیمورتاش وزیر دربار رضا شاه مامور پذیرایی شد و از تهران به گیلان آمد و ظاهراً از سه تن از زنان تحصیلکرده و سرشناس شهر خواسته شد کفش و کلاه بکنند و بدون حجاب معمول آن زمان و با پوششی فرنگی، مهماندار و ندیم ملکه افغان باشند. این اتفاق درست سال پیش از قضیه کشف حجاب رخ داد و در جواب اعتراض علما و انتقاد دیگران گفته شد که این خانمها ارمنی بودند...

قسمتی از وصیت نامه

دکتر عبدالملیس زینکوب

... حاصل عمر هفتاد و شش ساله من، در این ملک یک کتابخانه شخصی است با همین مجموعه پنجاه شصت جلد تالیف. این هر دو را به ملت ایران تقدیم می‌کنم. کتابخانه را به دایره المعارف بزرگ اسلامی و تالیفات را به فرد فرد ملت ایران و دست اندرکاران نشر کتاب هدیه می‌کنم. چیز ارزنده دیگری که قابل تقدیم به ایران و فرهنگ ایران باشد ندارم و امیدوارم این دو هدیه ناقابل را از من بپذیرید. کتابخانه ام بعد از من به دایره المعارف هدیه می‌شود تا پژوهندگان و دانشوران بدون هیچگونه رنج و مروتی به آنها دسترسی یابند. نوشته هایم را نیز به نظارت دایره المعارف در دسترس ناشران می‌گذارم تا به بهایی ارزان در دسترس طالبان بگذارند... عبدالحسین زینکوب

سیاست بدل چرچیل

در جولای ۱۹۴۰ وقتی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند تنها میماند و فرانسه شکست می‌خورد، کنفرانس سری در پاریس بوجود میاید. سه نفر از سران جنگ جهانی (چرچیل، هیتلر و موسولینی) در قصر فونتن بلو به گفتگو می‌نشینند. هیتلر با غرور و اطمینان هرچه بیشتر به چرچیل پیشنهاد می‌کند حالا که سرنوشت جنگ معلوم است و بزرگترین نیروی اروپا و متفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است، برای جلوگیری از کشتار بیشتر بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضا کند تا جنگ متوقف و صلح به جهان بازگردد. چرچیل می‌گوید بسیار متأسفم که من

ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۳۷

خودش (مُستراب)، با ترکه بجان یکی‌کمان میافتاد و با همان فحش و نفرین‌ها و ترکه به حسابان میریسد.

یکبار با خواهرم دعوا کرده بودم و او هرچه میگفت به حرفش اعتنا نمی‌کردم. وقتی که بطرف خانه خاله خانم میرفتیم، باید از عرض خیابان رد میشدیم. با آنکه در آنزمان نه ماشینی نه درشکه‌ای و نه گاری یا دوچرخه‌ای عبور نمی‌کرد، خواهرم اصرار میکرد که باید از عرض خیابان به دو بگذریم و من هم لچ کرده بودم و دستم را در جیبم کرده بودم و وسط خیابان ایستاده بودم. خواهرم خط و نشان برابم کشید که الان به خاله خانم میگم که حسابت برسه و منم که باور نمی‌کردم چنین کاری کند، گفتم هرکاری دلت میخاد، بکن. وقتی به خانه خاله خانم رسیدیم، خواهرم همه آن حرفها را به خاله خانم گفت. خاله خانم مدتی از پشت دو شیشه گرد و (هارولد لوید ی اش) در حالی که چشمانش بسرعت به اینطرف و آنطرف میدوید، خیره به من نگاه کرد و من که از ترسم میلرزیدم، سرم را پایین انداختم که با یک ترکه بر سرم زد و گفت به من نگاه کن. به او نگاه کردم و دیدم هنوز همانطور، به من نگاه میکند و پرسید: آره؟ هیچ جوابی ندادم و دوباره گفت: آره حرومزاده گریه دزده؟ حالا دیگه مرد شدی؟ وسط خیابون وامیستی؟ ای کارت تیز بخوره توو اون چشات. آره؟ پاشم انقدر بزنم که ان نپخته از دهنش در آد؟ آره؟

زمستان که میشد، مادرم از ذغال و گوله و خاکه ذغالی که تهیه میکرد، به خاله خانم هم به اندازه کافی میداد که البته مادرهای بچه‌های دیگر هم همین کار را میکردند. کرسی بزرگی داشت و زمستانرا دور کرسی اش میشستیم و عمه جزء میخواندیم. از همه درسها و سوره‌هایی که میخواندیم، برایم سوره فلق سخت تر بود و مدام برسر یاد گرفتن آن، ترکه و فحش میخوردم. (قل اعوذو برب الفلق من شر ما خلق.....) و در زمستان سنگ زیرین تخمه شکنی خاله خانم روی کرسی مستقر میشد و با هر کلمه درسی، یک تخمه هم میان دو سنگ شکسته میشد و بدهان بی دندان خاله خانم وارد میشد. تنها یک دختر داشت که شوهر کرده و رفته بود و هروقت که سر کیف بود، چادر چاقچور میکرد و مارا مرخص مینمود و میگفت امروز میخام برم خونه ماجده شون. همیشه ماجده را ماجده شون میگفت و من هیچوقت نفهمیدم چرا چنین میگفت.

ادامه دارد...

ادامه مطلب تاریخچه ساز ... از صفحه ۱۳۳

معروف تمبک بود که به این نام شهرت داشت و بیشتر در زورخانه آقا کاظم ملک التجار خراسانی در بازار حلبی سازه‌های تهران می‌نواخت و به همراهش تصنیف و اشعار ضربی می‌خواند. حبیب کاشی نیز خواننده با سلیقه و تمبک نواز ماهری بود که تصنیف و اشعار ضربی بسیار را حفظ بود. او در زورخانه‌ای که پهلوان اکبر خراسانی در محله پانچران تهران دایر کرده بود، ضرب زورخانه می‌نواخت. از معروف ترین نوازندگان ضرب زورخانه که بیش از سی سال صدای ساز و آوازش از رادیو سراسری ایران هر بامداد به گوش مردم می‌رسید، نام عباس شیرخدا جاودانه است. گر چه فرامرز تهرانی و مرادی از وی پیش کسوت ترند. در فرهنگ ایرانی به نوازنده ضرب زورخانه که همواره از آواز خوشی هم برخوردار است، مرشد می‌گویند. او با ساز و آوازش حرکات ورزشکاران را تنظیم می‌کند و علاوه بر آن با خواندن ریتمیک اشعار عرفانی، اخلاقی و پندآموز در پالایش روحی ورزشکاران نقش مهمی دارد. مرشد علاوه بر ضرب زورخانه از یک زنگ نیز برای تغییر در نوع حرکات ورزشکاران استفاده می‌برد.

در حال حاضر این ساز رونق نسبی دارد و علاوه بر کاربرد زورخانه‌ای، گاهی در ارکسترها نیز به کار گرفته می‌شود. نخستین بار آهنگسازی به نام پرویز مشکاتیان با همکاری ارژنگ کامکار از این ساز در گروه نوازی سازه‌های ایرانی بهره برد که همچنان یک الگو برای کارپردهای مشابه است.

ادامه مطلب عقد ۲۱۹ دختر ... از صفحه ۱۴

نخواهیم کرد. ما با مذاکره چه کار داریم.» الکس باده رئیس ستاد مشترک ارتش نیجریه در تاریخ ۱۷ اکتبر (۲۵ مهر) اعلام کرده بود که ارتش و بوکو حرام به توافق آتش بس دست یافته‌اند. او گفته بود این آتش بس در پی حدود یک ماه مذاکره میان دولت و بوکو حرام حاصل شده است. طی حملات بوکو حرام از سال ۲۰۰۹ میلادی تاکنون حدود ۱۳ هزار تن کشته شده‌اند و صدها هزار نفر آواره شده‌اند. آدم‌ربایی و حملات بوکو حرام همچنان ادامه دارد. این گروه طی هفته‌های گذشته شهر «موبی» با بیش از ۲۰۰ هزار سکنه را به تصرف خود درآوردند.

حسین تهرانی بر اساس یک سنت قدیمی تمبک نوازی، گاهی با صدای گرم خود، نواخته هایش را همراهی می‌کرد. او در عین حال قادر بود برخی صداهای زندگی روزمره مثل صدای قطار باربری و چرخ خیاطی را با تمبک تقلید کند. ولی در همراهی با سازه‌های ایرانی هیچ گاه چنین کاری نمی‌کرد.

حسین تهرانی با ایتکاری که در این ساز به خرج داد، عملاً مرتبه تمبک و تمبک نوازی در موسیقی ایرانی را بالا برد. به همین دلیل این ساز علاقه مندان زیادی پیدا کرد و هم اینک نیز بیشترین طرفدار را دارد. حتی بیشترین استقبال غیر ایرانی‌ها از سازه‌های ایرانی، تمبک بوده است. اگر چه خیلی از علاقه مندان غیر ایرانی به دشواری‌های یادگیری تمبک معترض اند ولی جلوه‌های جالب ریتمیک این ساز و همچنین غیر ملودیک بودن آن، باعث می‌شود که همچنان به تمبک روی آورند. تهرانی شاگردان زیادی تربیت کرد که از شاخص ترین آنها می‌توان به محمد اسماعیلی، امیر ناصر افتتاح و بهمن رجبی اشاره کرد. شبیه به تمبک وجود دارد که در فرهنگ ایرانی به ضرب زورخانه شهرت دارد. زیرا این ساز صرفاً برای هماهنگ کردن حرکات ورزش باستانی ایران در مکان زورخانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و تا چند دهه پیش هیچ کاربرد دیگری برای آن متصور نبود. جنس اش از گل پخته است و همانند تمبک روی دهانه گشادش پوست می‌کشند. این ساز در دوره قاجار رواج زیادی داشت. "رنده" Rendeه یکی از نوازندگان

دهها دانش‌آموز توانستند در همان روزهای نخست از اسارت بوکو حرام بگریزند، اما هنوز ۲۱۹ نفر از دختران ربوده شده در بند این گروه به سر می‌برند. شکاوت در پیام ویدئویی خود همچنین تأیید کرده که یک تبعه آلمان را در ماه ژوئیه در شمال شرقی نیجریه به گروگان گرفته است. گفته می‌شود که این فرد یک معلم است.

رهبر پیکارجویان بوکو حرام علاوه بر اینها اعلام کرده که این گروه با آتش بس نیز موافقت نکرده و هیچ مذاکره‌ای با دولت نیجریه نداشته است: «ما با کسی مذاکره نکرده‌ایم. این دروغ است. مذاکره نیز

آنکه حقیقت را نمی‌داند نادان است، آنکه حقیقت را می‌داند ولی انکار می‌کند تبه‌کار است. (برتولت برشت)

ادامه مطلب ورزش از نگاه... از صفحه ۱۴

او می داند که قدرت وسیله ای برای فرمان روائی است و آدمی را به یاد سخنان سارتر در یکی از کتاب هایش می اندازد که می گوید «وقتی کسی خویشتن را بر دیگران تحمیل می کند و آدم ها را آلت اجرای اراده خود می سازد بیشتر احساس قدرت می کند و این امر به او لذتی بی مانند می دهد، مثل بسیاری از سرداران رژیم خودمان». سارتر می گوید قدرت عبارتست از این که دیگران را وادار کنیم که آنگونه که میل داریم عمل کنند. باین ترتیب نیازی به شندین صدای دیگران نیست و براستی آیا خانم رئیس جمهور برای اینکه دوباره انتخاب شود به کانوسا خواهد رفت؟

کانوسا Canossa دهکده ای است در کوهستان های شمال ایتالیا و محل خرابه های کاخی قدیمی به همین نام و بدین سبب مشهور است که امپراطور هائری چهارم در سال ۱۵۷۷ میلادی به آنجا رفت و با خضوع و خشوع در برابر پاپ گروگری هفتم سرنهاد استعفاء کرد. امروزه رفتن به کانوسا کنایه از اظهار درماندگی و پشیمانی است.

بنظر نمی رسد که در مسابقات جهانی و المپیک ها کسی بیشتر از مایکل فلیس شناگر آمریکائی مدال طلا گرفته باشد. او به تنهایی بیشتر از دوسوم کشورهای جهان مدال طلا دارد، اما فدراسیون شنای آمریکا او را برای شش ماه از شرکت در هر مسابقه ای محروم کرد. این اعلام پس از یک هفته از دستگیری او تحت تاثیر الکل

به جستجوی فرزند رفت تا او را به خانه آورد و در آنجا پنهان سازد. لکن اثری از مجنون نیافتند و ایشان پذیرفتند که او طعمه جانوران وحشی شده است و جان به جان آفرین تسلیم نموده.

اما حقیقت امر این بود که مجنون دلشکسته، در کنار بیابان با حال زار و نزار از پای درافتاده و خویشتن و جهان را به یکباره از یاد برده است. رهگذری او را در بادیه مشاهده کرد. خبر به پدر دلشکسته برده. پدر بار دیگر خانه را رها کرد و به جستجوی فرزند رفت و سرانجام او را در کنار غاری یافت که سر بر سنگ نهاده و به یاد معشوق زاری می کند و ترانه های سوزناک می سراید. پدر به زاری از فرزند درخواست کرد که با او به خانه برگردد. قیس از زاری و دلشکستگی پدر پریشان

ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۱۸

پدر رو به خانواده لیلی کرد و چنین گفت: **خواهم بطریق مهر و پیوند فرزند تراز بهر فرزند کین تشنه جگر که ریگزاده است بر چشمه تو نظر نهاده است هر چشمه که آب لطف دارد چون تشنه خورد به جان گوارد معروف ترین در این زمانه دانی که منم در این میانه هم حشمت و هم خزینه دارم هم آلت مهر و کینه دارم من در خرم و تو در فروشی بفروش متاع اگر بهوشی چندان که بها کنی پدیدار هستم به زیادتی خریدار**

پدر لیلی داستان را به گوش شنید ولی روی موافق نشان نداد زیرا آوازه جنون قیس را بسیار شنیده بود و بیم آن داشت که مورد ملامت خویشان و بستگان قرار گیرد. روی به پدر مجنون کرد و چنین پاسخ داد:

گرچه سخن آبدار بینم با آتش تیز کی نشینم گر دوستی در این شمار است دشمن کامیشی صد هزار است فرزند تو گرچه هست بدرام فرخ نبود چو هست خودکام دیوانگی همی نماید دیوانه حریف ما نشاید اول به دعا عنایتی کن وانگه ز وفا حکایتی کن تا او نشود درست گوهر این قصه نگفتنی است دیگر دانی که عرب چه عیب جویند این کار کنم مرا چه گویند؟ خواستگاران چون این پاسخ شنیدند، ناامید و اندوهگین بازگشتند و ماقع به عاشق دلشکسته باز گفتند. آنگاه پدر نصیحت آغاز کرد و گفت که در این دیار لعبتان عاشق کش بسیارند و صنمان وفادار بسیار. جانی که صد آشنا هست، بیگانه چرا می پرستی؟ بگذار تا گلی دیگر از بستان برای تو برگزینیم و لیلای دیگری برای تو آوریم اما: **مجنون چو شنید پند خویشان از تلخی پند شد پریشان زد دست و درید پیرهن را کاین مرده چه می کند کفن را چون وامق از آرزوی عذرا گه کوه گرفت و گاه صحرا می کشت ز دور چون غریبان دامن به دریه تا غریبان دیوانه صفت شده بهر کوی لیلی لیلی زنان بهرسوی احرام دریده سر گشاده در کوی ملامت اوفتاده می خواند نشید مهربانی بر شوق ستاره یمانی**

حیران شده هرکسی در آن پی می دید و همی گریست بروی چون داستان عشق و جنون قیس عامری در جهان پیچید پدر و مادر و بستگاه راه نجاتی جز این ندیدند که او را به زیارت مکه برند و از خداوند برایش آسایش و رستگاری طلب کنند.

پس وقت حج که فرا رسید کاروان فراهم کردند و پدر فرزند دلشکسته را در میان گرفت و به آستان خانه خدا برد و روی نیاز به درگاه ایزد چاره ساز نهاد «که خداوند، فرزند گمراه من را نجات بده و به طریق صواب هدایت کن!»

و آنگاه از فرزند خواست: «بیا بیا فرزندم، دست در حلقه کعبه کن و از خدا بخواه که عشق لیلی را در دل تو بکشد!» اما مجنون شوریده دل، ناله و زاری سر داد که «ای خداوند، عشق لیلی را در من بیشتر کن!»

گویند ز عشق کن جدائی کاینست طریق آشنائی من قوت ز عشق می پذیرم گر میرد عشق من بمیرم پرورده عشق شد سرشتم جز عشق میاد سرنوشتیم آندل که بود ز عشق خالی سیلاب غمش براد حالی یارب به خدائی خدائیت وانگه به کمال پادشائیت کز عشق بغایتی رسانم کو ماند اگرچه من نمانم از چشمه عشق ده مرا نور وین سرمه مکن ز چشم من دور گرچه ز شراب عشق مستم عاشق تر از این کنم که هستم یارب تو مرا بروی لیلی هر لحظه بده زیاده میلی از عمر من آنچه هست باقی بستان و به عمر لیلی افزای پدر که دعای فرزند را شنید دانست که دیگر درد قیس را درمانی نیست ناامید و اندوهگین به خانه بازگشت و یاران را گفت که «قیس به جای طلب رستگاری خویش، خویشتن را نفرین ها کرد و لیلی را ثناها گفت و از خداوند طلبید تا عشقتش را صدچندان کند. باید از این پس به حال خویشتن گذاشت و با این درد و ننگ ساخت تا خداوند تقفدی به حال ما بفرماید. خانواده لیلی که از پخش شدن داستان رسوائی این عشق در میان مردم به خشم آمده بودند از او به شحنه شکایت بردند و شحنه چون از ماجرا آگاه شد بلافاصله خون جوان را مباح کرد و فرمان داد هرکجا که او را یابند به ضرب شمشیر آتش عشق و جنونش را فرو نشانند. پدر پس از شنیدن این خبر پریشان شد و

شد. سر بر دامان پدر گذاشت و گفت:

درگاه تو قبله وجودم

زنده بوجود تو وجودم

لیکن چه کنم من سیه روی

کافتاده بخود نیم در این کوی

زین ره که نه برقرار خویشم

دانی نه به اختیار خویشم

من بسته و بندم آهنین است

تدبیر چه سود؟ قسمت اینست

حدیث فرزند چون به آخر رسید، پدر زار به بینوائی اش گریست. دستش را به مهربانی گرفت و از او خواست که به خانه و کاشانه برگردد. مجنون شکسته دل از زاری و غم پدر به رحم آمد و به همراه او به خانه بازگشت. چندی را به رنج و ناتوانی، چون کالبدی بی جان، زندگانی را می گذراند اما یکدم از اندیشه لیلی غافل نبود.

دنباله مطلب در ماه آینده

نگارنده و سخنگویی که دیگران را کوچک و خوار

می نامد، خود چیزی برای نمایش و بروز ندارد. ارد بزرگ

ادامه مطلب آشنا داند زبان ... از صفحه ۱۷

نصرت خانم سوراخ های دماغش گشادتر شد و با غر غر گفت: وا! حمدی. یه یالاهه نمی تونی بگی؟ حمدالله با موهای تازه جوونه زده و دمپایی لانگشتی که لخ لخ روی زمین می کشید مثل بابا لانگ دراز جلو اومد و سلام کرد. جوش های رسیده و نیم رسیده اش از لا به لای ته ریشش که مثل سیم ظرفشویی بود بیرون زده بودن. چشم هاش مثل مرغ دو طرف سرش بود با دهنی گشاد و گوشه لب کف کرده. گرچه کسی از باطن آدم ها خبر نداره اما انتظار نمی رفت که حمدالله با چنین ترکیبی شاهکار خلقت باشه. نصرت خانم از ترس این که اگه مهمون ها بیشتر بمونن به ظهر می کشه و باید تعارف ناهار کنه به حمدالله گفت: حمدی جان، مادرا! اینی که از بندر آوردی بیار نشون بده. همسایه ها که واسه چشم های خوشگل من اینجا نیومدن! و به این وسیله متلکی هم بار زن ها کرد. احم بعضی ها توی هم رفت. اون که زد دونست و اون که خورد فهمید. سگ داند و پینه دوز که در انبان چیست. فلور که سر شوخی اش باز شده بود یواشکی جوری که فقط دور و وری هاش بشنون گفت: یعنی این ماشین کار واجبی رو می کنه؟! و هر و کرش به هوا رفت. برای همین حرف ها بود که زن ها فلور رو بی حیا می دونستن. اما ملیحه دوستش داشت و می گفت: بهش می گن بی حیا برای این که مثل خودشون کار زیر جلگی نمی کنه. ظاهر و باطنش این جوریه و کف دستشو نشون می داد. حمدالله رفت و با یه قوطی سیاه برگشت و شتری زانو زد. دستگاو راه انداخت و به صورتش چسبوند روبه روی ۱۲ تا دهان باز که یکی دوتا دندون طلا زینت بخش بعضی هاشون بود. قبل از این که جای زن ها سرد بشه صورت حمدالله مثل مغزش صاف شده بود.

◆◆◆◆

چشمم رو که باز کردم یه شلنگ نیم متری از دهنم بیرون زده بود که قیفی سرش بود. سر دیگه شم تا ته دل و روده ام رفته بود و آقایی با روپوش سفید داشت با پارچ یه مایع قرمز توی قیف می ریخت و هم زمان شکم مثل زن حامله بالا میومد. خواستم لوله رو بگیرم اما کسی دست هامو گرفت. چشمم از حدقه بیرون زده بود و اشک از همه جاش مثل آبکش بیرون می زد. نمی تونستم نفس بکشم. صدای گریه میومد و نور شدید لامپ حتی از پشت پلک آزار می داد. سقف می چرخید و یه چیزی توی سرم می گفت گروم گروم. نمی دونم چرا صدای آدم های اطراف کش میومد و گاهی شبیه صدای گاو می شد. تا این که آقای سفید پوش مسلمونی کرد و لوله رو از حلقم بیرون کشید که فکر کردم روده هام باهاش بیرون اومد. آخیش. خواستم نفس بکشم و مامان رو صدا کنم اما انگار دل و روده ام اومد توی دهنم. اوق ق ق! اون آب قرمز کثافت مثل سطل از دهنم بیرون زد و دنیا رو گند و رداشت. خوشبختانه از حال رفتم. دوباره که به هوش اومدم روی هوا بودم. وای! نکنه مرده باشم؟ اما نه. توی بغل کسی بودم. آقام بود. چشمم بسته بود اما بوی آقارو می شناختم. بوی عرق مخلوط با روغن سوخته. این بوی آقام بود. بوی مردونگی. برعکس بوی مامان که مخلوطی بود از بوی حلوا و صابون گلنار. فلور هم همین بوها رو می داد مخلوط با عطر. هرکسی یه بویی داشت اما تو اون لحظه بوی غلیظ هسته هلوی تلخ و اون چیزی که مثل دوا گلی بود توی سر و کله ام پیچیده بود. اما اگه دوا گلی بود چرا اون یارو توی حلقم ریخته بود؟ مگه دوا گلی

رو به زخم نمی زنی؟ نمی دونم. هرچی بود مثل شلنگ به در و دیوار استفراغ قرمز باشدم. چند سال بعد که فیلم جن گیر رو دیدم، استفراغ های رنگی پرفشار منو یاد استفراغ قرمز خودم و اون مایع قرمز که ظاهرا پرمنگنات بود انداخت. هنوز چشمم بسته بود و صدای آقام میومد که به مامان تشر می زد اما لابد به ملاحظه دیگران نه با اون هیبت و هیمنه همیشگی.

آخه زن، آدم عاقل یه پیت هسته هلو رو می ریزه جلوی دوتا بچه؟ صدایی که هق هق و گاهی یه فین جانانه اونو قطع و وصل می کرد و لابد مال مامان بود می گفت: من که کف دستمو بو نکرده بودم که این جز جیگر زده ها یه پیت هسته هلو رو می شکنن و می خورن. آخه چه طور حس نکردن که مثل زهرمار تلخه. آدم یکی شو بخوره راست روده می شه.

ملیحه، اونا بچه ان. عقل ندارن. تو که ماشالله عقل داشتی چرا؟ باز خدا رحم کرد که زود برگشتی خونه و گرنه این دوتا زبون بسته الان سینه کش قبرستون بودن. حالا کجا رفته بودی که خونه و دوتا بچه رو سپردی دست هنگامه که خودشم هنوز بچه است؟

بیست دقیقه هم نشد به خدا. تنور اول بهم نرسید. یه عمده اومد بیست تا بربری برد. وایسادم تنور بعدی نون گرفتم! دروغ مامان مثل سگ پارس میکرد. حسابی از خشم آقام ترسیده بود.

◆◆◆◆

هنگامه که از وحشت لال شده بود یه خونه فلورپناهنده شده بود و فلور با خواهش و تمنا یه شب پیش خود نگهش داشت. مامان اول نمی خواست اجازه بده و گفت: دختریه گیس بریده عوض کتک، مهمونی هم بره؟ اما به ظاهر با اصرار فلور و درواقع به خواست خودش راضی شد چون می دونست تقصیر درواقع از خودش بوده و امکانش هم بود که هنگامه تنونه جلوی آقام زبونشو نگه داره. پس دور بودنش به صلاح همه بود. خلاصه اگه رودرواسی و پادرمیونی همسایه نبود آقام مامانو می کشت و اگه وساطت فلور نبود مامان

ادامه مطلب هیچوقت دیر... از صفحه ۱۹

سالم و خوبی های طبیعت و دنیا باشیم چون جوینده یابنده است. مثل همیشه منتظر تلفن ها و email شما هستم و از هر کمکی در زمینه شاد زیستن و کمک به حل مسائل به عنوان یک مربی زندگی (Life Couch) مضایقه نخواهم داشت.

در خاتمه همه شما را به خدای بزرگی می سپارم و با آرزوی لحظات شاد و احساسات شیرین که حق مادرزادی و طبیعی انسانست. زندگی هنری ست که باید آن را یاد بگیریم و با لذت زندگی کنیم تا بتوانیم آنرا به دیگران هم پیشکش کنیم. در جستجوی شادیهای

ادامه مطلب **مروری بر ...** از صفحه ۱۳

سبب تصمیم به نوشتن یک قرارداد پیش از ازدواج شده تغییر کند یا از میان برود و زوجین تمایل پیدا کنند که تغییراتی در قرارداد خود ایجاد کنند. در این صورت، قرارداد تغییر داده شده، تا جائیکه از اصول کلی یک قرارداد پیش از ازدواج تبعیت کند، همان اندازه قرارداد اولیه ارزش و اعتبار قانونی خواهد داشت.

شاید یکی از مهمترین موارد قراردادهای پیش از ازدواج بخشی از قانون مربوط به آنها می باشد که می گوید در چنین قراردادهایی باید زوجین به طور دقیق و کامل امور مالی خود را بر یکدیگر آشکار کرده باشند و نباید دیگری را مجبور به وارد شدن به چنین قراردادی کرده باشند. دیگر اینکه باید آن زوجی که قرارداد علیه او استفاده می شود حداقل هفت روز پیش از امضاء قرارداد وقت داشته باشد که قرارداد را به طور کامل مرور کند یا با یک وکیل مستقل در مورد آن مشورت نماید.

مطالب فوق مشاوره حقوقی نمی باشد و صرفاً برای اطلاع عمومی خوانندگان محترم مجله پژواک بیان شده است.

ادامه مطلب **گل نم ...** از صفحه ۳۹

اذیت می کند و زمانی که او در آن حادثه کشته شد و مادرت می خواست ترا شوهر دهد به مادرت هشدار دادم که این کار را نکند ولی مادرت می خواست همسر دیگری اختیار بکند و برای همین هم اصرار داشت که تو شوهر بکنی. در ضمن دلش نمیامد که تو دوباره زیر دست ناپدری دیگری بیفتی، تا اینکه فهمید که تو نقشه فرار داری. پیش من آمد و از من خواست تا تو را بدون اینکه بدانی تا تهران همراهی کنم، حالا هم نگران نباش.

با تعجب بسیار گفتم: ولی من شما را تا حالا ندیده ام و نمی شناسم، ضمناً من باید که به تهران بروم. پیرمرد گفت بسیار خوب اول اجازه بده از این مخمسه خلاص شویم تا بعد.

بقیه داستان در ماه آینده

ادامه مطلب **ابراز نگرانی ...** از صفحه ۷

در ایران علیه زنان تبعیض می شود. کیت آلن اضافه کرده است: غنچه قوامی زندانی اندیشه است و مقام های ایران می بایست ضمن لغو این حکم، وی را فوراً آزاد کنند.

یکی از مواردی که در بسیاری از قراردادهای پیش از ازدواج گنجانده می شود، حق نفقه (Alimony or Spousal Support) می باشد. طبق قوانین کالیفرنیا، محروم کردن یک زوج از مقدار قانونی حق نفقه خود امری است که اگر داوطلبانه و آگاهانه نباشد، برخلاف مصالح عمومی (Public Policy) و غیرقانونی می باشد. بنابراین، فردی که به واسطه یک قرارداد پیش از ازدواج از تمامی یا بخشی از حق نفقه خود می گذرد، باید پیش از امضای قرارداد باید از یک وکیل مشاوره مستقل حقوقی گرفته باشد. به علاوه، حتی اگر چنین شرایطی طی شده باشد ممکن است که دادگاه براساس اینکه محروم کردن یک زوج از حق نفقه اش غیرعادلانه (Unconscionable) باشد، آن قسمت مربوط به حق نفقه را در قرارداد پیش از ازدواج به رسمیت نشناسد.

ذکر این مطلب مهم است که قانون به زوجین اجازه می دهد که در طول ازدواج قرارداد پیش از ازدواج خود را تغییر دهند یا ابطال نمایند. این از این جهت مهم است که پس از ازدواج و مستحکم تر شدن رابطه زوجین شاید شرایطی که

به پیرمرد بغل دستی نگاهی کردم به نظر آدم بدی نمیامد ناچار بودم واقعیت را برایش بگویم شاید او بتواند مرا کمک کند بنابراین روبه پیرمرد کردم و گفتم آقا شما جای پدر من میتونید به من یک کمکی بکنید؟ پیرمرد سری تکان داد و گفت بگو دخترم!!

از حرفش نفسم بند آمده بود و نمی توانستم حرفی بزنم. پیرمرد گفت: تنرس دخترم. من تو را خوب می شناسم. از همان موقعی که تصمیم به فرار گرفتی مادرت فهمید و موضوع را بدون اینکه تو متوجه شوی با من درمیان گذاشت و از من راه چاره خواست. من مادرت را راضی کردم که ترا آزاد بگذارد تا نقشه خود را عملی کنی. من می دانستم که ناپدریت ترا خیلی

کیت آلن، یکی از مدیران عفو بین الملل در بریتانیا گفته است: این واقعا ناراحت کننده است که یک زن جوان زندانی شده چرا که به صورت مسالمت آمیز گفته است

ادامه مطلب **فردوسی خالق ...** از صفحه ۱۲

ببندم کمر پیش او بنده وار
نجویم جدایی ز اسفندیار
بدینسان رستم باور جنگیدن و کشتن اسفندیار را نداشت وقتی در میدان نبرد با او روبرو می شود او را اندرز می دهد که اگر میل به جنگ و خون ریختن داری بگذار سواران زابلی و کابلی به میدان آرم تا اگر کام تو این خون ریختن است این کام برآید و از جنگ با من درگذر ولی اسفندیار جوان با خیره سری پاسخ می دهد که:

مرا یار در جنگ یزدان بود

سر و کار با بخت خندان بود
می جنگیم تا ببینیم اسب اسفندیار بی سوار به آخور باز می گردد یا باره رستم جنگجوی بی خداوند به ایوان روی می نهد، و به این صورت این جنگ بدفرجام و شوم سرانجام آغاز می شود اسفندیار رویین تن است و از تیغ تیز ایمن و با قصد کشتن رستم به میدان آمده است که می داند رستم هرگز به بند کشیده شدن را نمی پذیرد پس با همه توان خویش می جنگد و رستم چون پس از گذشتن اولین روز برای درمان زخم های خویش از سیمرغ مدد می جوید سیمرغ راه چاره را به او می آموزد و دگر روز رستم با تیر چوب گز به میدان می رود که نشانند این تیر در چشم راست اسفندیار تنها راه شکست اوست. زاری او برای انصراف اسفندیار از جنگ به جایی نمی رسد.

ز دل دور کن شهریار تو کین
مکن دیوار با خرد همنشین
مکن نام من در جهان زشت و خوار
که جز بد نیاید ازین کارزار
اسفندیار پاسخ می دهد که جز بند یا رزم چیزی مجوی.

ببینی کنون تیر گشتاسپی
دل شیر و پیکان لهراسپی
رستم چون چنین می بیند روی به آسمان می کند و با خداوند سخن می گوید که:

به بادافره این گناهم مگیر

توی آفریننده ماه و تیر
پس، تهمت تیر گز را که سیمرغ به او داده بود در کمان نهاد و بر چشم راست اسفندیار بزد، بالای آن سرو سهی خم شد. کمان چاچی از دستش افتاد و پیکرش بر خاک سرنگون شد.

تراژدی های فردوسی آنچنان استادانه بر صحنه آشکارند که ببیننده خود را در برابر نمایشی بسی بالاتر از قدرت انسانی انسان ها می بیند، آنچه پیش می آید فراسوی جهان زمینی است در سرنوشت محتومی که می بایستی پیش آید ناگهان سیمرغ آشکار می شود و رویین تن با پیش آمدن پدیده ای غیر زمینی به دست تهمت بر خاک می غلظد و تراژدی رستم و اسفندیار به وجود می آید.

که گفت برو دست رستم ببند
نبنده مرا دست، چرخ بلند
مرا خواری از پوزش و خواهش است
وزین نرم گفتن مرا کاهش است
اما اسفندیار شاهزاده ایرانی مامور است که رستم را دست بسته نزد گشتاسب ببرد و این آغاز فاجعه ایست که تراژدی غم انگیز رستم و اسفندیار را پدید می آورد.
پند مادر، خواسته قلبی او، خواهش های بهمن پسرش و کوشش های مهربانانه پشتون برادرش برای بازداشتن او از جنگ با رستم به نتیجه ای نمی رسد و او سرپیچی از فرمان پدر را روا نمی دارد و می خواهد رستم را دست بسته به نزد شاه برد. رستم که پیربست جهان دیده و پایند پیمان خویش با پادشاهان ایران برای حفظ تخت شاهی، پر اندیشه می شود اسفندیار را همچون پسرش سهراب می بیند و بعد از مرگ سهراب دل کشتن سهراب دیگری را ندارد و پذیرفتن بند بردگی نیز بر او گران است.

هم از بند او بد شود نام من
بد آید ز گشتاسب انجام من
وگر کشته آید به دشت نبرد
شود نزد شاهان مرا روی زرد
که او شهریاری جوان را بکشت
بدان کو سخن گفت با او درشت
وگرم شوم کشته بر دست اوی
نماند به زاولستان رنگ و بوی
شکسته شود نام دستان سام

ز زابل نگیرد کسی نیز نام
مرگ پهلوان و مرگ شهریار جوان هر دو فاجعه است، فردوسی در اینجا خواننده را بر سر یک دو راهی غم انگیز می گذارد، اسفندیار سرپیچی از فرمان پدر را روا نداند و رستم ننگ دست بسته اسارت را پذیرفتن نتواند. جنگی در پیش است که پایان آن برای خواننده در صورت شکست هریک از دو قهرمان اندوه است و شیون و زاری. زال پدر رستم چون از این سخن آگاه می شود می گوید:

به بیغوله ای شو ز پیشش نهان
که کس نشنود نامت اندر جهان
او را پند می دهد که از سیستان بگریزد و به بیغوله ای نهان شود که مرگ شاهزاده بدست او ناخوشایند و مرگ پهلوان پیر به دست شاهزاده ننگ است.

رستم تاب ننگ فرار ندارد، پدر را می گوید که اگر اسفندیار را اندیشه جنگ با من است من در این آوردگه او را حریفم.
ببندم به آوردگه راه اوی

به نیرو نگیرم کمرگاه اوی
سبک باز با او ببندم کمر
وز ایدر نهم سوی گشتاسب سر
نشانش بر نامور تخت عاج
نهم بر سرش بر دل افروز تاج

Continued from Page 60 Iran hardliners...

"The event this year is imbued with a spirit of antagonism toward arrogant powers. It calls for even louder slogans against America," hardline cleric Alireza Panahian told a crowd gathered outside the former U.S. embassy compound in Tehran, called the "Den of Spies" in Iran since the seizure.

"We will never come to terms with savage Americans, even if we have chosen to negotiate. Those cannibals, the Americans, shouldn't jump to any conclusion with these talks," he said to chants of "Death to America" and "Death to Israel", state television reported.

A COMPROMISE

Since Rouhani's election in 2013, there has been a tug-of-war between the hardline and pragmatic camps about foreign policy and particularly on how to deal with the United States. "They have reached a compromise: resolving the nuclear dispute but no normalization of ties with the Great Satan," said a senior Iranian official, who asked not to be named.

The state of the economy - weakened by U.S. and European Union restrictions on Iran's oil exports and international financing as well as rising prices, high unemployment and investors keeping a tight hold on their purses - have persuaded Khamenei to back the nuclear talks.

Khamenei has shot down Rouhani's hardline critics by repeatedly urging unity and faith in the government, and calling the nuclear negotiators "the children of the Revolution". Rouhani will enjoy Khamenei's blessing as long as his power does not surpass the leader's authority, analysts say.

"Some Rouhani allies desire resumption of ties with the United States. This is where the problem arises," said a pro-reform former senior official.

Under the Iran's system of rule by a religious legal scholar, Khamenei controls the judiciary, security forces, the Guardian Council that vets laws and election candidates, public broadcasting and foundations that

own much of the economy.

Khamenei has always tried to ensure no group, even among his conservative allies, gains enough power to challenge his authority. He blocked attempts by previous presidents to boost their authority, such as when reformist Mohammad Khatami tried to create a freer society and hardliner Mahmoud Ahmadinejad tried to implement populist policies.

CORE SUPPORTERS

Hardliners fear that by normalizing ties with the United States, the establishment will lose the backing of its core supporters that will lead to a weakening of their position domestically and globally, analysts say.

Khamenei has said the establishment's hostility towards the United States will remain, despite a willingness among some Iranian officials for wider engagement with Washington. "Improving the economy is important but not at the price of sacrificing the pillars of the revolution," said the senior Iranian official.

Tehran and Washington have common interests and threats across the Middle East. They have cooperated tactically in the past and relations have improved modestly since the election of Rouhani, who promised "constructive engagement" with the world.

Alarmed by the rise of Sunni militants in Syria and Iraq, the upheaval of the Arab Spring and the civil war in Syria, Iranian leaders have started to weigh the costs and benefits of continuing their hostility towards the United States.

"Also, considering the prospect of a nuclear deal and its impact on Iran's economy have further encouraged the establishment to soften its tone," said the former official.

But Iran still backs Syrian President Bashar al-Assad, its sole regional ally. Western adversaries say Tehran is supporting Assad with arms, cash and Revolutionary Guardsmen to train militia to help win the war. Iran denies providing military and financial support to Syria.

Continued from Page 58 Syria: ISIS Tortured...

On August 15, the UN Security Council passed resolution 2170, calling on all member states to take national measures to stop the flow of foreign fighters, financing, and arms to ISIS, Jabhat al-Nusra, and any other individual or group associated with al-Qaida.

On September 24, the UN Security Council adopted resolution 2178, urging states to counter terrorism by establishing screening measures, effective border controls, and other steps to prevent the recruitment, organization, and movement of terrorists, including those affiliated with ISIS. The resolution also urged states to improve cooperation, pursue prosecutions, and help build the capacity of other states to fight terrorist groups.

"Governments in the Middle East and the West should swiftly implement the UN Security Council resolutions aimed at curbing support for ISIS," said Abrahams. "To stem ISIS abuses, governments need to tackle its fundraising and recruitment."

OTHER SYRIAN KURDS TAKEN HOSTAGE BY ISIS

A woman and her daughter-in-law from Kunaftar village near Kobani, interviewed together, said that ISIS had seized two men and 12 women and children after it captured the village on May 21. A document prepared by the YPG listed the names and ages of the 14 people, 6 of whom were children under 10. ISIS released the women and most of the children on June 28, the day before Ramadan began, but four months later were still holding the two men and one 17-year-old boy.

The daughter-in-law, 20, said she was one of those detained and released. She said ISIS held the 14 people in Manbij and interrogated them without violence about the captives' relations at the grassroots level across Iranian society want a "good" relationship with the United States, desiring a freer society and improved economic conditions. Western business delegations have already started to visit Iran, paving the ground for the day sanctions are eased.

"These days I feel proud of being an Iranian again. The Western countries are racing with each other to invest

tions to the YPG. The woman said she gave birth to a baby during her captivity and ISIS guards took her to a hospital for the delivery.

The woman's mother-in-law said she went to the ISIS commander in Manbij during the group's detention to complain. "I went to the emir of Manbij, Abu Hashim, to plead for him to release them," she said. "He said: 'Let the YPG release our people who they are holding prisoner and we will release them.'"

In Minas village, also near Kobani, ISIS seized seven civilian men when it captured the village in the beginning of October, a male relative of two of the captives told Human Rights Watch. Three of the men had stayed in the village as ISIS advanced; the other four, including two of the man's uncles, returned after ISIS arrived to get some personal possessions, he said. The man said he called and briefly spoke with one of his uncles after the uncle had been caught.

A 40-year-old farmer from Ghassaniya (Helinj in Kurdish) village said ISIS had abducted four of his nephews, ages 16, 17, 18, and 27 or 28, in late February as they were driving through ISIS-controlled territory en route to Iraqi Kurdistan. The family found their abandoned vehicle at a place called Aliya on the Aleppo-Hassakah road, 10 km west of Tel Tamer, he said. "This area was under ISIS control and I have no doubt that ISIS took them for the purpose of frightening and terrorizing people," he said.

Two officials from the PYD told Human Rights Watch that the four men are among an estimated 160 men and boys that ISIS abducted from the same location in late February as the group was traveling to Iraqi Kurdistan for work. They reported that none of the group is known to have been released.

in Iran," said private-sector employee Mohammad Reza Asgari in the southern port city of Bandar Abbas. But perhaps not surprisingly, given the decades of hostility, some Iranians remain suspicious of Westerners. "They are not our real friends. They see Iran as a great opportunity to earn money, like hungry wolves," said Zahra Safari, 19-year-old philosophy student in Tehran.



Continued from Page 59

Syria: ISIS Tortured...

The children said they got very occasional visits and phone calls from their parents. They were also initially forbidden from speaking Kurdish. All of the children described being forced to pray five times a day and undergoing intense religious instruction. The teachers also forced them to watch videos of ISIS in combat and beheading captives.

The children said the guards and religious teachers at the school were a combination of Syrian Arabs and people from Jordan, Libya, Tunisia, and Saudi Arabia. The Syrians gave the worst beatings, especially a man named Abu Shehid from near Aleppo, all of them said. One of the boys, 16, explained more about the frequent beatings:

Those who didn't conform to the program were beaten. They beat us with a green hose or a thick cable with wire running through it. They also beat the soles of our feet. The tire was used less often. I was once put inside the tire and beaten. They sometimes found excuses to beat us for no reason. The Syrian guards were the worst and beat us the worst.

They made us learn verses of the Quran and beat those who didn't manage to learn them. When some boys tried to escape, the treatment got worse and we were all punished and given less food. The four boys said they got no explanation for their release beyond that they had finished their religious training. They were given 150 Syrian pounds (US\$1), a DVD with religious material, and let go.

In addition to the children abducted in May, ISIS has seized other children and adult male and female civilians from villages near Kobani, and is apparently holding some of them hostage as a bargaining chip for the release of ISIS fighters held by the YPG, four Kurds from the Kobani area told Human Rights Watch (see details below). Taking hostages is a war crime under international humanitarian law (the laws of armed conflict). The war crime of torture, under international humanitarian law, is the infliction of severe physical or mental pain or suffering for purposes such as obtaining information or a confession, punishment, intimidation, or coercion.

Continued on Page 57



DJ Alireza
Music at Its Best
(408)772-6463
www.djalireza.com
 Quality Mobile DJ Service
 State of The Art Lighting Services
 Complete Audio Visual Equipments
 Ambiance Lighting for Wedding Receptions
 Like Me on facebook



Sealants
Michelle Haghpanah
 DDS, MPH
drmichellehdds@gmail.com

According to the American Academy of Pediatric Dentistry (AAPD), dental decay is still the most common chronic disease among US children. Preventing cavities in your child is the best way to help them obtain a healthy dental future. The problems and expenses that arise due to tooth decay can stay with a child for a lifetime. One of the easiest ways to prevent cavities is the use of sealants. Dental sealants are a thin plastic material, usually clear or shaded, that are applied to the deep grooves or pits of teeth to prevent cavities. Even with thorough brushing and flossing, it may be impossible to clean the tiny grooves and pits on certain teeth. Food and bacteria build up in these grooves and pits, placing your child at risk for cavities. Sealants act as a barrier to "seal out" food and plaque, thus reducing the risk of cavities.

Usually, the flow of saliva keeps the smooth surfaces of teeth clean but cannot wash out the grooves and pits. The teeth most at risk of decay, and most in need of sealants, are the six-year and twelve-year molars. However, any tooth with grooves or pits such as baby molars or other adult teeth, may benefit from the protection of sealants. Speak to your pediatric dentist, as each child's situation is unique. Sealants can last for many years if properly cared for. Your child will be protected throughout the most cavity-prone years. Sealants will last

longer if your child has good oral hygiene and avoids biting hard objects. Your pediatric dentist will check the sealants during routine dental visits and recommend re-application or repair when necessary.

The application of a sealant is quick



and comfortable. The tooth is cleaned, conditioned and then the sealant is flowed into the grooves and pits of the tooth. The sealant is hardened with a special light. Your child will be able to eat right after the appointment. Sealants provide your child with valuable decay protection and cost less than fillings. Many dental insurance companies cover sealants. Some companies, however, have age and specific tooth limitations. Check with your insurance provider about your child's coverage and talk to your pediatric dentist about the exact cost of sealants for your child. Sealants are just one part of the plan to keep your child cavity-free for a lifetime. Brushing, flossing, a healthy diet and regular dental visits are still essential to a healthy smile.

Connect With Consumers

Pezhvak of Persia.



(408) 221-8624

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS



OPEN 24 HOURS

Iran hangs woman despite international uproar

Reyhaneh Jabbari was hanged on Saturday for killing a man she said tried to abuse her, despite international outcry.

Aljazeera: Iran has executed a 26-year-old woman convicted for killing a man who she said tried to sexually abuse her.

Reyhaneh Jabbari was arrested in



2007 for the murder of Morteza Abdolali Sarbandi, a former employee of Iran's Ministry of Intelligence.

She was hanged at dawn on Saturday, the official IRNA news agency quoted the Tehran prosecutor's office as saying. A message posted on the homepage of a Facebook campaign that was set up to try to save her, but which now states "Rest in Peace," appeared to confirm the report.

Efforts for clemency had intensified in recent weeks. Jabbari's mother was allowed to visit her for one hour on Friday, Amnesty International said, a custom that tends to precede executions in Iran.

Jabbari was sentenced to death by a criminal court in Tehran in 2009 in what Amnesty International said was a "deeply flawed investigation and trial". Her execution was due to be carried out on September 30 but was postponed for 10 days.

"The shocking news that Reyhaneh Jabbari has been executed is deeply disappointing in the extreme. This is another bloody stain on Iran's human rights record," said Hassiba Hadj

Sahraoui, Amnesty International's Deputy Director for the Middle East and North Africa Programme.

"Tragically, this case is far from uncommon. Once again Iran has insisted on applying the death penalty despite serious concerns over the fairness of the trial."

A UN human rights monitor had said the killing of Sarbandi was an act of self-defence after he tried to sexually assault Jabbari, and that her trial in 2009 had been deeply flawed.

Iranian actors and other prominent figures had appealed for a stay of execution, echoing similar calls in the West. Jabbari apparently admitted to stabbing Sarbandi in the back. She said he had tried to sexually assault her.

However, she said that another man who was also in the house at the time killed him. Her claims do not appear to have ever been properly investigated, Amnesty said.

Calls for retrial

The UN and international rights groups had said Jabbari's confession was obtained under intense pressure and threats from Iranian prosecutors, and she should have had a retrial.

Ahmed Shaheed, the UN's human rights rapporteur on Iran, said in April that Sarbandi had offered to hire Jabbari to redesign his office and took her to an apartment where he sexually abused her.

However, Sarbandi's family insists that the murder was premeditated and that Jabbari had confessed to buying a knife two days before the killing.

Iran's judicial authorities were reported to have pressured Jabbari to replace her lawyer, Mohammad Ali Jedari Foroughi, for a more inexperienced one, in an apparent attempt to prevent an investigation of her claims, Amnesty reported.

Syria: ISIS Tortured Kobani Child Hostages

(Istanbul) – Kurdish children from the Syrian city of Kobani (or Ain al- Arab in Arabic) were tortured and abused while detained by Islamic State (also known as ISIS), Human Rights Watch said today. Four children gave detailed accounts of the suffering they endured while held for four months with about 100 other children.

The children, aged 14 to 16, were among 153 Kurdish boys whom ISIS abducted on May 29, 2014, as they traveled home to Kobani. According to Syrian Kurdish officials and media reports, ISIS released the last 25 of the children on October 29. Interviewed one by one in Turkey, where they had fled to safety after ISIS released them in late September, the four boys described enduring repeated beatings with a hose and electric cable, as well as being forced to watch videos of ISIS beheadings and attacks.

"Since the beginning of the Syrian uprising, children have suffered the horrors of detention and torture, first by the Assad government and now by ISIS," said Fred Abrahams, special advisor for children's rights at Human Rights Watch. "This evidence of torture and abuse of children by ISIS underlines why no one should support their criminal enterprise."

ISIS initially stopped about 250 Kurdish students from Kobani as they traveled home after taking their middle school exams in Aleppo on May 29. ISIS released all the girls, around 100, within a few hours, but kept 153 boys at a school in Manbij, a town 55 kilometers southwest of Kobani.

About 50 of the boys escaped or were released between June and September, with about 15 of them apparently being exchanged for ISIS fighters held by the Kurdish armed group, the People's Protection Units (YPG). In late September, ISIS released about 75 of the remaining boys, including those interviewed by Human Rights Watch. The four children did not know what prompted their release.

An official from the Democratic Union Party (PYD), the main Kurdish political party administering Kobani, told Human Rights Watch that

ISIS released the last 25 boys on October 29. The children are making their way to Turkey because of the fighting in Kobani, he said.

According to the four children interviewed by Human Rights Watch, ISIS guards at the Manbij school beat



the children who tried to escape, did poorly in compulsory religious lessons, or did anything else perceived by their captors as misbehaving. ISIS gave especially bad treatment to the boys from families that had a relative in the YPG, the children said.

"It was really those whose families were close to the YPG who suffered most," said one of the boys, aged 15. "They [ISIS] told them to give them the addresses of their families, cousins, uncles, saying 'When we go to Kobani we will get them and cut them up.' They saw the YPG as kafir [unbelievers]."

The 15-year-old said ISIS guards used an electric cable to beat children on the hands, back, and soles of their feet, especially when they misbehaved. He described one incident:

One child who muttered "Oh Mother!" when he was caught in another group's room was strung up, suspended with his hands tied behind his back, one foot tied to his hands, and told he should call on God, not his mother.

The four boys said ISIS divided the children into eight groups, with each group sleeping in a different classroom. Each child received three blankets: two to sleep on the floor and one as a cover. The guards let them bathe once every two weeks. They provided food twice per day but did not allow the children to play outside after some of them escaped.

Continued on Page 58

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS
OPEN 24 HOURS

Iran hardliners want nuclear deal but no ties with Washington

By Parisa Hafezi & Mehrdad Balali

ANKARA/DUBAI(Reuters)-Iran may be ready to reach a nuclear deal with world powers to revive its economy, but is in no rush to go further by restoring relations with the United States, calculating this would imperil its domestic support.



According to one official, hardline loyalists of Supreme Leader Ayatollah Ali Khamenei have reached a compromise with supporters of the pragmatic president: Tehran should try to win relief from international sanctions by resolving the nuclear dispute, but not normalize ties with "the Great Satan".

However, some allies of President Hassan Rouhani may not have given up on re-establishing relations with Washington, which were severed after the 1979 Islamic Revolution.

Hostility to the United States has always been a rallying point for the clerical establishment, despite the decades of political isolation and sanctions-related economic hardship that estrangement has cost. Take this bogeyman away, and the ideological glue that holds together the faction-ridden leadership would weaken, analysts say.

"Hardliners understand that a nuclear deal will benefit the establishment, but they see normalization of ties with America as a threat to their authority," said a pro-reform former senior official.

Iran and six powers - the United States, Russia, France, Germany, China and Britain - are in talks on curbing

Iran's atomic activity in exchange for a gradual lifting of sanctions. They face a self-imposed Nov. 24 deadline to conclude a comprehensive deal, after missing an original July target.

The United States and some of its allies suspect Iran is using its nuclear program as a cover to develop atomic bombs. Iran denies this, saying it is solely for civilian purposes.

Iran's policy-making establishment, composed of hardline Islamists, pragmatists and reformers, agrees at least on one issue - that a comprehensive nuclear deal will help Iran to grow richer and politically stronger through the easing and eventual lifting of the sanctions. Khamenei's hardline allies are willing to tolerate top Iranian diplomats sitting down with U.S. counterparts to discuss the nuclear issue. However, they fear a deal might pave the way for full relations with the United States, eventually weakening their influence, the authority of Khamenei and, by extension, the legitimacy of the Islamic Revolution.

HOSTILITY

While Rouhani's camp believes it is vital to end the hostility with Washington to improve the economy, analysts and officials say, Khamenei's conservative supporters want only a limited thaw between the arch-enemies. Normalization of ties with Washington would mean crossing a red line for them.

Washington and Tehran cut diplomatic relations after students seized the U.S. embassy in Tehran 35 years ago this week, holding 52 Americans hostage for 444 days.

Continued on Page 57

Volleyball woman 'on hunger strike' in Iran

Al Jazeera: A British-Iranian woman jailed in Iran after trying to watch a volleyball match is on a hunger strike for the second time, reports say.

Ghoncheh Ghavami was sentenced to a year in jail after attempting to attend a men's volleyball match between Iran and Italy in Tehran in June, her lawyer told Iranian media.

The 25-year-old law graduate from London, is protesting against what she called her "illegal detention", her mother told the BBC. Women are banned from attending volleyball and football matches in Iran, which officials say protects them from lewd behaviour.

She was arrested on June 20 outside Tehran's Azadi Stadium, where she was taking part in a demonstration demanding that women be allowed inside to watch the international league match.

Ghavami was released soon after, but then re-arrested days later when she was called back to reclaim items that had been confiscated when she was first detained.

The status of Ghavami's case is uncertain because prosecutors have not confirmed her sentence, according to the broadcaster.



Ghavami previously went on a hunger strike for two weeks before her sentencing, when she was detained for months before going on trial behind closed doors.

The human rights group Amnesty International says she has been held at Evin prison, which has a reputation for brutality, and has spent time in solitary confinement. Iran does not recognise dual citizenship and treats dual nationals as Iranians. Despite an international outcry against the case, last month, a 26-year-old Iranian woman was executed in Tehran for killing a man who she said had tried to sexually abuse her.

Mahmoud Azadnia's wining work at the 10th International Cartoon Contest in Syria.



"The most important kind of freedom is to be what you really are. You trade in your reality for a role. You trade in your sense for an act. You give up your ability to feel, and in exchange, put on a mask. There can't be any large-scale revolution until there's a personal revolution, on an individual level. It's got to happen inside first."

Jim Morrison

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

Pezhvak of Persia

(408)221-8624

کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،

به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،

یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



بوفه کامل ۱۱,۹۹ دلار

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasser
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasser62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112